



رئیس عزیز خستگی نمی‌شناسد

شهید دکتر حسین امیرعبداللهیان
وزیر خارجه مجاهد و فدا

حجت الاسلام شهید سید محمد علی آل‌عظمی
امام جمعه محبوب و معتبر تبریز

شهید دکتر ماکرمی
استاد انقلاب و منتقدین آذربایجان شرقی

حادثه ورزقان - بررسی زوایای مختلف حقوقی اداره کشور در شرایط فقدان رئیس جمهور فقید

نقش تنظیم مقررات تجارت الکترونیک در جلوگیری از فساد و پولشویی (مطالعه موردی کوروش کمپانی) ✦ گزارش نشست نقد رای با موضوع اهدای جنین

گذری بر اصول دادرسی منصفانه در امر کیفری ✦ تحلیل حقوقی سریال پوست شیر ✦ نفس حیاتی «داستان کوتاه با موضوع ارث

از هویت سازی تا حکمرانی با سبک صحیح مدیریت قضایی



فهرست عناوین

یادداشت سردبیر ۱

بخش تیترو ویژه و تحلیل روز

حادثه ورزقان - بررسی زوایای مختلف حقوقی اداره کشور در شرایط فقدان رییس جمهور فقید ۳

تاثیر شهادت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بر روابط بین الملل ۹

بخش مقالات

نقش تنظیم مقررات تجارت الکترونیک در جلوگیری از فساد و پولشویی با مطالعه موردی کوروش کمپانی ۱۷

بررسی و ارزیابی حفاظت از اراضی کشاورزی در ایران ۲۳

حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه و حمله متقابل ایران به اسرائیل از منظر حقوق بین الملل ۴۲

گذری بر اصول دادرسی منصفانه در امر کیفری ۴۷

بررسی جایگاه و نقش ضابطین دادگستری در جمع آوری ادله جرم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ۵۴

رویکرد ضمانت مستقل در پرتو لایحه جدید قانون تجارت ۶۴

بخش یادداشت های موضوعی

ساده باشیم! (۲) ۶۹

حمایت از حقوق کودکان در کنوانسیون حقوق کودک ۷۱

از هویت سازی تا حکمرانی با سبک صحیح مدیریت قضایی ... ۷۶

بخش قضا و هنر

نفس حیاتی- مبحث ارث ۷۹

تحلیل حقوقی سریال پوست شیر ۸۳

بخش مصاحبه و گزارش

گزارش نشست نقد رأی شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر مازندران با موضوع اهدای جنین ۸۶

مصاحبه با دکتر فرید محسنی ریاست محترم دانشگاه علوم قضایی، با موضوع رشته جدید تربیت قاضی ۹۲



شناسنامه اثر

نام اثر: فصلنامه قضا نامه - شماره چهارم بهار ۱۴۰۳

مدیر مسئول: افشین پرفروغ

سردبیر: محمد حسین امینی

مسئول و مدیر اجرایی:

سید محمد رضا رضوی نژاد

هیئت تحریریه:

محمد حسین امینی، علی شعبانی، سهیل نجاری، ابوالفضل حسینی، سپهر الهی، ابوالفضل پروین، سید محمد رضا رضوی نژاد، مهدی وحیدی قراباغلو، محمدرضا صادقی مقدم، محمد ایمانی، افسانه حاجیلو

سرپرست هیئت تحریریه:

محمدرضا صادقی مقدم

نویسندگان شماره چهارم:

محمد حسین امینی، سید محمدرضا رضوی نژاد، صالح عباسی، افسانه حاجیلو، امیرمهدی قجری، مجید میرزایی چنذاب، حسن چمن آرا، زهرا قدیمی، علی شعبانی، علیرضا دهقانی، پارسا بزنجانی، امیرحسین سینایی، امیر مجتهدی، محمد ایمانی، محمدرضا صادقی مقدم

طراح داخلی: نیما اعظمی

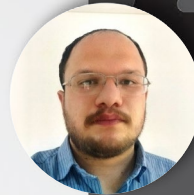
طراح جلد: مهدی وحیدی قراباغلو

خبرنگاران: مهدی سالار، پارسا بزنجانی

پل های ارتباطی

یادداشت سردبیر

حادثه‌ی ورزقان و شرایط حقوقی اداره‌ی کشور



محمدحسین امینی

سردبیر نشریه‌ی قضانامه

۱۴۰۳/۰۳/۲۶

از لحظه‌ای که خبر حادثه‌ی سقوط هلیکوپتر حامل ریاست‌جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر ریسی، در منطقه‌ی ورزقان که منجر به ازدست رفتن جان ۵ تن از مسئولان کشوری و لشکری، از جمله رئیس‌جمهور فقید گردید، انتشار یافت، حقوق‌دانان حقوق عمومی، به این اندیشه افتادند که شرایط و نحوه‌ی اداره‌ی کشور، در ایام فقدان رئیس‌جمهور چیست و کشور با چه چالش‌هایی در این زمینه روبه‌رو خواهد بود؟

این نخستین بار از زمان اصلاحات قانون اساسی از سال ۱۳۶۸ هجری خورشیدی و تغییر نظام پارلمانی به ریاستی و افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و تلقی جایگاه رئیس‌جمهور به عنوان رئیس قوه‌ی مجریه بود که کشور به طور ناگهانی با خلأ ناشی از فقدان رئیس قوه‌ی مجریه روبه‌رو می‌گردید.

در این شرایط، چالش‌های حقوقی که پیش از اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی، در تجربه‌ی یک بار عزل بنی‌صدر و یک بار ترور رئیس‌جمهور رجایی، گریبان‌گیر نظام حقوقی کشور گردید، به نحو شدیدتری قابل تصور است؛ زیرا در نبود رئیس قوه‌ی مجریه، چالش اختیارات معاون اول به عنوان سرپرست ریاست‌جمهوری در ریاست شوراهای کشور، ابلاغ قوانین و عزل و نصب‌ها، چالش استقلال قوه‌ی مجریه در صورت تشکیل شورای ریاست‌جمهوری مرکب از رئیس دو قوه مقننه و قضاییه و معاون اول رئیس‌جمهور فقید و چالش برگزاری انتخابات زودهنگام، گریبان‌گیر کشور شده و برخورد با این چالش‌ها است که لزوم تأمل و تدبیر حقوق‌دانان و دست‌اندرکاران را در این رابطه، به ثبات می‌رساند.

در این شماره از نشریه‌ی قضانامه، در کنار موضوعات تخصصی حقوقی، مدیریتی و قضایی، به طور ویژه شرایط، چالش‌ها و دشواری‌های حفظ نظم حقوقی حاکم بر کشور را در دوران انتقال دولت، به بحث نشست و راهکارهایی را در زمینه‌ی بازنگری در اصول و قواعد حاکم بر این شرایط به منظور حفظ هرچه بیشتر و بهتر نظم حقوقی از نظر خوانندگان محترم، خواهیم گذراند.

آرزوی توفیق برای همکاران و خوانندگان محترم فصلنامه قضانامه را از درگاه الهی خواستارم.



بخش تیترو ویژه و تحلیل روز

تیترویرژه: حادثه ورزقان

بررسی زوایای مختلف حقوقی اداره کشور در شرایط فقدان رئیس جمهور فقید

موضوع: حقوق عمومی

مقدمه

سی ام اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ رئیس مکتبی و مردمی جمهوری اسلامی ایران، خادم مجاهد و خستگی ناپذیر مردم، آیت الله سید ابراهیم رئیسی، به همراه تعدادی از همراهان مخلصان در حین خدمت به محروم ترین نقاط کشور، در اثر سانحه ی هوایی به شهادت رسیدند. بدون شک، شهادت، پاداش سالها خدمت و مجاهدت خالصانه ی ایشان در میدان عمل، برای اعتلای ایران و خدمت به مردم بود. غم فقدان این عزیزان چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می نشیند، لکن در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره ای جز تسلیم و رضا نیست. یادداشت پیش رو تقریری است در بررسی نحوه اداره کشور پس از فقدان رئیس جمهور با توجه به قوانین حاکمیتی از جمله قانون اساسی با عنایت به وضعیت کنونی کشور پس از فقدان رئیس جمهور شهید آیت الله رئیسی، امید است که ضمن تبیین این مهم گامی هرچند کوتاه در جهت افزایش سواد حقوقی و رفع شبهات حقوقی ناشی از این موضوع برداشته شود. در این یادداشت ابتدا به بیان تاریخچه تجربی فقدان ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی پرداخته و پس از آن به بررسی قانون اساسی و احکام کفالت ریاست جمهوری در فقدان این مقام خواهیم نشست و به سوالاتی در این زمینه پاسخ خواهیم داد.

تاریخچه تجربی فقدان رئیس جمهور

از ابتدای انقلاب تاکنون تنها در سه مرحله دوره ریاست جمهوری به اتمام نرسیده و بر حسب ضرورت انتخابات پیش از موعد مقرر برگزار شده است.

فوت رئیس جمهور

پیش از شهادت آیت الله رئیسی، فوت رئیس جمهور تنها یک مرتبه در طول حیات انقلاب اسلامی رخ داده است و آن هم شهادت شهید محمد علی رجایی است. در آن هنگام قانون اساسی سال ۱۳۵۸ حاکم بود و حکمی متفاوت با مطالب مربوط در اصلاحات ۱۳۶۸ داشت. بر اساس اصل ۱۳۱ سابق، در صورت فوت، کناره گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس جمهور، یا موجبات دیگری از این گونه، شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست جمهوری را جز در امر همه پرسی بر عهده دارد. این



محمدرضا صادقی مقدم
دانشجوی کارشناسی ارشد
پیوسته علوم قضایی دانشگاه
علوم قضایی و سرپرست
هیئت تحریریه

فهرست منابع

کتاب ها و منابع صوتی

۱- طباطبایی موقنی، منوچهر، ۱۳۸۵، حقوق اداری، چاپ دوازدهم، تهران:

انتشارات سمت

۲- هاشمی، محمد، ۱۳۸۶، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم،

چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان

۳- امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶، صحیفه امام خمینی (ره)، جلد چهاردهم، چاپ

هفتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

مقالات

۴- مظهری، محمد، مرتضی قاسم آبادی و علیرضا ناصری، (۱۳۹۷)، « جایگاه

معاون اول به عنوان کفیل رئیس جمهور و مسوولیت های پیش بینی شده

وی در نظام حقوقی ایران »، فصلنامه حقوق اداری، سال پنجم، شماره

۵۳- ۲۷، ۱۵

۵- تقی زاده، جواد (۱۳۸۹)، « تحقق کفالت ریاست جمهوری در حقوق

ایران با نگاهی به حقوق فرانسه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰

(۳)، ۹۷، ۱۱۵

قوانین

۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری مصوب

۱۳۶۸، بازپایی شده در تاریخ ۱۴/۲/۱۴۰۳، وبسایت مرکز پژوهش های

مجلس rc.majlis.ir

۷- قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴، بازپایی شده در تاریخ

۱۴/۲/۱۴۰۳، وبسایت مرکز پژوهش های مجلس rc.majlis.ir

۸- قانون آیین نامه داخلی مجلس مصوب ۱۳۷۹، بازپایی شده در تاریخ

۱۴/۲/۱۴۰۳، وبسایت مرکز پژوهش های مجلس rc.majlis.ir

سایر منابع

۹- مشروح مذاکرات مجلس اول شورای ملی (اسلامی) (جلسه ۱۶۵)، بازپایی

شده در تاریخ ۱۴/۲/۱۴۰۳، وبسایت مرکز پژوهش های مجلس rc.majlis.ir

ir

اصل، شورای موقت ریاست جمهوری را به عنوان جانشین موقت معرفی کرده و پس از شهادت رئیس جمهور وقت نیز همین شورا وظایف را بر عهده گرفت. در حقیقت پس از شهادت شهیدان رجایی و باهنر، شورای موقت ریاست جمهوری متشکل از اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای ملی و سید عبدالکریم موسوی، رئیس دیوان عالی کشور تشکیل شد و به پیشنهاد این شورا و تصویب مجلس، در ۱۱ شهریور آقای محمدرضا مهدوی کنی به نخست‌وزیری رسید. تا اینکه با برگزاری انتخابات دوباره در مهر ماه ۱۳۶۰ (انتخابات ریاست جمهوری دوره سوم) آیت الله خامنه‌ای به اکثریت آرای مردم به ریاست جمهوری برگزیده شدند.

عزل رئیس جمهور

عزل نیز به مانند فوت، از جمله اسبابی است که در حیات سیاسی انقلاب اسلامی وجود داشته است و در مورد ابوالحسن بنی صدر اعمال شد. در ۲۶ خرداد ۱۳۶۰ برخی از نمایندگان مخالف بنی صدر آیین نامه رسیدگی به طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور را به مجلس تقدیم کردند. در متن آیین نامه آمده بود «... بنا به وضعیت فعلی کشور و تظاهرات میلیونی مردم انقلابی و شهید داده علیه خلافت‌کاری ها و قانون شکنی های آقای ابوالحسن بنی صدر، طرح قانونی را به عنوان آیین نامه بررسی طرح عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور به مجلس تقدیم داشته و تقاضای تصویب آن را با قید دو فوریت داریم». دو فوریت این آیین نامه به رای گذاشته شد و از مجموع ۱۸۳ نفر، ۱۴۵ نفر به آن رای موافق دادند (مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسامی، جلسه ۱۶۵) و با تصویب آن، اصل طرح تقدیم مجلس شد که از آوردن متن آن صرف نظر می‌شود. در نهایت، طرح به رای گذاشته شد و با کسب ۱۷۷ رای موافق، ۱۲ رای ممتنع و یک رای مخالف، رای به عدم کفایت بنی صدر داده شد و امام خمینی (ره) در ۱ تیر ۱۳۶۰ بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل نمود. (صحیفه امام، ج ۱۴ ص ۴۸۰).

قانون اساسی و زوایای مختلف کفالت حقوقی ریاست جمهور

قانون اساسی هر کشور، به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی که در آن اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی یک کشور؛ درج شده و تضمین کننده حقوق شهروندان آن به حساب می‌آید و معمولاً به امر حکمرانی در شرایط عادی می‌پردازد و بیشتر برای شرایط عادی می‌باشد، اما با توجه به امکان اتفاقات این چنینی در شرایط غیر عادی پیش بینی‌های ضروری و اضطراری در قوانین اساسی دیده شده است یکی از اصول مهم این قانون؛ اصل ۱۳۱ آن می‌باشد که به مسئله اداره کشور در زمان فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری رئیس جمهور، پرداخته است. با توجه به این که غیبت رئیس جمهور می‌تواند بر روند اداره و مدیریت کشور تاثیر گذار باشد؛ اطلاع از مضمون این اصل و نکات حقوقی آن امری ضروری می‌باشد.

در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۳۱ وضعیت ضروری و استثنایی برای رفع خلا احتمالی پیش آمده و



انتخاب رئیس جمهور جدید پیش بینی نموده است.

اصل ۱۳۱

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور یا موافقت رهبری اختیارات و مسئولیتهای وی را بر عهده میگیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب میکند.

بنا به تصریح اصول (۱۱۴) و (۱۳۱) قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در دو حالت قابل پیش بینی است. حالت اول؛ برگزاری انتخابات در شرایط و حالت عادی و در پایان دوره چهار ساله ریاست جمهوری (حالت عادی مقرر در اصل ۱۱۴ قانون اساسی) است. حالت دوم؛ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در شرایط و حالات استثنایی مقرر در (در اصل ۱۳۱) قانون اساسی و در مواردی است که دوره ریاست جمهوری قبل از پایان چهار سال و در نتیجه فوت، عزل، استعفاء یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور پایان میپذیرد یا در پایان دوره چهار ساله ریاست جمهوری، به هر دلیل رئیس جمهور جدید هنوز انتخاب نشده است؛ لذا در حالت دوم، بنا به تصریح اصل (۱۳۱) قانون اساسی؛ «... شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز، رئیس جمهور جدید انتخاب شود.» بر اساس قانون اساسی هدف از تشکیل این شورا بدین خاطر است که انتخابات رئیس جمهوری را در این حالت ضروری و استثنایی ترتیب دهد تا رئیس جمهور ظرف حداکثر پنجاه روز، انتخاب شود.

موضوعی که در زمان شهادت آیت الله رئیسی پیش آمده مسئله اتمام دوره مجلس شورای اسلامی است. در خصوص موقعیت رئیس فعلی مجلس یازدهم و پایان دوره چهارساله مجلس یازدهم:

اصل ۶۵ قانون اساسی مقرر می کند: پس از برگزاری انتخابات جلسات مجلس با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد... مقدمات افتتاح مجلس به اطلاع وزیر کشور می رساند، سپس وزیر کشور از منتخبین دعوت می کند تا ظرف ۵ روز در مجلس حاضر شوند و سپس با نطق وزیر کشور راجع به گزارش انتخابات مجلس رسمیت می یابد.

مادامی که این تشریفات انجام نشده باشد، مجلس جدید شکل نگرفته است و هیئت رئیسه مجلس پیشین کما فی السابق

دارای صلاحیت و جایگاه رسمی دارد. بر اساس آیین نامه داخلی مجلس، و برابر ماده ۱۲ آئین نامه داخلی هیأت رئیسه سنی در اولین جلسه پس از افتتاح مجلس اقدام به برگزاری انتخابات هیأت رئیسه می نماید. اعضای هیأت رئیسه برای مدت یک سال انتخاب می شوند. انتخابات بعدی در سالروز انتخابات هیأت رئیسه می باشد و در صورتی که با تعطیلات مصادف گردد در جلسه قبل از آن انجام می شود.

مسئولیت هیأت رئیسه جدید از سالروز انتخابات قبل آغاز می شود؛ لذا با استناد به مقررات یادشده و نظر به اینکه در زمان تشکیل شورای مورد اشاره در اصل ۱۳۱ رئیس قوه مقننه دارای مسئولیت در این رکن از ارکان حاکمیت است، عضویت وی در این شورا منطبق بر قانون بوده و هیچ اشکالی بر آن وارد نیست. علاوه بر این استدلال که تارسمیت یافتن مجلس دوازدهم هیئت رئیسه فعلی مجلس دارای صلاحیت شناخته می شوند، این نکته قابل توجه است که عطف به عبارت مندرج در اصل ۱۳۱ شورای مورد اشاره می بایست ترتیب انتخاب رئیس جمهور جدید را بدهد؛ لذا بنا به همان بحث کفالت نهاد ریاست جمهوری و آنچه از عبارت «ترتیبی دهد که حداکثر ظرف ۵۰ روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود» استنتاج می شود، این نتیجه بدست می آید که تنها تکلیف و صلاحیت تعریف شده برای این شورا اتخاذ تصمیم برای برگزاری انتخابات است و ادامه ی تشریفات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به سیاق شرایط عادی و بنابر قانون حاکم بر انتخابات ریاست جمهوری در حدود وظایف و اختیارات تعریف شده برای وزارت کشور و با نظارت شورای نگهبان بوده، این شورا در این مرحله فارغ از صلاحیت و مسئولیت تلقی می شود.

جایگاه معاون اول به عنوان کفیل رئیس جمهور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

کفالت اداری، ترتیبی است که به موجب آن در غیاب متصدی شغلی شخصی دیگر به طور موقت انجام امور اداری مربوط به آن مقام را بر عهده می گیرد. بدون تصدی ماندن شغل و مقام اداری ممکن است ناشی از فوت و بیماری و یا مسافرت مسئول آن و یا به علت عدم تعیین متصدی و مسئول باشد که در اینجا با توجه به موضوع بحث صرفاً به فوت رئیس جمهور پرداخته خواهد شد. در غیاب هر مقامی، خود به خود معاون او کفیل آن مقام خواهد بود.

هرچند برخلاف این اصل، صاحب مقام می تواند فرد دیگری را به معاون خود به عنوان کفیل خود انتخاب و معرفی نماید. حسب القاعده کفیل همه اختیارات صاحب مقامی را دارا می باشد که کفالت او را بر عهده گرفته مگر اینکه چیزی استثناء شده باشد. به همین جهت، کفیل مسئول تمام اعمالی است که در مدت کفالت او صورت گیرد. مضافاً اینکه وی فقط اعمالی را می تواند انجام دهد که متصدی قبلی بر حسب وظایف خود

انجام می‌داده و الا انجام اعمالی که طور به متعارف جزء وظایف مقام نبوده یا مربوط به کارهای زمان کفالت نیست قانونی نخواهد بود. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵)

همانطور که در اصل فوق الذکر نیز مشاهده شد در نظام حقوقی ایران نیز یکی از موارد پیش‌بینی شده در خصوص کفالت مقامات رده بالای تشکیلات سیاسی، کفالت رئیس جمهور است. رئیس جمهور، اصولاً خود مسئول انجام امور ریاست جمهوری است؛ اما این امر وقتی امکان‌پذیر است که وی همیشه به طور فعال در صحنه باشد. همانطور که در تاریخچه تجربی فقدان رئیس جمهور بررسی شد تجربه

نشان داده است که رئیس جمهور، به طور موقت یا دائم و به طور اتفاقی و یا پیش‌بینی شده، ممکن است از صحنه خارج شود. لذا قانون اساسی ذیل اصل ۱۳۱، مقررات و شرایطی را تحت عنوان کفالت رئیس جمهور پیش‌بینی نموده که چون بر مبنای آن شرایط، کشور از رئیس جمهور محروم میشود و از طرف دیگر، تا انتخاب رئیس جمهور جدید وظایف وی تعطیل بردار نیست؛ لذا ضرورت یک جانشین موقت برای تکفل این وظایف اجتناب‌ناپذیر است. (هاشمی، ۱۳۸۶) براساس آنچه در اصل ۱۳۱ آمده، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور را عهده‌دار می‌شود، اما سؤالاتی ممکن است مطرح شود این است که مستند لزوم اخذ موافقت رهبری چیست؟ در نبود یا عدم امکان کفالت از جانب معاون اول وضعیت چگونه خواهد بود؟ وظایف و اختیارات معاون اول رئیس جمهور در مدت کفالت تا چه حدود است؟ آیا استثنایی بر اختیارات وی وجود دارد؟

مستند لزوم اخذ موافقت رهبری

بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در مقام تبیین وظایف و اختیارات رهبری مقرر می‌کند: «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم...»؛ بر اساس این اصل چنین می‌توان استدلال کرد که، چون پس از انتخاب رئیس جمهور، رهبری با امضاء خویش به مسئولیت وی رسمیت می‌بخشد؛ لذا برای رسمیت بخشیدن به موقعیت جدید معاون اول رئیس جمهور در مقام کفیل نهاد ریاست جمهوری تایید رهبر لازم است بنابراین چنانچه موجبات کفالت رئیس جمهور به وقوع بپیوندد؛ اما معاون اول موافقت رهبری را برای کفالت رئیس جمهور کسب ننماید، عملاً قانون اساسی نقض شده و امور و وظایفی که معاون اول در این راستا به انجام رسانده است، غیرقانونی است لذا موافقت رهبری جزء لاینفک و مهمترین مسأله کفالت رئیس جمهور به نظر می‌رسد؛ از دقت در اصل ۱۳۱ نیز همین معنا به ذهن متبادر می‌گردد.

بررسی وضعیت حقوقی عدم امکان ریاست قوه مجریه از جانب معاون اول

نکته حقوقی دیگر در خصوص اصل ۱۳۱ این است که این اصل، حالتی را که معاون اول قادر به ریاست قوه مجریه نیست را نیز پیش‌بینی نموده است. در مواردی که معاون اول رئیس جمهور (که عهده دار مسند قوه مجریه گشته است) فوت نماید و یا به هر دلیلی قادر به انجام وظایف نباشد و معاون اولی نیز نداشته باشد؛ رهبر؛ شخصی را به سمت وی منصوب می‌نماید. البته این امر، زمانی امکان‌پذیر است که شرایط فوق، یعنی، فوت معاون اول یا عدم امکان انجام وظایف وجود داشته و خود معاون اول نیز، معاون اولی نداشته باشد.

قلمرو اختیارات و وظایف معاون اول در زمان کفالت رئیس جمهور

به قرینه اصل ۱۳۱ چنانچه موارد لزوم کفالت رئیس جمهور پیش‌آید و معاون اول با موافقت رهبری به جای وی قرار بگیرد؛ در این صورت کلیه اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور به وی منتقل می‌گردد زیرا اصل یاد شده اولاً هیچ وظیفه خاصی را از این امر مستثنی نکرده و حتی فهرستی از اختیارات و وظایفی که می‌تواند خاص معاون اول باشد، در این برهه زمانی ارائه نداده است و ثانیاً گرچه به صراحت از کلمه «همه» وظایف و مسئولیت‌های رئیس جمهور نامی نبرده اما با ذکر کلمه عام «اختیارات و مسئولیت‌های وی (رئیس جمهور) به نوعی بر این مسأله صحنه گذاشته است. از این رو، اختیارات و وظایف مربوط به رئیس جمهور از جمله توشیح قوانین و عهدنامه‌ها (اصل ۱۲۳ و ۱۲۵)، ریاست هیأت وزیران (اصل ۱۳۴) مسئولیت اقدامات وزیران (اصل ۱۳۴)، اعزام و پذیرش سفیران خارجی (اصل ۱۲۸)، اعطای نشان‌های دولتی (اصل ۱۲۹)، ریاست شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶) و... را معاون اول در دوران کفالت رئیس جمهور به عهده دارد.

محدودیت‌ها و استثنائات قانونی معاون اول در زمان کفالت رئیس جمهور

به استناد اصل ۱۳۲ در مدتی که اختیارات رئیس جمهور به عهده معاون اول ... است، محدودیت‌هایی وجود دارد که نمی‌توان در این

بازه بدان مبادرت نمود این محدودیت‌ها عبارت اند از :

اینکه نمی‌توان وزراء را استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی یا امر همه پرسی اقدام نمود که هر کدام توجیه خاص خود را دارند. از این رو در این قسمت محدودیت‌ها و استثنائات قانونی مذکور در زمان کفالت معاون اول بررسی می‌گردد:

عدم استیضاح و ندادن رأی عدم اعتماد به وزرای دولت

در این خصوص باید اظهار نمود که به اعتقاد برخی از صاحب نظران حقوق عمومی چون کشور در وضعیت عادی قرار ندارد و این امکان وجود دارد که بر اثر استیضاح وزرا با رأی عدم اعتماد نمایندگان مجلس از سمت خود عزل گردند، از طرف دیگر در این مدت کوتاه ۵۰ روزه معرفی وزرای جدید (که معلوم نیست رئیس جمهور جدید آینده آنها را مجدداً انتخاب کند) مقرون به صلاح نمی‌باشد، لذا امور و مصالح کشور به دلیل فقدان وزیر ممکن است با تعطیلی و توقف مواجه گردد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶) از همین رو، اصل ۱۳۲ با پیش‌بینی مورد مذکور سعی در حفظ و تداوم امور اجرایی کشور داشته است؛ اما ذکر چند نکته در این راستا حائز اهمیت است:

اولاً وقتی که معاون اول اختیارات و وظایف رئیس جمهور را به عهده می‌گیرد به استناد اصل ۱۳۱ کلیه اختیارات وی به معاون اول منتقل می‌گردد یعنی هنگامی که وزارتخانه ای بدون وزیر می‌شود حق انتخاب سرپرست موقت را به مدت سه ماه دارد (اصل ۱۳۵ قانون اساسی)؛ بنابراین عزل وزیر به دلیل رأی عدم اعتماد نمایندگان مجلس نباید این نگرانی را به وجود آورد که امور اجرایی کشور با تعطیلی مواجه شود. ثانیاً در

صورتی که در دوران کفالت معاون اول وزیری با تخلفات مختلف موجب تشویش اذهان عمومی و خدشه‌دار شدن وجهه نظام سیاسی کشور گردد آیا مجلس نباید همچنان به استناد اصل ۱۳۲ وی را استیضاح یا به وی رأی عدم اعتماد دهد؟ از این رو، به نظر می‌رسد قانونگذار باز هم راه حل قانع کننده ای را با تصویب قوانین عادی در این خصوص مقرر نکرده است تا بدین وسیله با ذکر استثنائاتی ابهام ایجاد شده را برطرف نماید.

عدم اقدام برای تجدیدنظر در قانون اساسی و همه پرسی

به اعتقاد برخی از صاحب نظران و به استناد اصل ۱۳۲ اقدام به همه پرسی و یا تجدیدنظر در قانون اساسی از جمله اموری است که در مدت کوتاه کفالت، انجام آن ضروری نیست. از طرف دیگر، در این مدت جامعه در التهاب تعیین رئیس جمهور جدید به سر می‌برد و اوضاع، حالت عادی لازم را برای امور مذکور نخواهد داشت. (هاشمی، ۱۳۸۶: صفحه ۲۸۳)

بنابراین در مدت کفالت معاون اول نمی‌توان به همه پرسی اقدام کرد و یا در قانون اساسی تجدیدنظر نمود.

بررسی فرایند انتخاب رئیس‌جمهور جدید با توجه به شرایط موجود

به عنوان آخرین موضوع به بررسی وضعیت حقوقی انتخابات ریاست جمهوری با توجه به شرایط فوق العاده موجود خواهیم پرداخت. حالت عادی جهت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، اتمام دوره چهار ساله ریاست جمهوری است که در قانون اساسی (اصل ۱۱۴) و قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴ (ماده ۳) به آن تصریح شده است لکن در ما نحن فیه فقدان رئیس جمهور پیش از اتمام دوره چهار ساله صورت گرفته و مقتضی است انتخابات زودهنگام و خارج از برنامه برگزار گردد. مطابق ماده ۳

قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴: «وزارت کشور موظف است سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری، مقدمات اجرای انتخابات دوره بعد را فراهم و با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند». اکنون با عنایت به اصل ۱۳۱ قانون اساسی اجرای انتخابات در بازه زمانی کوتاه تر از مدت مصرح در این اصل صورت گرفته و عملاً بازه سه ماهه مذکور با آنچه در اصل ۱۳۱ تصریح شده متفاوت است و چاره ای از تبعیت از قانون اساسی باقی نخواهد گذاشت لذا وزارت کشور مقدمات را در بازه پنجاه روزه مندرج در اصل ۱۳۱ مهیا خواهد کرد. ضمناً اجرای اصل ۱۱۹ قانون اساسی نیز که مقرر داشته: «انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد»، در وضعیت کنونی غیر ممکن خواهد بود. اکنون سوالی که باید بدان پرداخته شود این است که فرایند برگزاری این انتخابات زودهنگام و فوق العاده چیست و چگونه و به چه صورت ممکن است همه مراحل و فرایندهای طی مدت محدود یاد شده قابل اجرا باشند؟ مطابق با ماده ۱۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴: «مدت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از تاریخ صدور دستور شروع انتخابات تا روز اخذ رأی جمعی روز خواهد بود».

طبق اعلام ستاد انتخابات کشور، با هماهنگی شورای نگهبان جدول زمان‌بندی انتخابات نهایی شده و در تاریخ دهم خرداد هیئت های اجرایی انتخابات تشکیل شده و در بازه زمانی ۱۰ خرداد تا ۱۴ خرداد ماه، به مدت پنج روز موعد ثبت‌نام از داوطلبان خواهد بود. سپس شورای نگهبان از ۱۵ الی ۲۱ خرداد، صلاحیت‌های ثبت‌نام‌کنندگان را مطابق با قوانین عادی و اساسی مربوطه

و آیین نامه‌های انتخاباتی بررسی نموده و روز ۲۲ خرداد، اسامی کاندیداهای انتخابات دولت چهاردهم توسط وزارت کشور منتشر خواهد شد. کاندیداها از ۲۳ خرداد الی ششم تیرماه فرصت تبلیغاتی خواهند داشت و نهایتاً رأی‌گیری برای انتخاب چهاردهمین رئیس‌جمهور ایران در روز هشتم تیر ۱۴۰۳ انجام خواهد گرفت. مطابق با اصل ۱۱۷ قانون اساسی: «...هر گاه در دوره نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی (اکثریت مطلق آرا) به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود، فلذا در برگزاری انتخابات در وضعیت کنونی این موعد هفت روزه نیز باید مورد عنایت وزارت کشور و شورای نگهبان قرار بگیرد بنابراین در صورت وقوع این اتفاق دور دوم انتخابات در تاریخ پانزدهم تیر برگزار خواهد شد. نهایتاً و در هر صورت دولت چهاردهم کار خود را از تیرماه ۱۴۰۳ آغاز خواهد کرد و این دوره با توجه به اصل ۱۱۴ قانون اساسی تا سال ۱۴۰۷ ادامه می‌یابد. دیگر احکام حاکم بر انتخابات نیز همان قواعد و قوانین انتخابات عادی ریاست‌جمهوری خواهد بود

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۳۱ از عبارت عام «وظایف و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور» استفاده کرده بنابراین می‌توان همانطور که در بخش مربوط به حوزه اختیارات و وظایف معاون اول بررسی شد اینگونه استنباط نمود که معاون اول رئیس‌جمهور در دوران جانشینی همه مسئولیت‌ها و وظایفی را که رئیس‌جمهور در قانون اساسی داراست برای معاون اول رئیس‌جمهور به عنوان جانشین هم صادق است. اما موضوع مهمی که اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا نظارتی که بر رئیس‌جمهور از طریق رهبر، ملت و مجلس شورای اسلامی مترتب است برای جانشین ریاست‌جمهوری نیز وجود دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت با توجه به این که جانشین در دوران جانشینی کلیه وظایف و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را بر عهده می‌گیرد، قاعدتاً باید مسئولیت سیاسی جانشین یا نظارت بر او نیز وجود داشته باشد ولی این خلأ قانونی در قانون اساسی و همچنین قانون عادی ایران وجود دارد که به صراحت، امر نظارت بر جانشین بیان نشده است و هنوز هم خلأ قانونی در مورد برخی احکام حقوقی حاکم بر شرایط خاص مشابه با ما نحن فیه مشاهده می‌شود. مورد دیگری که قابل تأمل است موضوع تفکیک قواست، ممکن است ایراد شود که شورای موقت مذکور در اصل ۱۳۱ اصل تفکیک قوا را تا حدودی نقض نموده و حضور روسای قوای مقننه و قضاییه در این شورا امکان دخالت و اعمال تأثیر دیگر قوا بر قوه مجریه را فراهم می‌آورد، چرا که وظیفه برگزاری انتخابات جهت جایگزینی رئیس‌جمهور جدید در حوزه وظایف وزارت کشور و از امور اجرایی به شمار می‌رود فلذا انتظار می‌رفت قانونگذار اساسی این وظیفه را به شورایی برگرفته از رکن اجرایی حاکمیت از جمله وزرا و معاونین محول می‌نمود. نتیجتاً با عنایت به موارد پیش گفته و وجود این خلأها در احکام خاص موضوع کفالت ریاست‌جمهوری و انتخاب رئیس‌جمهور جدید انتظار می‌رود قانونگذار در مورد این موارد چاره‌ای اندیشد.



تحلیل روز تاثیر شهادت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بر روابط بین الملل

موضوع: حقوق بین الملل عمومی



محمد ایمانی

کارشناسی رشته حقوق دانشگاه
آزاد اسلامی واحد شیروان

منابع:

۱. <https://www.icsj.org/By-Shahir-Shahidsalestimson-the-implications-of-irans-inclusion-in-2023/stimson.org/> (brics)

۲۰۲۱ وزارت امور خارجه ۲.

The Islamic Republic of Iran becomes 9th member of the Shanghai Cooperation Organisation
<https://en.mfa.ir/portal/newsview/652127/>

۳. the new York times (۲۰۲۴)
<https://www.nytimes.com/world/middleeast/iran/2024/05/24/khamenei-raisi-crowds.html>

۴. News.un.org (۲۰۲۴)
<https://news.un.org/en/story/2024/05/1149976>

۵. <https://www.aljazeera.com/news/2024/05/20/world-reacts-to-the-death-of-irans-president-brahim-raisi>

عملکرد دکتر شهید حسین امیرعبداللهیان

با توجه به حضور این شهید بزرگوار در عرصه های مختلف از چشم انداز های اهداف ایران، بررسی تمامی عملکرد ایشان در مقام نوشته ای کوتاه قرار نخواهد گرفت. در دوازدهم مرداد ۱۴۰۰ حکم ریاست جمهوری سیدابراهیم رئیسی از سوی رهبر معظم انقلاب تنفیذ شد و رئیس جمهوری جدید به صورت رسمی فعالیت خود را در پاستور آغاز کرد و از همان ابتدا با انتخاب شهید امیرعبداللهیان گام مهم و قطعی در عرصه سیاست های خارجی ایجاد کرد دولت مردمی در سال نخست فعالیت خود ۳۱ سفر

۱. The BRICS bloc, consisting of Brazil, Russia, India, China, and South Africa, has extended invitations to six developing countries – Saudi Arabia, Iran, Ethiopia, Egypt, Argentina, and the United Arab Emirates – to join its ranks. The new bloc percent of global GDP when measured at ۲۷ percent of the world's population and contribute ۴۶ would collectively represent purchasing power parity.

۲. The Islamic Republic of Iran becomes 9th member of the Shanghai Cooperation Organisation.

At the end of the ۲۱st Summit of the Shanghai Cooperation Organisation (SCO), held in the Tajik capital Dushanbe, the leaders of the eight main members of the organisation agreed to change the membership of the Islamic Republic of Iran from an observer member to a full member and signed the relevant documents.

انجام شد. وی در این سفر در مسکو با ولادیمیر پوتین دیدار کرد و طیف وسیعی از همکاری‌های اقتصادی در حوزه انرژی، بانکی، ترانزیت و امنیتی در این سفر مطرح شد.

عمان

کارنامه سفرهای خارجی شهید حسین امیرعبدالللهیان به خوبی نشان می‌دهد که تاکید و اولویت سیاست خارجی او تقویت همکاری با کشورهای همسایه به خصوص آسیای میانه بوده است. رئیسی سه ماه بعد در دوم خرداد ۱۴۰۱ به دیگر کشور حاشیه خلیج فارس یعنی «عمان» رفت. او در این سفر هشتم بن طارق آل سعید، سلطان عمان را دوست صادق و معتبر ایران معرفی کرد و با فعالان اقتصادی درباره رفع مشکلات تجارت بین دو کشور گفت و گو کردند.

ترکمنستان و ازبکستان

ترکمنستان و ازبکستان مقاصد بعدی سفرهای خارجی شهید امیرعبدالللهیان بودند. او ۸ تیر ۱۴۰۱ به ترکمنستان و ۲۴ شهریور همان سال برای دومین بار در کمتر از یکسال از شروع دولت برای شرکت در اجلاس سران شانگهای به ازبکستان سفر کرد که نشان بارزی از اهمیت تقویت همکاری با همسایگان شمالی داشت. در این سفر بود که عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای به طور رسمی اعلام شد. او در این سفر ۱۱ دیدار با روسای کشورهای ازبکستان، قرقیزستان، روسیه، چین، ترکیه، تاجیکستان، قزاقستان و نخست وزیران هند و پاکستان داشت که به امضای اسناد و توافقات همکاری در حوزه‌های مختلف بین این کشورها و ایران منجر شد.

نیویورک

شهید امیرعبدالللهیان دو روز بعد از پایان این سفر منطقه‌ای در ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ برای اولین بار برای

استانی در کنار بازدیدهای میدانی انجام دادند. و با شعار «سیاست خارجی متوازن، فعال، پویا و هوشمند» برنامه خود را در سیاست خارجی دنبال و پیگیری کردند.

ثمره سفر های شهید حسین امیرعبدالللهیان

شهید سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری ۶۳ ساله ایران از روز ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ به مدت ۱۰۱۹ روز رئیس دولت بود و شهید حسین امیرعبدالللهیان، ایشان در آخرین سفر کاری برای افتتاح سد «قیز قلعه‌سی» در مرز ایران و جمهوری آذربایجان با الهام علی اف رئیس جمهوری آذربایجان دیدار کرد و هنگام بازگشت به علت سقوط هلی کوپتر به شهادت رسیدند. در ادامه به شرح تمامی سفر ها و ثمرات این سفر ها شهید بزرگوار خواهیم پرداخت.

تاجیکستان

نخستین سفر شهید امیرعبدالللهیان به تاجیکستان بود که مهم ترین نتیجه این سفر، عضویت در سازمان همکاری شانگهای بود. عضویت ایران در شانگهای پیام های مختلفی را به غرب مخابره کرد که یکی از آن ها این بود ایران نگاه جدی تری را برای برقراری روابط با دولت های همسایه و شرق دارد و سیاست اعمال فشار و در انزوا قرار دادن ایران، یک سیاست شکست خورده است. با پیوستن ایران به پیمان شانگهای پشتهای جمهوری اسلامی چهار ضلعی شد. اول: پشتهای قوی مردمی و اعتقادی. دوم: پشتهای توان و منابع فراوان داخلی. سوم: قدرت دفاعی بومی. چهارم: پشتهای بزرگ سیاسی - اقتصادی و امنیتی در منطقه و عرصه بین المللی.

- الف) تشکیل کمیته چهارجانبه کشورهای همسایه افغانستان و هماهنگی برای تشکیل دولت فراگیر در این کشور با اهتمام ایران
- ب) دستاورد جمهوری اسلامی با جلوگیری از محقق شدن توطئه خروج ناگهانی آمریکا برای ادامه جنگ و خون ریزی و برادر کشی در کشور همسایه افغانستان با یک سیاست اصولی
- پ) تقویت روابط دوجانبه با تاجیکستان با امضای ۸ توافقنامه اقتصادی و سیاسی و حل مشکلات سیاسی دوجانبه
- ت) ارتقای توانمندیهای اقتصادی، سیاسی و به ویژه نظامی، امنیتی جمهوری اسلامی ایران

ترکمنستان

سفر دوم وزیر امور خارجه به ترکمنستان بود باز هم تقویت کنشگری ایران در یک اجلاس منطقه‌ای را به دنبال داشت و این بار تقویت روابط با اعضای سازمان «اگو»^۲ هدف گذاری شد.

روسیه

اولین سفر شهید امیرعبدالللهیان به روسیه در روزهای ۲۹ و ۳۰ دی ۱۴۰۰

^۲ The Economic Cooperation Organization or ECO is a Eurasian political and economic intergovernmental organization that was founded in ۱۹۸۵ in Tehran by the leaders of Iran, Pakistan, and Turkey. It provides a platform to discuss ways to improve development and promote trade and investment opportunities. (https://en.wikipedia.org/wiki/Economic_Cooperation_Organization)

شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک رفت، سفری که به دیدار با روسای جمهوری فرانسه، سوئیس، فنلاند، صربستان، بولیوی، زیمبابوه و نخست وزیران ژاپن، پاکستان، لبنان، عراق و ارمنستان منجر شد. شهید سید ابراهیم رییسی در سخنرانی خود در هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل در اعتراض به ترور «شهید قاسم سلیمانی» عکس او را در صحن سازمان ملل بالا برد و بر شکست تحریم‌های غرب علیه ایران تأکید کرد.

قزاقستان

سفر بعدی شهید حسین امیرعبداللهیان، ۲۲ روز بعد از نیویورک به قزاقستان همسایه شمالی ایران بود. او در این سفر با امیر قطر و رئیس جمهوری آذربایجان دیدار کرد و به الهام علی اف گفت که آماده‌ایم برای حل اختلافات بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان از ظرفیت ایران استفاده کنیم.

چین

آخرین سفر خارجی شهید امیرعبداللهیان در سال ۱۴۰۱ به کشور چین بزرگترین شریک تجاری بود. او ۲۴ بهمن در سفری سه روزه به پکن رفت. در این سفر ۲۰ سند همکاری و یادداشت تفاهم در حوزه‌های مختلف مدیریت بحران، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رسانه، تجارت، مالکیت معنوی، میراث فرهنگی و مدیریت بحران بین دو کشور امضا شد.

سوریه

این اولین سفر شهید حسین امیرعبداللهیان پس از بحران جنگ سوریه بود. در این سفر ۱۴ سند همکاری در حوزه‌های مختلف نفت و انرژی، تجارت و تسهیل امور زیارتی بین دو کشور امضا شد.

اندونزی

مقصد بعدی سفر خارجی شهید امیرعبداللهیان به شرق آسیا بود. او اول خرداد ۱۴۰۲ به جاکارتا پایتخت اندونزی رفت. در این سفر نیز ۱۱ سند همکاری در زمینه‌های مختلف تجاری، علم و فناوری، مبادلات فرهنگی، تولید دارو، نفت و گاز به امضا رسید.

آمریکای لاتین؛ ونزوئلا، نیکاراگوئه و کوبا

شهید شهید امیرعبداللهیان خرداد ۱۴۰۲ به آمریکای لاتین رفت و از ۲۲ تا ۲۶ این ماه به سه کشور ونزوئلا، نیکاراگوئه و کوبا رفت. سرمایه‌گذاری شرکت‌های دانش بنیان ایران در ونزوئلا و کوبا و همکاری در زمینه دلارزدایی و کاهش هژمونی و نفوذ آمریکا و کاهش اثر تحریم‌ها از جمله موارد بحث و گفت‌وگو با سران این کشورها بود.

آفریقا؛ کنیا، اوگاندا، زیمبابوه، آفریقای جنوبی

شهید امیرعبداللهیان کمتر از سه ماه بعد در روزهای ۲۱ و ۲۲ تیر ۱۴۰۲ به آفریقا رفت و در این سفر دو روزه برای توسعه تجارت و مبادلات اقتصادی به سه کشور کنیا، اوگاندا و زیمبابوه سفر کرد. او ۱۰ روز پس از این سفر نیز باز هم به آفریقا و این بار برای شرکت در پانزدهمین اجلاس سران «بریکس» به دعوت رسمی «سیریل رامافوزا» رئیس جمهور آفریقای جنوبی به ژوهانسبورگ رفت. در این اجلاس با عضویت رسمی ایران در بریکس (قدرت‌های اقتصادی نوظهور) موافقت شد.

نیویورک

او ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ برای دومین بار برای شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل به نیویورک رفت. شهید امیرعبداللهیان در این سفر چهار روزه در سخنرانی خود در صحن مجمع عمومی سازمان گفت: «پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است و مکتبی که می‌خواست الگوی جهان باشد به درس عبرت تبدیل و به پایان راه خود نزدیک شده است.

تاجیکستان و ازبکستان

شهید امیرعبداللهیان ۱۷ و ۱۸ آبان ۱۴۰۲ برای دومین بار به تاجیکستان و ازبکستان رفت و در شانزدهمین اجلاس

اردیبهشت راهی اسلام آباد شد و پس از آن از شهرهای لاهور و کراچی نیز دیدن کرد. در این سفر ۸ سند همکاری با چشم انداز تجارت ۱۰ میلیارد دلاری بین دو کشور امضا و بر تامین امنیت مرزهای دو کشور تاکید شد.

سريلانكا

شهید حسين اميرعبداللهيان ۵ اردیبهشت در آخرین سفر خارجی خود با اهداف توسعه اقتصادی با کشورهای شرق آسیا از پاکستان به سريلانكا رفت. او در سفری یک روزه در مراسم افتتاح ابرپروژه چند منظوره سد و نیروگاه «اوماوایا» در این کشور شرکت کرد و به همراه «رانیل ویکرمسینگه» رئیس جمهوری سريلانكا، یکی از پروژه‌های بزرگ صادرات خدمات فنی-مهندسی ایران را افتتاح کرد.

مرز ایران و جمهوری آذربایجان

شهید حسين اميرعبداللهيان در آخرین سفر کاری خود به مرز ایران و جمهوری آذربایجان رفت و در نقطه صفر مرزی در حاشیه رود ارس با الهام علی اف رئیس جمهوری این کشور دیدار کرد.

مهمتری نیز می‌تواند برداشته شود. رئیسی افزود: جنگ اسرائیل و حماس چالشی برای کل بشریت است و بمباران غزه باید هرچه سریعتر متوقف شود. پوتین نیز اعلام کرد که حجم مبادلات اقتصادی دو کشور به ۵ میلیارد دلار رسیده است.

ترکیه

سفر بعدی شهید اميرعبداللهيان آنکارا پایتخت ترکیه بود. شهید حسين اميرعبداللهيان ۳ دی ۱۴۰۲ به ترکیه رفت. در این سفر ۱۰ سند همکاری بین تهران و آنکارا امضا شد.

الجزایر

آخرین سفر خارجی شهید اميرعبداللهيان در سال ۱۴۰۲ الجزیره پایتخت الجزایر بود. او در این سفر در نشست مجمع کشورهای صادر کننده گاز شرکت کرد و با سران کشورهای قطر، تونس، موزامبیک، عراق و بولیوی دیدار داشت.

پاکستان

اولین سفر خارجی شهید اميرعبداللهيان در سال ۱۴۰۳ پاکستان بود. او سوم تا پنجم

سازمان همکاری اقتصادی اکو در تاشکند پایتخت ازبکستان شرکت کرد. او در این اجلاس گفت: ایران مصمم است منابع و انرژی بیشتری را برای رونق همکاری در اکو بسیج کند.

عربستان

سفر تاریخی شهید اميرعبداللهيان به عربستان که پس از ۷ سال با میانجی‌گری چین زمینه آن فراهم شده بود، یکی از مهمترین سفرهای خارجی رئیس جمهوری فقید ایران در سال ۱۴۰۲ بود. او ۲۰ آبان برای شرکت در نشست اضطراری سازمان همکاری اسلامی درباره جنگ غزه به ریاض رفت و در این سفر با محمد بن سلمان ولیعهد عربستان دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار توسعه روابط دو جانبه بین ایران و عربستان مورد تاکید دو طرف قرار گرفت.

روسیه

۱۶ آذر سال ۱۴۰۲ شهید اميرعبداللهيان برای دومین بار راهی مسکو پایتخت روسیه شد. او در دیدار با ولادیمیر پوتین گفت: ایران و روسیه همکاری خوبی در حوزه انرژی، کشاورزی و فعالیت‌های علمی دارند و گام‌های

SHANXAY HAMKORLIK TASHKILOTIGA A'ZO DAVLATLAR
RAHBARLARI KENGASHI YIG'ILISHI
2022-yil 15-16 sentabr, Samarqand

ЗАСЕДАНИЕ СОВЕТА ГЛАВ ГОСУДАРСТВ-ЧЛЕНОВ
ШАНХАЙСКОЙ ОРГАНИЗАЦИИ СОТРУДНИЧЕСТВА
15-16 сентября 2022 года, Самарканд



上海合作组织成员国元首理事会会议
(2022年9月15-16日, 撒马尔罕)

MEETING OF THE COUNCIL OF HEADS
OF THE SHANGHAI COOPERATION ORGANIZATION MEMBER STATES
15-16 September 2022, Samarkand





۲. جایگاه شهید امیرعبداللهیان در دنیا

مردم کشورهای مختلف دنیا به سوگ آیت الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور شهید ایران و سایر شهدای خدمت شهید حسین امیرعبداللهیان، شهید حجت الاسلام سید محمدعلی آل هاشم، شهید مالک رحمتی و همراهان آنان نشستند و به عزاداری پرداختند. و روزنامه نیویورک^۴ تایمز به جمعیت کثیر و تاکید رهبر معظم انقلاب در خصوص جمعیت حاضر تاکید داشتند. و با تصاویر مختلف این تجمع را در تهران، قم و مشهد پوشش دادند. the (new York times 2024)

واکنش ها به شهادت وزیر امور خارجه ایران

شورای امنیت سازمان ملل متحد و سران کشورهای جهان، به انحاء گوناگون، نسبت به شهادت وزیر امور خارجه ایران، واکنش نشان دادند (aljazeera.com/news/2024)

تسلیت شورای امنیت سازمان ملل متحد

سخنگوی آقای گوترش (António Guterres) (در بیانیه ای که روز دوشنبه در نیویورک منتشر شد، گفت: دبیرکل صمیمانه تسلیت خود را به خانواده های درگذشتگان و دولت و مردم جمهوری اسلامی ایران ابراز می کند. اعضای شورای امنیت همزمان با تشکیل جلسه روز دوشنبه به دبیرکل پیوستند و ابراز همدردی کردند. سفیران به رهبری پدرو کومیساریو آفونسو، نماینده دائم موزامبیک و رئیس شورا در ماه مه، در آغاز ۹۶۲۹ امین جلسه این نهاد یک لحظه سکوت کردند.^۵

چین

به گفته وزارت امور خارجه چین، رئیس جمهور شی جین پینگ مرگ غم انگیز رئیسی را ضایعه بزرگی برای مردم ایران خواند و مردم چین دوست خوب خود را از دست دادند.^۶

مصر

در بیانیه ای از سوی عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر آمده است: «رئیس جمهوری عربی مصر دعا می کند که رئیس جمهور فقید ایران و درگذشتگان در رحمت خداوند متعال قرار گیرد و به خانواده های آنان صبر و آرامش عطا کند و با ابراز همبستگی با رهبری و مردم ایران در این حادثه وحشتناک را داریم.^۷

شورای اروپا

رئیس شورای اروپا، چارلز میشل، «تسلیت صمیمانه» اتحادیه را برای درگذشت رئیسی، امیراللهیان و دیگر مقامات ایرانی که در سانحه سقوط کردند، ابراز کرد. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه نیز تسلیت گفت.^۸

حماس

گروه فلسطینی حماس، "این ضایعه عظیم" را به آیت الله خامنه ای، دولت و ملت ایران تسلیت و همبستگی عمیق اعلام کرد.^۹

۷. A statement from Egyptian President Abdel Fattah El-Sisi said that "The president of the Arab Republic of Egypt ... prays that the deceased Iranian President and the departed may rest in God Almighty's mercy, and grant their families patience and solace, expressing the solidarity of the Arab Republic of Egypt with the Iranian leadership and people in this terrible incident.

۸. President of the European Council, Charles Michel, expressed the bloc's "sincere condolences" for the death of Raisi, Amirabollahian and the other Iranian officials who died in the crash. Josep Borrell, the bloc's foreign policy chief, also offered his condolences.

۹. The Palestinian group conveyed its "deepest condolences and solidarity to Khamenei, the government and the Iranian people for "this immense loss

۴. Crowds for Raisi Show Support for Iranian State, Supreme Leader Says Ayatollah Ali Khamenei pointed to the turnout at memorials for Iran's president at a time when external critics say popular backing for the Islamic Republic has weakened

۵. he Secretary-General expresses his sincere condolences to the families of the deceased and to the Government and people of the Islamic Republic of Iran," Mr. Guterres' Spokesperson said in a statement released in New York on Monday. The members of the Security Council joined the Secretary-General in expressing condolences as they convened on Monday. Led by Pedro Comissário Afonso, Permanent Representative of Mozambique and Council President for May, the ambassadors observed a moment of silence at the start of the body's ۹۶۲۹th meeting.

۶. President Xi Jinping called the "tragic death" of Raisi "a great loss to the Iranian people and the Chinese people have lost a good friend", according to China's Ministry of Foreign Affairs.

حزب الله لبنان

لبنان با قدردانی از مجاهدت های شهدا در دفاع از آرمان های ملت و خدمت به ایران، از خداوند خواستند که آنان را مورد رحمت خود قرار دهد، از آیت الله خامنه ای محافظت کند و به ایران این توانایی را عطا کند که با صبر و شکیبایی بر مصیبت ها فائق آید.^{۱۰}

ژاپن

یوشیماسا هایاشی، سخنگوی دولت ژاپن گفت: این کشور عمیق ترین تسلیت خود را به دولت و ملت ایران به خاطر درگذشت رئیسی رئیس جمهور و وزیر امور خارجه ابراز می کند.^{۱۱}

در این میان دولت ها و کشور های دیگری مانند کشور های حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه و برخی کشور های اروپایی این حادثه به به ملت ایران تسلیت گفتند.

۳. آینده روابط بین المللی ایران در حوادث اخیر خاورمیانه

با توجه به پیگیری های منظم و تحکیم بخش شهید امیر عبداللهمیان از سیاست های برون مرزی ایران و همین طور حمایت قاطع از جنگ فلسطین با دولت اشغالگر جمهوری اسلامی ایران به اهداف خود در خصوص نابودی دولت غاصب اسرائیل رسیده است به گونه ای که امروزه تمام دنیا این دولت را به عنوان دولت متجاوز میشناسد و شهید امیر عبداللهمیان به عنوان وزیر امور خارجه مقاوت در دنیا شهرت یافته است و دادستان ارشد دیوان کیفری بین المللی درخواست حکم بازداشت بنیامین نتانیاها، نخست وزیر رژیم صهیونیستی را به دلیل جنایات جنگی و حملات سیستماتیک این رژیم علیه فلسطینیان در غزه در روز دوشنبه ارائه کرد.^{۱۲}

۴. آینده روابط بین المللی ایران در ابعاد اقتصادی

یکی از فعالیت های بزرگ شهیدای گرانقدر دولت مردمی عضویت در بلوک بریکس بود در واقع بلوک بریکس متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی از شش کشور در حال توسعه عربستان سعودی، ایران، اتیوپی، مصر، آرژانتین و امارات متحده عربی دعوت کرده است تا به صفوف خود بپیوندند. بلوک جدید در مجموع ۴۶ درصد از جمعیت جهان را نمایندگی خواهد کرد و ۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را با برابری قدرت خرید اندازه گیری خواهد کرد.^{۱۳}

با عضویت ایران در این گروه بخش بزرگی از مشکلات صادراتی کشور به واسطه بازار بزرگ کشور های عضو حل می شود و صادرات کالاهای ایرانی افزایش خواهد یافت و تحریم های امریکا خنثی می شود. همچنین در زمینه واردات نیز گشایش هایی نیز به طبع حاصل خواهد شد و میتوانیم قطعات، تجهیزات و دیگر ملزومات مورد نیاز کشور را که در این سال ها مورد نیاز کشورمان بوده و به واسطه تحریم های ناجوانمردانه مشکلاتی در زمینه وارد کردن آن ها بوده است را برطرف کنیم. از دیگر مزایای عضویت ایران در بریکس بحث سرمایه گذاری و جذب سرمایه گذاری خارجی است که در سال های اخیر به واسطه ریسک های اقتصادی و سیاسی کشور و تحریم های اعمال شده از سمت امریکا به پایین ترین حد خود رسیده است. پیشبینی میشود با عضویت ایران در گروه بریکس، کشور های عضو این گروه سرمایه گذاری های بیشتری را در ایران انجام دهند. از

^{۱۰}. Lebanon's Iran back group praised the struggle of the martyrs in defending the causes of the nation and their service to Iran, calling on God to bless them with his mercy, to protect Khamenei, and to grant Iran the ability to overcome the ordeal with patience and determination.

^{۱۱}. Japan's government spokesperson Yoshimasa Hayashi said the country expresses its deepest condolences to the government and people of Iran over the death of President Raisi and the foreign minister.

^{۱۲}. The chief prosecutor at the International Criminal Court (ICC) has applied for an arrest warrant against Israeli prime minister Benjamin Netanyahu over the regime's war crimes and systematic attacks against Palestinians in Gaza on Monday.

^{۱۳}. The BRICS bloc, consisting of Brazil, Russia, India, China, and South Africa, has extended invitations to six developing countries – Saudi Arabia, Iran, Ethiopia, Egypt, Argentina, and the United Arab Emirates – to join its ranks. The new bloc would collectively represent ۴۶ percent of the world's population and contribute ۲۷ percent of global GDP when measured at purchasing power parity.

دچار التهاباتی کرده است اما راه و اصل ادامه دارد و با ایمان به امر ولی فقیه مسلمین در دیدار جمعی از خانواده‌های سپاهیان پاسدار که به مناسبت شب میلاد امام رضا(ع) برگزار شد ایشان فرمودند:

ملت ایران نگران و دلواپس نباشند، هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی‌آید. و این نویدی است بر ادامه مسیر شهادی خدمت جمهوری اسلامی ایران.



دیگر فرصت های پیش روی ما ظرفیت استفاده از کریدور شمال - جنوب است. ایران میتواند با تکمیل این کریدور به عنوان پل ارتباطی ۲ کشور عضو گروه بریکس یعنی روسیه و هند قرار گیرد. پیش‌بینی می‌شود با عملیاتی‌شدن این کریدور، ایران سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد از این مسیر ترانزیتی کسب کند. ظرفیت ترانزیت کریدور شمال - جنوب، ۳۰ میلیون تن در سال است اما در حال حاضر ایران از دو میلیون تن این ظرفیت بهره می‌برد. این کریدور ظرفیت ترانزیت حدود ۲۵۰ میلیارد دلار محصولات هندی و چینی و آسیای شرقی به مقصد اروپا در سال را دارد. اثر پیوستن ایران بر بازار سرمایه نیز در بلندمدت مثبت میباشد زیرا صادرات به کشورهای عضو این گروه افزایش خواهد یافت، تامین مالی شرکت های ایرانی، نوسازی تجهیزات فعلی و واردات قطعات جانبی و یدکی نیز در دستور کار قرار می گیرد. پیش بینی می شودف با توجه به قدیمی بودن تجهیزات گروه های پالایش و پتروشیمی و مستهلک شدن دارایی های آن ها، سرمایه گذاری خوبی در این صنعت صورت گیرد و با افزایش صادرات نفت و مشتقات آن به کشورهای عضو گروه بیشترین تاثیر مثبت را با عضویت ایران در بریکس بگیرند و سهام شرکت های این گروه ها رشد قیمتی خوبی را تجربه کنند.

نتیجه گیری

دولت سیزدهم با وجود چالش های فراوان سفر های بین المللی خود را دقیقا ۳۰ رو بعد از مراسم تنفیذ آغاز نمود و این نویدی بود بر آن اصلی که شهید سید ابراهیم ریسی فرمودند: (برای مردم آمده ام) امروزه دستاورد های دولت سیزدهم با وجود مدت اندکی که در کشور خدمت کردند بر کسی پوشیده نیست در واقع تنها عضویت ایران در یک پیوند بریکس میتواند دستیابی به منابع مالی در هر دو نهاد بانک توسعه جدید و مکانیزم ذخیره احتیاطی این گروه است. هر چند تحریم های مالی ایالات متحده دسترسی به منابع این دو نهاد را برای ایران دشوار می‌سازد، اما بریکس در فرآیند دلارزدایی انواع روش ها را برای ارائه وام و خدمات به اعضا اتخاذ کرده است که این روش ها می توانند به کاهش تاثیر تحریم ها در همکاری ایران با نهادهای مالی این مجموعه کمک کنند. در آخر باید بیان کرد:

گرگ ها خوب بدانند، در این ایل غریب

گر پدر مرد تفنگ پدری هست هنوز

یقینا شهادت سکان داران دولت سیزدهم در کشور و سیاست های بین المللی خط مش و سیاست

بخش مقالات

نقش تنظیم مقرارت تجارت الکترونیک در جلوگیری از فساد و پولشویی با مطالعه موردی کوروش کمپانی

موضوع: جرایم اقتصادی

چکیده

این مقاله، نقش الکترونیکی شدن تجارت در جلوگیری از فساد و پولشویی را بررسی می‌کند. با تحلیل موردی دو شرکت کوروش کمپانی و چابی دبش، مزایای استفاده از سیستم‌های دیجیتال در معاملات تجاری به منظور افزایش شفافیت و کاهش مخاطرات مالی نشان داده می‌شود. همچنین، در این مقاله که با روش تحقیق کتابخانه‌ای از نوع مراجعه به اسناد و روش مروری به تحریر درآمده، و با روش تحلیل توصیفی نگاشته شده، چالش‌ها و موانع پیش روی این تحول دیجیتال در حوزه تجارت نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت، راهکارهای سیاستی برای تسریع و تسهیل این فرآیند و افزایش اثربخشی آن در مبارزه با فساد و پولشویی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

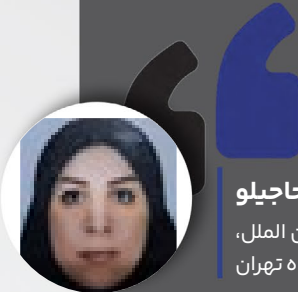
الکترونیکی شدن تجارت، فساد، پولشویی، شفافیت، ردیابی معاملات

مقدمه

در چند دهه اخیر، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی صورت گرفته که منجر به تحول دیجیتال در بسیاری از فرآیندهای کسب‌وکار شده است. این تحول دیجیتال، به ویژه در حوزه تجارت الکترونیک، می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با پدیده‌های مخرب اقتصادی همچون فساد و پولشویی ایفا کند (Smith, 2020).

الکترونیکی شدن تجارت از طریق افزایش شفافیت، ردیابی پذیری معاملات و کاهش تعامل چهره به چهره، زمینه‌های مناسبی را برای جلوگیری از این جرایم مالی فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، استفاده از سیستم‌های یکپارچه ERP (Enterprise Resource Planning)، بلاک‌چین و پرداخت‌های الکترونیکی می‌تواند با ایجاد ردیابی دیجیتال از معاملات، مسیر پول‌شویان را مسدود کرده و امکان تشخیص و ردیابی موارد مشکوک را افزایش دهد (Fakhr, 2021).

همچنین، تبادل اطلاعات در بستر دیجیتال و ثبت همه مبادلات در دفاتر الکترونیکی، شفافیت را به‌طور چشمگیری بهبود می‌بخشد. این امر به نوبه خود، امکان نظارت و کنترل بهتر بر معاملات تجاری را فراهم می‌کند و از بروز فساد و



افسانه حاجیلو

دکتر ادا حقوق بین الملل،
دانشگاه تهران

منابع

منابع فارسی:

- ۱- طالبی، م.، حسینی، س.، و صادقی، ر. (۱۴۰۱). استفاده از بلاک‌چین در زنجیره تأمین به منظور افزایش شفافیت و مبارزه با فساد. "مجله مدیریت زنجیره تأمین"، ۲۳(۴)، ۴۲-۴۵.
- ۲- مؤمنی، ف.، جعفری، ن.، و رضوی، س. (۱۴۰۲). کاربرد بلاک‌چین در ردیابی معاملات تجاری. "فصلنامه فناوری اطلاعات و مدیریت"، ۱۸(۲)، ۱۳۳-۱۴۵.
- ۳- نجفی، ب.، کریمی، ج.، و محمودی، د. (۱۴۰۲). تدوین چارچوب قانونی تجارت الکترونیک در ایران. "مجله حقوق اقتصادی"، ۲۹(۱)، ۷۵-۹۹.
- ۴- صادقی، م.، قاسمی، ف.، و هاشمی، ا. (۱۴۰۳). ارائه مشوق‌های مالی و مالیاتی برای تسریع تحول دیجیتال در کسب‌وکارها. "فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی"، ۱۴(۳)، ۶۱-۸۶.
- ۵- محمودی، د.، نجفی، ب.، و کریمی، ج. (۱۴۰۴). ارتقای سواد دیجیتالی در میان فعالان اقتصادی. "مجله مطالعات مدیریت"، ۲۱(۲)، ۱۲۷-۱۵۹.
- ۶- کریمی، ج.، محمودی، د.، و نجفی، ب. (۱۴۰۵). تنظیم‌گری فعالیت‌های تجارت الکترونیک: چالش‌ها و راهکارها. "فصلنامه حقوق فناوری اطلاعات"، ۱۶(۱)، ۴۵-۶۸.
- ۷- قاسمی، ف.، صادقی، م.، و هاشمی، ا. (۱۴۰۶). همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با جرایم مالی در عصر دیجیتال. "مجله روابط بین‌الملل"، ۲۷(۳)، ۹۹-۱۲۳.
- ۸- محمدی، ع.، هاشمی، ا.، و جعفری، ن. (۱۴۰۳). کاربرد هوش مصنوعی در تشخیص تخلفات مالی در تجارت الکترونیک. "مجله علوم رایانه"، ۱۹(۴)، ۲۰۱-۲۳۲.
- ۹- اسماعیلی، ع.، قربانی، م.، و رضایی، ح. (۱۴۰۰). طراحی صندوق تضمین برای خریدهای آنلاین در تجارت الکترونیک ایران. "فصلنامه مطالعات مدیریت فناوری اطلاعات"، ۱۲(۳)، ۱۰۱-۱۳۲.
- ۱۰- جلالی، م.، کریمی، گ.، و امینی، ف. (۱۳۹۸). تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی تجارت الکترونیک در ایران. "مجله حقوق فناوری اطلاعات"، ۱۰(۲)، ۷۵-۹۶.
- ۱۱- حسینی، س. م.، نوری، ع.، و ایمانی، ف. (۱۴۰۰). قانون جامع تجارت الکترونیک: مؤلفه‌ها و ساختار. "فصلنامه علمی مطالعات حقوق فناوری اطلاعات"، ۱۳(۴)، ۵۱-۷۲.
- ۱۲- سلطانی، ف.، نجفی، ا.، و کاظمی، م. (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های حقوقی تجارت الکترونیک در ایران. "مجله مطالعات حقوق تطبیقی"، ۱۶(۲)، ۱۳۳-۱۵۶.
- ۱۳- موسوی، س. ح.، قربانی، ا.، و میرسمسی، ع. (۱۴۰۱). طراحی ساختار و وظایف سازمان ملی تجارت الکترونیک در ایران. "فصلنامه علمی مدیریت کسب و کار"، ۱۳(۲)، ۶۷-۹۲.
- ۱۴- نادری، ب.، زارعی، ج.، و محمدی، م. (۱۴۰۱). مکانیزم حل و فصل اختلافات تجارت الکترونیک در ایران. "مجله حقوق فناوری اطلاعات"، ۱۳(۳)، ۱۱۵-۱۴۴.
- ۱۵- ابراهیمی، ح.، حاجی، س.، و محمودی، ر. (۱۳۹۹). بررسی جرایم کیفری ناشی از تبلیغات گمراه‌کننده در فضای مجازی. "مجله حقوق فناوری اطلاعات"، ۱۱(۲)، ۶۷-۸۸.

پولشویی جلوگیری می‌کند.

با این حال، این تحول دیجیتال در تجارت همچنین با چالش‌ها و موانعی همراه است که باید مورد بررسی قرار گیرند. برای مثال، هک و تهدیدات امنیتی سایبری، عدم آمادگی برخی کسب‌وکارها برای پذیرش فناوری‌های نوین و همچنین مقاومت‌های فرهنگی در برابر تغییرات از جمله این موانع محسوب می‌شوند (Sadeghi, 2022).

تهدیدات امنیتی سایبری از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی الکترونیکی شدن تجارت است. هکرها می‌توانند با نفوذ به سیستم‌های دیجیتال شرکت‌ها، به اطلاعات حساس و بانک‌های اطلاعاتی آنها دسترسی پیدا کرده و از آن برای اهداف پولشویی سوءاستفاده کنند. در چنین شرایطی، تقویت امنیت سایبری و حفاظت از داده‌های تجاری یک ضرورت محسوب می‌شود (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲).

همچنین، برخی کسب‌وکارها به دلیل عدم آمادگی فنی و عدم تمایل به تغییر، با چالش‌های جدی در زمینه پذیرش فناوری‌های نوین مواجه هستند. این موضوع می‌تواند مانعی در برابر تحول دیجیتال و استفاده از پتانسیل‌های آن در مبارزه با فساد و پولشویی باشد (صادقی و همکاران، ۱۴۰۳).

عامل دیگر، مقاومت‌های فرهنگی در میان برخی فعالان اقتصادی در برابر این تغییرات است. آنها ممکن است به دلیل عادت به روش‌های سنتی کسب‌وکار یا نگرانی‌هایی در مورد امنیت و حریم خصوصی، با پذیرش فناوری‌های دیجیتال مخالفت کنند. غلبه بر این مقاومت‌های فرهنگی نیز یک چالش مهم در مسیر الکترونیکی شدن تجارت محسوب می‌شود (محمودی و همکاران، ۱۴۰۴).

این مقاله با بررسی دو مطالعه موردی در صنایع مختلف، نقش الکترونیکی شدن تجارت در کاهش فساد و پولشویی را تحلیل می‌کند. همچنین، راهکارهای سیاستی برای تسریع و تسهیل این تحول دیجیتال و افزایش اثربخشی آن در مبارزه با این پدیده‌های اقتصادی مخرب ارائه خواهد شد.

پیشینه

- ۱- سلطانی، ف.، نجفی، ا. و کاظمی، م. (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های حقوقی تجارت الکترونیک در ایران. *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۶(۲)، ۱۲۳-۱۵۶.
- ۲- نجفی، ب.، کریمی، ج.، و محمودی، ه. (۱۴۰۲). تدوین چارچوب قانونی تجارت الکترونیک در ایران. *مجله حقوق اقتصادی*، ۲۹(۱)، ۷۵-۹۹.
- ۳- کریمی، ج.، محمودی، ه.، و نجفی، ب. (۱۴۰۵). تنظیم‌گری فعالیت‌های تجارت الکترونیک: چالش‌ها و راهکارها. *فصلنامه حقوق فناوری اطلاعات*، ۱۶(۱)، ۴۵-۶۸.

روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله پیش روف روش تحقیق کتابخانه‌ای از نوع مراجعه به اسناد و روش مروری است و روش تحلیل به کار رفته در آن روش تحلیل توصیفی-استنباطی می‌باشد.

الکترونیکی شدن تجارت و پولشویی

امروزه فساد مالی و پولشویی به چالش بزرگی برای نظام‌های اقتصادی و مالی

۱۶- حیدری، ع.، احمدی، ف. و نوروزی، م. (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی سلبی‌ها در قبال تبلیغات شرکت‌های آنلاین. *فصلنامه علمی مطالعات حقوق خصوصی*، ۱۸(۴)، ۱۳۳-۱۴۸.

۱۷- سلطانی، م.، جعفری، ا. و رضایی، ح. (۱۴۰۰). بررسی مسئولیت مدنی شرکت‌های آنلاین و تبلیغ‌کنندگان. *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۷(۱)، ۸۹-۱۱۲.

۱۸- حسینی، س.م.، نوری، ع. و ایمانی، ف. (۱۴۰۰). مسئولیت کیفری شرکت‌های آنلاین در قبال تبلیغات همراه‌کننده. *فصلنامه علمی مطالعات حقوق فناوری اطلاعات*، ۱۳(۴)، ۵۱-۷۲.

۱۹- نادری، ب.، زارعی، ح. و محمدی، م. (۱۴۰۱). بررسی عنصر روانی جرایم اقتصادی در فضای مجازی. *مجله حقوق فناوری اطلاعات*، ۱۳(۳)، ۱۱۵-۱۴۴. منابع لاتین:

Fakhr, A. (2021). The role of e-commerce in combating corruption and money laundering. *International Journal of Electronic Commerce*, 25(3), 413-428. <https://doi.org/10.1080/10861080.2021.1891113>

M., (2023). The Kourosh Company scandal: A case study on the challenges of digitalization in tackling financial crimes. *Journal of Business Ethics*, 171(2), 345-360. <https://doi.org/10.1007/s10551-021-04786-2>

Smith, J. (2020). The impact of digital transformation on reducing corruption and money laundering. *Journal of Financial Crime*, 27(3), 291-305. <https://doi.org/10.1108/JFC-10-2019-0085>

Eom, K., Hwang, J., & Lee, J. H. (2022). The impacts of e-commerce on financial crime and anti-money laundering: Evidence from the cryptocurrency market. *Journal of Business Research*, 144, 84-95.

Gao, X., Zheng, H., & Zhu, Y. (2021). Tracing the footprint of shadow banking: An analysis of global venture capital investment in FinTech. *Emerging Markets Review*, 46, 100736.

Kazan, E., Tan, C. W., Lim, E. T., Sorensen, C., & Damsgaard, J. (2023). Business model innovation with blockchain technology: Sustainable value creation in low-trust settings. *Technological Forecasting and Social Change*, 187, 122410.

Khan, M. N., Nameed, Z., Yu, Y., Islam, T., Sheikh, Z., & Khan, J. U. (2023). Exploring the nexus between financial technology and anti-money laundering: Evidence from emerging Asian economies. *Technological Forecasting and Social Change*, 188, 122135.

Dinev, T., Bellotto, M., Hart, P., Russo, V., Serra, L., & Colautti, C. (2006). Privacy calculus model in e-commerce - a study of Italy, and the United States. *European Journal of Information Systems*, 15(4), 389-402.

Suh, B., & Han, I. (2003). The impact of customer trust and perception of security control on the acceptance of electronic commerce. *International Journal of Electronic Commerce*, 7(3), 135-161.

Udo, G. (2001). Privacy and security concerns as major barriers for e-commerce: a survey study. *Information Management & Computer Security*, 9(4), 165-174.

Xia, M., & Roper, S. (2016). Unpacking the relationship between e-entrepreneurship and customer relationship performance. *International Small Business Journal*, 24(6), 700-737.

بسیاری از کشورها تبدیل شده‌اند. این پدیده‌ها نه تنها به اقتصاد کلان آسیب می‌رسانند، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای مالی و دولتی را نیز سلب می‌کنند. در همین راستا، الکترونیکی شدن تجارت به عنوان یک فرایند نوظهور، نقش مهمی در مبارزه با این معضلات ایفا می‌کند.

الکترونیکی شدن تجارت و افزایش شفافیت

الکترونیکی شدن تجارت به معنای انجام فعالیت‌های تجاری به صورت دیجیتالی و آنلاین است. این فرایند، با ایجاد شفافیت و قابلیت ردیابی بیشتر در تمامی تراکنش‌ها و جریان‌های مالی، زمینه را برای کاهش فساد و پولشویی فراهم می‌کند (Eom et al, ۲۰۲۲). در مقایسه با معاملات سنتی که اغلب با استفاده از پول نقد انجام می‌شد، در محیط الکترونیکی تجارت، تمام جریان‌های مالی به صورت دیجیتالی ثبت و قابل ردیابی هستند (Khan et al, ۲۰۲۳). این امر به مقامات نظارتی این امکان را می‌دهد تا با بررسی و تحلیل این اطلاعات، الگوهای مشکوک را شناسایی و پیگیری کنند.

نقش تکنولوژی‌های مالی نوین

فناوری‌های مالی نوینی مانند بلاک‌چین و رمزارزها، به طور چشمگیری به افزایش شفافیت و کاهش نقش واسطه‌ها در تراکنش‌های مالی کمک کرده‌اند (Kazan et al, ۲۰۲۳). این تکنولوژی‌ها با ایجاد یک دفتر کل غیرمتمرکز و قابل ردیابی، زمینه را برای شناسایی و مقابله با فعالیت‌های پولشویی و فساد مالی فراهم می‌کنند. همچنین، کاهش نقش واسطه‌ها و شفاف‌سازی معاملات، از سوءاستفاده‌های احتمالی برای اهداف غیرقانونی جلوگیری می‌کند.

تحلیل داده‌های انبوه و کشف الگوهای مشکوک

الکترونیکی شدن تجارت، امکان تحلیل و پردازش داده‌های انبوه را فراهم می‌آورد. مقامات نظارتی می‌توانند با استفاده از ابزارهای پیشرفته تحلیل داده‌ها، الگوهای مشکوک در تراکنش‌ها را شناسایی کنند (Gao et al, ۲۰۲۱). این رویکرد به طور موثرتری به مبارزه با فساد و پولشویی کمک می‌کند. در مجموع، الکترونیکی شدن تجارت با ایجاد شفافیت، قابلیت ردیابی و ابزارهای تحلیلی پیشرفته، زمینه را برای کاهش فساد و پولشویی فراهم می‌کند. این موضوع به بهبود سلامت و امنیت نظام مالی و اقتصادی کمک می‌نماید و به تقویت اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و مالی منجر می‌شود. با گسترش هرچه بیشتر الکترونیکی شدن تجارت، انتظار می‌رود که شاهد پیشرفت قابل توجهی در مبارزه با فساد و پولشویی باشیم.

ضرورت استاندارد سازی قوانین و مقررات تجارت الکترونیک در ایران

تجارت الکترونیک را افزایش دهد

برای رفع این چالش، محققان پیشنهادات قانونی متنوعی را ارائه داده‌اند که می‌تواند به استاندارد سازی و شفاف سازی فعالیت‌های تجارت الکترونیک در ایران کمک کند:

۱. تصویب قانون جامع تجارت الکترونیک: این قانون باید ضمن تعریف دقیق مفاهیم و مسئولیت‌های طرف‌های دخیل در تجارت الکترونیک، به موضوعات کلیدی همچون امنیت معاملات، حفظ حریم خصوصی مشتریان، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها بپردازد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰).

۲. تأسیس سازمان ملی تجارت الکترونیک: ایجاد یک نهاد دولتی مستقل که وظیفه وضع استانداردهای فنی و اخلاقی، صدور مجوز و نظارت بر فعالیت شرکت‌های آنلاین را بر عهده داشته باشد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱).

۳. تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی تخصصی: تدوین مقررات مشخص در زمینه‌های مختلف تجارت الکترونیک مانند نحوه پرداخت‌های الکترونیکی، تحویل کالا، تبلیغات آنلاین و ... تا به شفافیت و قابلیت نظارت بر این فعالیت‌ها کمک کند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۸).

۴. ایجاد صندوق تضمین برای خریدهای آنلاین: ایجاد یک صندوق تضمین مستقل که بتواند در صورت بروز تخلف از سوی فروشندگان آنلاین، خسارت‌های وارده به مشتریان را جبران کند (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰).

۵. تعریف سازوکار حل و فصل اختلافات آنلاین: ایجاد مکانیزمی مشخص برای رسیدگی به شکایات مشتریان و حل و فصل اختلافات ناشی از معاملات تجارت الکترونیک (نادری و همکاران، ۱۴۰۱).

در مجموع، اجرایی کردن این پیشنهادات قانونی می‌تواند به ایجاد شفافیت، امنیت و قابلیت نظارت در حوزه تجارت الکترونیک کشور کمک کرده و از سوء استفاده شرکت‌های سودجو مانند کوروش کمپانی جلوگیری نماید.

مسئولیت سلبیتی‌ها در تبلیغات شرکت‌های آنلاین در ایران

با گسترش تجارت الکترونیک در ایران، استفاده از سلبیتی‌ها برای تبلیغات شرکت‌های آنلاین مانند کوروش کمپانی رواج بیشتری یافته است. این در حالی است که گاهی این تبلیغات، حاوی ادعاهای گمراه‌کننده یا اطلاعات نادرست بوده و به ضرر مصرف‌کنندگان تمام می‌شود. در این خصوص، قوانین و مقررات موجود در ایران، مسئولیت‌های حقوقی سلبیتی‌ها را تا حدی روشن ساخته است.

از منظر مسئولیت مدنی، سلبیتی‌هایی که برای شرکت‌های آنلاین تبلیغ می‌کنند، می‌توانند در صورت ارائه اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده، مسئول جبران خسارات وارده به مصرف‌کنندگان باشند (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۰). بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هر شخصی که به تقصیر خود زیان و خسارتی به دیگری وارد کند، باید آن جبران نماید. در این راستا، دادگاه‌ها می‌توانند با احراز

توسعه روزافزون تجارت الکترونیک و افزایش فعالیت شرکت‌های آنلاین در ایران، ضرورت ایجاد چارچوب قانونی و استانداردهای مشخص در این حوزه را بیش از پیش آشکار ساخته است. تاکنون فقدان چنین چارچوب منسجمی، باعث ایجاد فضای مبهم و عدم اطمینان برای فعالیت‌های تجارت الکترونیک شده و به شرکت‌های سودجو مانند کوروش کمپانی اجازه سوء استفاده از این شکاف قانونی را داده است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تجارت الکترونیک، نبود استانداردهای منسجم و یکپارچه برای فعالیت‌های آنلاین است. این مسئله باعث ایجاد شکاف در نظارت و کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌های آنلاین شده و به شرکت‌هایی مانند کوروش کمپانی که در فضای مجازی فعالیت می‌کنند، اجازه سوء استفاده از این شرایط را می‌دهد (Xia & Roper, ۲۰۱۶).

استاندارد سازی رویه‌ها و قوانین تجارت الکترونیک می‌تواند در چندین حوزه مهم نقش بسزایی ایفا کند. اول، ایجاد استانداردهای حفظ حریم خصوصی و امنیت داده‌های مشتریان می‌تواند از سوء استفاده‌های احتمالی شرکت‌های آنلاین جلوگیری کند (Dinev et al, ۲۰۰۶). دوم، وضع قواعد شفاف در زمینه روش‌های پرداخت، تحویل کالا و بازگشت آن در صورت نارضایتی مشتری، می‌تواند از تخلفات احتمالی جلوگیری کند (Udo, ۲۰۰۱). سوم، استانداردهای اخلاقی و رفتاری برای فعالیت‌های بازاریابی آنلاین، می‌تواند مانع از اقدامات گمراه‌کننده و فریبنده شرکت‌ها شود (Suh & Han, ۲۰۰۳).

در مجموع، استاندارد سازی رویه‌ها و قوانین تجارت الکترونیک می‌تواند با ایجاد شفافیت و قابلیت نظارت، از فعالیت‌های مخرب و غیراخلاقی شرکت‌های آنلاین مانند کوروش کمپانی جلوگیری کند و اعتماد عمومی به فضای



این موضوع که تبلیغ سلبریتی منجر به ضرر مالی یا جانی مصرف کنندگان شده است، حکم به پرداخت خسارت از سوی سلبریتی را صادر کنند (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱).

از جنبه مسئولیت کیفری نیز، سلبریتی‌ها در صورت ارتکاب جرایمی مانند کلاهبرداری، نشر اکاذیب یا تبلیغات گمراه کننده، ممکن است تحت پیگرد قرار گیرند. بر اساس ماده ۱ قانون مجازات اسلامی، هر کس عمداً به وسیله هرگونه تبلیغ کذب یا گمراه کننده موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، عنوان مجرمانه داشته و مشمول مجازات خواهد بود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹). به عنوان مثال، اگر سلبریتی در تبلیغات خود ادعاهای دروغینی در خصوص محصولات شرکت‌های آنلاین مطرح کند و به دنبال آن مصرف کنندگان متحمل ضرر شوند، وی می‌تواند به اتهام کلاهبرداری مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

در مجموع، قوانین موجود در ایران مسئولیت‌های حقوقی سلبریتی‌ها در قبال تبلیغات شرکت‌های آنلاین را تا حد زیادی مشخص ساخته است. بر این اساس، سلبریتی‌ها می‌توانند هم به لحاظ مدنی و هم کیفری، مسئول خسارات ناشی از تبلیغات گمراه کننده خود باشند. این امر می‌تواند در جهت حمایت از حقوق مصرف کنندگان و جلوگیری از سوء استفاده شرکت‌های آنلاین مانند کوروش کمپانی موثر باشد.

مطالعه موردی: کوروش کمپانی

کوروش کمپانی یک شرکت بزرگ تولیدی است که اخیراً به دلیل مشکلات مالی و گزارش‌های مشکوک مربوط به پولشویی تحت بررسی قرار گرفته است (Sadeghi, ۲۰۲۲). این شرکت تصمیم گرفته است تا با استفاده از فناوری‌های دیجیتال و الکترونیکی شدن فرآیندهای تجاری، شفافیت معاملات را افزایش

داده و زمینه را برای مقابله با فساد و پولشویی فراهم کند.

برای مثال، استقرار سیستم‌های یکپارچه ERP در کوروش کمپانی می‌تواند به ثبت همه مبادلات در دفاتر الکترونیکی و ایجاد ردپای دیجیتال از معاملات کمک کند. این امر، امکان ردیابی و نظارت بر جریان‌های مالی را فراهم می‌آورد و از این طریق جلوی هرگونه تخلف مالی را خواهد گرفت. همچنین، به کارگیری بلاک چین در زنجیره تأمین این شرکت، قابلیت ردیابی معاملات را افزایش داده و شفافیت را بهبود می‌بخشد (طالبی و همکاران، ۱۴۰۱).

بلاک چین به عنوان یک فناوری غیرمتمرکز و امن، می‌تواند با ایجاد یک دفتر کل توزیع شده از تمام مبادلات، امکان ردیابی کامل هر تراکنش را فراهم کند. این قابلیت به کوروش کمپانی کمک می‌کند تا با شناسایی و حذف هرگونه فعالیت مشکوک، از تکرار چنین تخلفات مالی جلوگیری کند (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۲).

ارکان جرم کلاهبرداری در فعالیت‌های شرکت کوروش کمپانی

شرکت آنلاین کوروش کمپانی در سال‌های اخیر به دلیل ارائه اطلاعات گمراه کننده و تخلفات متعدد، مورد توجه قرار گرفته است. بررسی ارکان جرم کلاهبرداری در فعالیت‌های این شرکت، می‌تواند به شناسایی و مجازات مسئولان آن منجر شود.

۱. رکن قانونی: بر اساس ماده ۱ قانون مجازات اسلامی در ایران، هر کس به وسیله هرگونه تبلیغ کذب یا گمراه کننده موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مرتکب جرم کلاهبرداری شده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹). این ماده قانونی، شرکت کوروش کمپانی را که با انتشار اطلاعات نادرست موجب ضرر مصرف کنندگان شده است، مشمول مجازات کلاهبرداری

می‌داند.

۲. رکن مادی: رکن مادی جرم کلاهبرداری شامل دو عنصر است: اول، انجام تبلیغات گمراه کننده یا ارائه اطلاعات کذب و دوم، ایجاد ضرر مادی یا معنوی برای قربانیان. در مورد کوروش کمپانی، شواهد نشان می‌دهد که این شرکت با انتشار ادعاهای دروغین درباره کیفیت و ویژگی‌های محصولات خود، موجب زیان مالی و اعتباری مصرف کنندگان شده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰).

۳. رکن روانی: رکن روانی جرم کلاهبرداری، عمدی بودن رفتار متهم است. در مورد کوروش کمپانی، با توجه به تکرار تخلفات و نیز اقدامات هدفمند برای گمراه کردن مشتریان، می‌توان عنصر روانی جرم را احراز کرد (نادری و همکاران، ۱۴۰۱).

در مجموع، با توجه به وجود ارکان قانونی، مادی و روانی جرم کلاهبرداری در فعالیت‌های شرکت کوروش کمپانی، مسئولان این شرکت می‌توانند مطابق قوانین ایران، به اتهام کلاهبرداری تحت پیگرد قرار گیرند. این امر می‌تواند به حمایت از حقوق مصرف کنندگان و پیشگیری از تکرار چنین تخلفاتی کمک کند.

راهکارهای سیاستی

برای تسریع و تسهیل این تحول دیجیتال در حوزه تجارت و افزایش اثربخشی آن در مبارزه با فساد و پولشویی، ارائه راهکارهای سیاستی مناسب ضروری است. این راهکارها



می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. ایجاد زیرساخت های فنی و حقوقی لازم برای پذیرش و استقرار فناوری های نوین در کسب و کارها، از جمله تدوین استانداردها و قوانین مربوط به حوزه تجارت الکترونیک (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲). این امر شامل ایجاد چارچوب های قانونی برای حمایت از حریم خصوصی و امنیت داده ها، حل اختلافات و نحوه نظارت بر معاملات آنلاین است.
۲. ارائه مشوق ها و حمایت های مالی از شرکت ها برای سرمایه گذاری در تحول دیجیتال، مانند تسهیلات مالیاتی و یارانه های دولتی (صادقی و همکاران، ۱۴۰۳). این سیاست ها می تواند انگیزه لازم را برای کسب و کارها ایجاد کند تا در راستای دیجیتالی سازی فرآیندهای خود گام بردارند.
۳. آموزش و ارتقای سواد دیجیتالی در میان فعالان اقتصادی و کارکنان سازمان ها به منظور افزایش آمادگی برای پذیرش این تغییرات (محمودی و همکاران، ۱۴۰۴). این امر می تواند از طریق برگزاری دوره های آموزشی، ایجاد مراکز مشاوره و انتشار راهنماهای کاربردی انجام شود.
۴. تدوین قوانین و مقررات برای تنظیم گری و نظارت بر فعالیت های تجاری الکترونیکی، به منظور تضمین امنیت و شفافیت معاملات (کریمی و همکاران، ۱۴۰۵). این مقررات باید به گونه ای طراحی شوند که هم امنیت داده های تجاری را تأمین کنند و هم ردیابی پذیری معاملات را تسهیل نمایند.
۵. ایجاد همکاری های بین المللی در زمینه مبادله اطلاعات و تجربیات مربوط به مقابله با جرایم مالی در بستر دیجیتال (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۶). این همکاری ها می تواند از طریق انعقاد قراردادهای بین المللی، تشکیل شبکه های اطلاعاتی و برگزاری نشست های مشترک انجام شود. به این ترتیب، کشورها می توانند تجربیات موفق یکدیگر را در زمینه مقابله با پدیده های مخرب مالی در محیط دیجیتال به اشتراک بگذارند.

همچنین، همکاری های فرامرزی در زمینه تبادل داده های مالی و اطلاعات مربوط به معاملات مشکوک می تواند به شناسایی و ردیابی عاملان پولشویی کمک کند. این امر نیازمند ایجاد هماهنگی و همسوسازی قوانین و مقررات مالی در سطح بین المللی است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۵).

در مجموع، اتخاذ این راهکارهای سیاستی می تواند نقش مؤثری در تسریع و تسهیل تحول دیجیتال در حوزه تجارت و افزایش اثربخشی آن در مبارزه با فساد و پولشویی ایفا کند. به این ترتیب، پتانسیل های ارزشمند الکترونیکی شدن تجارت در جهت شفاف سازی معاملات و مقابله با جرایم مالی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نتیجه گیری

در چند دهه اخیر، پیشرفت های چشمگیر در زمینه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی منجر به تحول دیجیتال در بسیاری از فرآیندهای کسب و کار شده است. این تحول دیجیتال، به ویژه در حوزه تجارت الکترونیک، می تواند نقش مهمی در کاهش فساد و پولشویی ایفا کند.

الکترونیکی شدن تجارت با افزایش شفافیت، ردیابی پذیری معاملات و کاهش تعامل چهره به چهره، زمینه های مناسبی را برای جلوگیری از این جرایم مالی فراهم می آورد. استفاده از فناوری هایی مانند سیستم های یکپارچه ERP، بلاک چین و پرداخت های الکترونیکی می تواند با ایجاد ردپای دیجیتال از معاملات، مسیر پول شویان را مسدود کرده و امکان تشخیص و ردیابی موارد مشکوک را افزایش دهد.

با این حال، این تحول دیجیتال در تجارت همچنین با چالش ها و موانعی همراه است که باید مورد توجه قرار گیرند. مواردی همچون تهدیدات امنیتی سایبری، عدم آمادگی برخی کسب و کارها و مقاومت های فرهنگی در برابر تغییرات می توانند مانع از پذیرش و استقرار فناوری های نوین در حوزه تجارت شوند.

در این راستا، ارائه راهکارهای سیاستی مناسب می تواند نقش مؤثری ایفا کند. این راهکارها می تواند شامل ایجاد زیرساخت های فنی و حقوقی مناسب، ارائه مشوق های مالی، آموزش و ارتقای سواد دیجیتالی و همکاری های بین المللی باشد. با اتخاذ این سیاست ها، می توان زمینه را برای تحقق پتانسیل های الکترونیکی شدن تجارت در مبارزه با فساد و پولشویی فراهم کرد.



بررسی و ارزیابی حفاظت از اراضی کشاورزی در ایران

موضوع: حقوق ملکی.

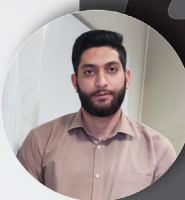
چکیده

حفاظت از کاربری زمینهای کشاورزی در ایران به دلایل متعدد از جمله اصرار بر استفاده از رهیافتهای بازدارنده تک بعدی، قانون های مبهم و ناقص، عدم انجام طرح های آمایش سرزمین، کمبود نیروی انسانی متخصص و قیمت بسیار بالای اراضی دارای کاربری مسکونی یا صنعتی، کارایی لازم را نداشته است. این مطالعه که با رویکرد توصیفی-تحلیل نگارش شده است، تلاش دارد تا با مروری بر قوانین و مقررات موجود و تجارب داخلی و خارجی و همچنین بررسی وضعیت فعلی تغییر کاربری اراضی کشاورزی نسبت به ارائه راهکاری مناسب جهت مدیریت نظاممند اراضی کشاورزی اقدام نماید. بر اساس یافتههای این مطالعه رویکرد جلوگیری و بازدارندگی صرف از تغییر کاربری اراضی نمیتواند به عنوان راهکاری کارآمد جهت مدیریت اراضی کشاورزی تلقی شود و لازم است در کنار توجه به جنبههای تشویقی و تنبیهی نسبت به آزمایش دقیق و جامعه سرزمین و بر اساس آن تهیه سند جامع مدیریت اراضی کشور اقدام گردد تا علاوه بر حفظ زمینهای مرغوب و مناسب کشاورزی به نیازهای سایر بخشها همچون صنعت و گردشگری طبیعت به نحو مناسبی پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی: تغییر کاربری اراضی^۱، راهبردهای بازدارنده تشویقی و تنبیهی^۲، آمایش سرزمین^۳، سند جامع مدیریت اراضی^۴.

مقدمه

تحولات شهرنشینی و گسترش شهرها در اغلب جوامع، باعث تخریب تدریجی مناطق طبیعی و کشاورزی و امنیت غذایی شده است و این مناطق جای خود را به ساخت و سازهای بی رویه داده است و یا در برخی موارد مزارع و سکونتگاه های طبیعی خالی از سکنه شده و به تدریج رو به زوال می رود (اردستانی، ۱۳۸۷). تغییر هر هکتار زمین کشاورزی به مفهوم وابستگی به واردات خارجی و تهدید امنیت غذایی است و این موضوع حتی کشورهای مبتنی بر اقتصاد بازار مانند انگلیس را به سمت اولویت دهی در حفظ اراضی کشاورزی سوق داده است. به نظر می رسد در ایران به اندازه کافی اراضی کشاورزی مرغوب در اثر اجرای پروژه های عمرانی و توسعه ای از جمله شهرک های صنعتی، گسترش شهرها و تبدیل روستاها به شهرها، به راحتی از بین رفته اند و هم اکنون وقت آن رسیده است همانند سایر کشورها حفظ اصولی و نظام مند این اراضی مبنای کار و برنامه ریزی دستگاه های مختلف در تدوین و اجرای پروژه های عمرانی قرار گیرد. در همین راستا مقاله حاضر با دو رویکرد متفاوت در دو چارچوب رهیافت های



مجید میرزائی چناب

دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس



امیرمهدی قجری

دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

۱. -land use change

۲. -Incentive and punitive deterrent strategies

۳. -Land use planning

۴. -Comprehensive land management document



شهر چالوس تاریخ ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۲

تنبیهی و تشویقی (روشهای بازدارنده) و رهیافت تغییر نظام مند کاربری زمین به تدوین الگوی مناسب جهت حفاظت از راضی کشاورزی پرداخته است.

حفظ کاربری اراضی عبارت است از جلوگیری از تغییر نحوه استفاده از زمینهای خاص توسط مالکان یا متصرفین آن، البته در صورتی که تغییر کاربری آنها آثار منفی طبیعی، اقتصادی، سیاسی، علمی یا فرهنگی به دنبال داشته باشد. در بعضی از کشورها نظیر استرالیا، از اراضی مقدس بومیان و در نقاط دیگر مثل چین، از اراضی که احتمالاً دارای آثار باستانی و فسیل هستند، محافظت میشود. با این حال در اکثر کشورهای دنیا، معمولاً زمینهای کشاورزی، جنگلها، مراتع، اراضی باتلاقی و سایر اراضی طبیعی مورد محافظت قرار میگیرند. با توجه به نوع مالکیت در کشورهای خاورمیانه، حفظ کاربری اراضی در این کشورها بیشتر در رابطه با اراضی کشاورزی به کار برده میشود.

راضی کشاورزی املاکی هستند که عملیات کشاورزی، باغداری یا تاکداری به صورت تقریباً مداوم روی آنها انجام گیرد و یا به دلیل شرایط ویژه، استعداد بالایی برای کشاورزی داشته باشند. برنامه آمایش ایالات اورگان آمریکا زمین کشاورزی را عمدتاً بر مبنای بهره-وری خاک تعریف می کند که بر اساس نظام طبقه بندی قابلیت خاک اندازه گیری میشود. در قانون اصلاحات ارضی در ایران، زمین کشاورزی زمینی است که بتوان آن را برای یک یا چند نوع از امور کشاورزی مورد استفاده قرار داد. قوانین متعددی برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی تدوین شده و شیوههای تشویقی و بازدارنده نیز استفاده میشوند.

پیشینه ی پژوهشی :

در مورد موضوع تغییر کاربری اراضی کشاورزی مقالات متنوع و گوناگونی وجود دارد که راجع به چالش های مهم کشاورزی در شهرهای گوناگون ایران و برخی مقایسه تغییر کاربری های ایران و کشورهای اروپایی داشته است ولی در این مقاله علاوه بر خلاف تلفیق نظرات فقهی با قوانین و بیانات رهبری و نظرات دکترین مشکلات و علل تغییر کاربری را بررسی کرده و برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی، پیشنهاداتی ارائه شده است

۱- جایگاه زمین و کشاورزی از دیدگاه قرآن و اسلام

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است و به عنوان یکی از اهرمهای استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی هر کشور نیز تا حدودی فراوانی به آن وابسته است. از این رو دین اسلام به کشاورزی اهمیت فراوانی داده و ارزش بالایی را برای آن بر شمرده است:

آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» و هرگاه به قدرت و حکومت رسد برای فساد در زمین و نابودی زراعت ها و نسل کوشش می کند و خداوند فساد را دوست ندارد.

آیه ۱۰ سوره مبارکه الرحمن «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» و زمین را برای جهانیان بنا نهاد. خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه انسان باشد.

آیه ۲۱ سوره مبارک زمر «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرّاً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ» آیا ندیده ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس آن را به صورت چشمه هایی در زمین راه داد، سپس با آن، زراعتی که رنگ های گوناگونی دارد بیرون می آورد، آن گاه آن کشت (و زراعت) با هیجان رشد می کند (تا آن که می خشکد) پس آن را زرد می بینی، سپس آن را به صورت کاه و خاشاک در می آورد، همانا در این (تغییر و تحول) برای خردمندان پند و یادآوری است (که بدانند دنیا ناپایدار است).

آیه ۲۷ سوره مبارکه سجده «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ». آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه می رانیم، پس به وسیله ی آن گیاهان را می روینیم تا چهار پایانشان و خودشان از آن بخورند؟ پس آیا نمی بینند؟

نظر اسلامی آن طوری که لازم بود، توسط برخی از اهل تحقیق پژوهشی انجام نگرفته است. از نظر اسلام چنانچه فرد یا جامعهای از عمل شخصی متضرر شوند نمیتوانند از راههای مشروع ضرر و زیان خود را از او دریافت دارند. همینطور در صورتیکه کسی یا کسانی اقدام به آلودن محیط میکنند، کسانی که پیرامون محیط شان آلوده شده است میتوانند آلوده کننده را برای کیفر تعقیب کنند (فاضل ۱۳۸۵، ص ۷۶).

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که حضرت فرمود: «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَانْهَائِهَا مِنْكُمْ» یعنی از زمین حفاظت کنند به درستی که آن مادر شماسست. اسلام برای نظافت و بهداشت اهمیت فوق العاده قائل است و آن را از نشانههای ایمان میدانند.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره مبارکه قمر میفرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» یعنی ما هر چیز را به اندازه خلق کردیم. پس هر چیز مقدار و حدودی دارد و بایستی بطور صحیح و درست بهره‌برداری شود تا نابود و منهدم نگردد. چرا که این ثروتهای طبیعی فقط به این نسل تعلق ندارد. بلکه این اندوختهها به نسلهای بعد از ما نیز تعلق دارند. در باب نظر اسلام در مورد آباد کردن زمین چنین آمده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ» (آیه ۶۱ سوره مبارکه هود) یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. در این رابطه پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «ان قامت علی

احدکم القیامه و فی یده فسیله فلیغرسها» یعنی اگر قیامت بر پا شود و در دست نهالی باشد باید آن را بکارد».

۳- جایگاه زمین و کشاورزی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

لازم است دولت، بیش از پیش، کمکهای لازم را به کشاورزی و کشاورزان بکند و در این امر از هیچ کوششی خودداری ننماید و از پیچ و خمهای اداری که موجب تأخیر در این امر حیاتی است، جلوگیری نماید و در این موضوع احیای کشاورزی^۱ به استناداران در سطح کشور سفارش اکید نماید که امر کشاورزی در کشور ما، از اهم امور است و هدایت و اجرای آن به وجه صحیح، اساس اقتصاد کشور است. «صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۵۵».

مسئولیت ما امروز زیاد است و باید خودمان مملکتان را

آیه ۶۳ □ ۶۵ سوره مبارکه واقعه «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿۶۳﴾ أَأَنْتُمْ تَرْزُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿۶۴﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ» آیا اندیشیده‌اید در آنچه میکارید؟ آیا شما آن را میرویانید یا ما رویاننده‌ایم؟ اگر خواهیم آن را خرد و ریز گردانیم و شما حسرت زده شوید.

آیه ۶ سوره مبارکه الرحمن «وَالْتَجَمَّ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» و بوته و درخت چهره سایانند.

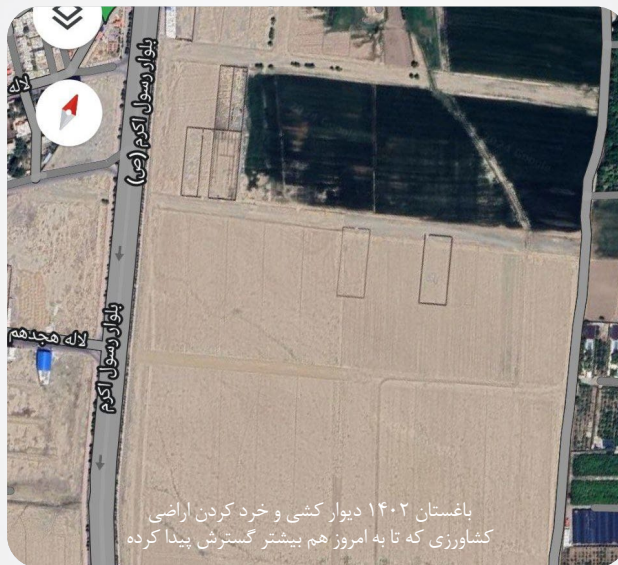
آیه ۱۴۱ سوره مبارکه انعام «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالتَّخْلُ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالزَّمَانُ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» و اوست کسی که به وجود آورد باغهایی با داربست و بی‌داربست، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی‌های گوناگون، و زیتون و انار، (برخی میوه‌ها) شبیه به همند و برخی شباهتی با هم ندارند. همین که باغها ثمر داد، از میوه‌اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حق آن (محرومان) را بدهید و اسراف نکنید، چرا که خداوند، اسراف کاران را دوست ندارد.

آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» آیا کافران نمی‌بینند که آسمان‌ها و زمین بهم بسته بودند، پس ما، آن دو را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم. آیا (با این همه) باز ایمان نمی‌آورند؟

حضرت علی (ع) میفرماید: هر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور میکند

۲- حمایت و حفاظت از زمین در اسلام

اسلام در کلیه شئون و روابط انسانی دخالت کرده و برای همه آنها مقرراتی وضع نموده است. لیکن این بدان معنی نیست که برای هر موضوع با عنوان ویژه و متداول امروزی آن حکم خاصی مقرر داشته باشد. مسئله زمین نیز از همین قبیل است. به یقین در هیچ یک از منابع اسلامی به عنوان زمین حکمی مطرح نشده است ولی بدون تردید درباره آب، زمین و پاکی و ناپاکی، آتش سوزی و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع، احکام زیادی وجود دارد که به کمک آنها میتوان مقررات دقیقی برای مسائل زمین بدست آورد. متأسفانه در این مورد از





ساخت گلخانه بدون دریافت مجوز به جهت ساخت مجوز شهر باغستان ۱۴۰۲

های ذریبط، هم مسئولین و نمایندگان در مجلس، هم مسئولین در قوهی قضائیه، در مورد شهرها و حریم شهرها در سرتاسر کشور موظفند که این کار را دنبال کنند». «گزیده- ای از بیانات مقام معظم رهبری در هفته درختکاری اسفند ۱۳۹۱».

از سوی دیگر رهبر معظم

انقلاب اسلامی در خصوص منابع طبیعی فرمایشات و رهنمودهایی به شرح ذیل داشته‌اند:

▲ - فرهنگ منابع طبیعی باید به معارف عمومی تبدیل شود.

▲ - مسئله منابع طبیعی مسئله تجملاتی نیست، یک مسئله درجه دو نیست، بلکه مسئله حیاتی است.

▲ - همه مردم کشور باید منابع طبیعی را بشناسند، مزایا، اهمیت و احکام فقهی آن را بدانند و به وظایف خود در قبال آن عمل نمایند.

▲ - برای سرسبز نگه داشتن کشور بایستی نهضتی فراگیر بر پا شود.

از آنجایی که خداوند متعال، مسرفین و مبذرین را دوست نمی‌دارد، لذا گاهی اوقاف این نگرانی وجود دارد که مبدا خدای ناکرده، بعضاً ناسپاسی و ناشکری ما سبب از دست رفتن این نعمتها و مواهب الهی گشته و مسائل و مشکلات نظیر خشکسالی، تگرگ، سرمازدگی، سیل، فرسایش خاک، رسوب و ... حادث شوند.

یک نکته‌ی دیگری که باز آن هم مربوط به سازمان حفاظت محیط زیست است، جلوگیری از تبدیل زمینهای کشاورزی است که شنبته میشود در یک موارد زیادی

آباد کنیم ... مساله کشاورزی در کشور ما در راس امور است ... مملکت از نظر طبیعی، همه چیزش خوب است. آب و زمین خوب دارد و مردمش آگاه و در فکر کشاورزی هستند و دولت باید آنها را تشویق و تقویت بنماید و امکانات لازم را در اختیار آنها بگذارد. «صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۰».

توجه به بازسازی مراکز صنعتی، نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امور خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئولین بیشتر از گذشته، خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هرچه بیشتر از نعمت- های بیکران الهی تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی، مقدمهای است برای استقلال و خودکفایی در زمینهای دیگر. «صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۱۵۸».

۴- جایگاه زمین و کشاورزی از دیدگاه مقام معظم رهبری

«من گلایه‌ای که باید بکنم این است که ما اینجا دانه دانه درخت میکاریم، اما صدها و هزارها درخت در جاهایی که نباید قطع شود، بیجهت قطع می- شود، این خیلی اشکال بزرگی است که وجود دارد. علاوه بر اینکه آبادی- ها و سرسبزیه‌ای اطراف شهرهای بزرگ به غلط و به غصب در اختیار افرادی قرار گرفت که میخواهند از زمین سوءاستفاده کنند و هنوز هم دارند میکنند و سبزی تبدیل شد به سیمان و آهن، این یک مصیبتی برای شهرهاست، باید جدا از آن جلوگیری شود. این هم وظیفه‌ی دولت است، هم وظیفه‌ی مجلس است، هم وظیفه‌ی قوهی قضائیه است.

هر کدام به نحوی باید جلوی پیشرفت این حرکت غلطی را که امروز متأسفانه در کشور ما وجود دارد را بگیرند، آن چیزی که ثروت اصلی کشور است، مناطق سبز اطراف شهرهاست، باغات داخل شهرهاست، هم دستگاه-

۵- جایگاه زمین و کشاورزی در اصول قانون اساسی

اصل ۴۳:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

بند ۹) تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی

با مشکلات عدیده حقوقی، اجتماعی و اقتصادی روبه رو است. برخی از مصادیق این جرم عبارتند از تصرف اراضی بستر و حریم رودخانه ها و منابع طبیعی، تغییر کاربری اراضی زراعی باغها و تبدیل آنها به اراضی بایر و در نهایت الزام مراجع قانونی به تجویز تغییر کاربری و تغییر کاربری اراضی داخلی در محدوده خدمات شهرها از طریق جلب موافقت شهرداریها و کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی به منظور فروش آنها به قیمتی بالاتر.

برخی قوانین مرتبط با جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی در ایران به شرح زیر می باشد:

تغییر کاربری زمین، ماده یکم قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها- به منظور حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و تداوم و بهره‌وری آن ها از تاریخ تصویب این قانون تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرکها جز در موارد ضروری، ممنوع می باشد.

تفکیک زمینهای کشاورزی □ ماده ۲ قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی، اقتصادی- تفکیک و افراز اراضی مذکور (اراضی کشاورزی) به قطعات کمتر از نصاب تعیین شده ممنوع است. ارائه هرگونه خدمات ثبتی از قبیل صدور سند مالکیت تفکیکی یا افرازی مجاز نخواهد بود.

قانون واگذاری در اراضی و قانون اصلاح اراضی قوانین مورد عمل در حفاظت از کاربری اراضی کشاورزی

قانون اصلاحات ارضی- بر طبق ماده ۱۹ این قانون زارعی که قصد فروش زمین خود را دارد، صرفاً می تواند این معامله را با زارع صاحب نسق دیگر انجام دهد.

ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون واگذاری زمینهای بایر و دایر که بعد از انقلاب به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار گرفته است که بیان می کند هر گونه تبدیل اراضی واگذار شده به کاربریهای غیرکشاورزی

آبهای عمومی، کوه ها، دره ها، جنگلها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک

را قانون معین می کند.

اصل ۵۰:

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

۶- قوانین جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی در ایران

امروزه کشورها، با وضع مقررات سختگیرانه در مورد منع تغییر کاربری، و اجرای جدی آن، از اراضی کشاورزی، باغات، جنگلها، مراتع، اراضی باتلاقی و سایر اراضی طبیعی خود محافظت و مراقبت نموده و همچنین شیوههای تشویقی و بازدارنده اتخاذ می کنند.

با آنکه قوانین و مقررات مختلفی در زمینه حمایت از حقوق مالکانه و جلوگیری از تغییر کاربری و تصرف غیرقانونی زمین در نظام حقوقی ایران به تصویب رسیده است، اما در عمل، مقابله با این موضوع،



اصفهان از سال ۱۳۶۳ الی ۱۴۰۰

برهاند.

اصل ۴۴:

نظام اقتصادی جمهور اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.

اصل ۴۵:

انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه ها و سایر

و تفکیک به جز موارد استثنایی به تشخیص و موافقت وزارت کشاورزی ممنوع گردید.

طبق ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، وزارت جهاد کشاورزی موظف شد اراضی واگذار شده توسط هیأت‌های واگذاری زمین را بدون استثناء و بدون هیچ پیششرطی به کشاورزان متقاضی خرید با حفظ کاربری کشاورزی با حداکثر قیمت منطقهای زمان واگذاری به صورت نقد و یا اقساط بفروشد.

عنوان: دیوار کشی و محصور نمودن اراضی زراعی و باغ ۱۵

دادنامه قضایی

دادنامه به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۰۴۳۰۰۴۹۱، مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۸، صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان ورامین
رأی دادگاه بدوی: در خصوص اتهام آقای م. س. آزاد به لحاظ معرفی کفیل فاقد سابقه کیفری دایر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی به صورت غیر مجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۵۸ و احداث دیوار به شرح کیفرخواست دادسرای عمومی و انقلاب ورامین و شکایت اداره جهاد کشاورزی شهرستان ورامین با نگرش در مجموعه اوراق و محتویات پرونده قطع نظر از اینکه تغییر کاربری عنوان شده از طریق دیوار کشی اعلام گردیده و صرف حصار کشی و محصور نمودن اراضی زراعی و به عبارتی دیوار کشی اطراف آن تخلف به معنی تغییر کاربری یا دلیل آن نبوده و نظر به شماره ۷/۴۶۰۱ مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۰۴ اداره حقوقی قوه قضائیه موید این امر است اساساً نظربه اینکه دیوار کشی وفق دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز موضوع ماده ۱۱ تصویب نامه شماره ۵۹۸۷۹/ت/۳۷۱۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۱۹ هیئت وزیران در صورتی تغییر کاربری تلقی خواهد شد که مانع از تولید و بهره برداری و استمرار کشاورزی شده باشد در مانحن فیه دلیل و مستند کافی که دلالت نماید دیوار احداثی مانع از تداوم تولید و بهره برداری و استمرار کشاورزی شده باشد ارائه و ابراز نگردیده است بنا به مراتب و با اوصاف و کیفیات مرقوم دادگاه اتهام متهم را غیر وارد تشخیص و به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی حکم بر برائت متهم صادر و اعلام می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است. دادرس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲

دادنامه به شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۰۸۱۰۱۴۹۴، مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۴، صادره از شعبه ۳۸ دادگاه تجدید نظر استان تهران

رأی دادگاه تجدیدنظر استان: در خصوص تجدیدنظرخواهی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ورامین نسبت به دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۰۸۱۰۱۴۹۴ مورخ ۹۴/۱۱/۱۴ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ آن شهرستان که متضمن صدور حکم بر برائت آقای م. س. از حیث اتهام تغییر کاربری اراضی زراعی از طریق دیوار کشی است با نگرش در مجموعه اوراق و محتویات پرونده قطع نظر از اینکه دیوار کشی و محصور نمودن اراضی زراعی و باغها تخلف به معنی تغییر کاربری یا دلیل آن نبوده و نظریه شماره ۷/۴۶۰۱ مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۰۴ اداره حقوقی قوه قضائیه موید این امر است و اساساً نظر باینکه دیوار کشی وفق دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز موضوع تصویب نامه شماره ۵۹۸۷۹/ت/۳۷۱۱۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۱۹ هیئت وزیران در صورتی تغییر کاربری تلقی خواهد شد که مانع از تداوم تولید و بهره برداری و استمرار کشاورزی شده باشد و در مانحن فیه حسب نظریه ارزی کارشناس در صفحات ۶۴ لغایت ۶۷ پرونده دیوار احداثی مانع از تداوم تولید و بهره برداری و استمرار کشاورزی نگردیده لذا دادگاه با رد



تجدیدنظرخواهی با استناد به بند الف ماده ۴۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید می نماید .
رای صادره قطعی است.

شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشار

تحلیل دادنامه :

در پرونده ی ۱۴۹۴/۲۰۸۱۰۹۹۷۰۹۴۰ متهم در ابتدا باید از تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربردی اراضی زراعی و باغ ها مصوب ۱۳۵۸ باید مجوز اخذ می کرد.

دادگاه بدوی دیوار کشی مزبور را قطع نظر از اینکه تغییر کاربری عنوان شده از طریق دیوار کشی تخلف به معنی تغییر کاربری ندانسته که و نظر به شماره ۷/۴۶۰۱ مورخ ۱۳۸۴/۷/۴ - اداره کل حقوقی قوه قضائیه داشته است

که این نظریه مشورتی قوه قضائیه اظهار داشته که محصور کردن اراضی مزروعی منع قانونی ندارد بنابر این کشیدن و حصار دور زمین مزروعی و اقدام به دیوار کشی احداث بنا و تخلف ساختمانی محسوب نمی شود و به معنی تغییر کاربری یا دلیل بر تغییر کاربری نیست

▲ مورد اول = با استناد به ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۲۱ که صراحتاً اعلام داشته که دیوار کشی بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره (۱) ماده (۱) همین قانون جرم است و باید قلع و قمع بنا و پرداخت جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغ ها به قیمت روز زمین و در صورت تکرار جرم به حداکثر جزای نقدی و جس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد که در این پرونده دیوار کنی بدون اخذ مجوز بوده است.

و همچنین با استناد به ماده ۱۰ قانون فوق الذکر هر گونه تغییر کاربری در قالب ایجاد بنا برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب گردد چنانچه بدون اخذ مجوزهای لازم باشد جرم بوده و ماموران جهاد کشاورزی ملکفند به توقف عملیات اقدام نمایند.

با توجه به این دو ماده و محتویات پرونده که مجوزها تبصره یک ماده یک قانون فوق الذکر ، این دیوار کشی مجرمانه بوده و مجازات آن قلع و قمع و جریمه نقدی بوده است.

▲ مورد دوم - دیوار کشی زمینهای زراعی باعث خود شدن اراضی کشاورزی می شود که با استناد به ماده یک قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی ، اقتصادی مصوب ۱۳۸۵/۱۱/۲۱ و همچنین ماده ۳، ۲ همین قانون تفکیک اراضی را ممنوع دانستند و دیوار کشی مصادیقی از تفکیک اراضی کشاورزی است و باعث خود شدن زمین های کشاورزی میشود.

▲ مورد سوم - دیوار کشی دیوار بلند همانطور که گفته شد باعث خرد شدن اراضی کشاورزی میشود که با توجه به نظریه ۷/۴۶۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه دیوار کشی را تغییر کار بری نمیداند ولی در این نظریه کیفیت دیوار کشی تعیین نشده که کیفیت دیوارها رای میتوان به دیوارهای یک متری که باقی آن فنس فلزی باشد یا تماماً فنس فلزی باشد تعیین کرد صرفاً جهت حفاظت از محصولات کشاورزی و بهبود آن و فنس کشی هم باید شرایط مساحت حد نصاب فنی و اقتصادی را داشته باشد .

با مشاهده تصاویر ماهواره ای و پیمایش میدانی در می یابیم که یکی از دلایل خرد شدن اراضی و عدم صرفه اقتصادی به جهت کشاورزی و کوچک تر شدن آن دیوار کشی و خرد شدن اراضی کشاورزی میباشد که این عنوان در تمام سطح کشور قابل مشاهده می باشد.

که این عمل دیوار کشی باعث میشود بعد از دیوار کشی در اراضی و محصور کردن آن و پس از رای برائت، اقدام به ساخت بنا میکنند .

نظریه شماره ۷/۴۶۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۴/۰۷/۰۴ که اکثر رای های قضات در پرونده های دیوار کشی و مصادیق آن طبق این نظریه رای صادر میکنند و با توجه به اینکه این نظریه در تاریخ سال ۸۴ صادر شده و در حال حاضر دیوار کشی و تفکیک و خرد کردن اراضی و تغییر کاربری یکی از مشکلات گسترده جامعه شده است؛ که میتوان به عینه در مناطق غرب استان تهران و در تمام سطح کشور دیده میشود و باعث ضربه خوردن به عرصه کشاورزی میشود که در جای جای قرآن کریم و احادیث معصومان و موازین قانونی و بیانات امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری حفظه الله ، حفاظت از کشاورزی مهم و قابل توجهی است که با توجه به مشکلات روز جامعه پیشنهاد بر این است که این نظریه مورد بررسی مجدد قرار بگیرد و امید است با توجه به مسائل در حال بروز در جامعه نظریه مناسبی صادر شود.

۷- وضعیت موجود اراضی کشاورزی در ایران

ایران با وسعت ۱۶۵ میلیون هکتار وسعت و بهره مندی از اقلیم های متعدد و به رغم محدودیتهای آب و خاک یکی از قطبهای کشاورزی جهان به شمار می رود. از مجموع مساحت کشور حدود ۲۳ میلیون هکتار معادل ۱۵ درصد از مجموع مساحت کشور مستعد فعالیتهای کشاورزی است. از این رقم در حدود ۱۸/۷ میلیون هکتار هم اکنون در چرخه تولید محصولات کشاورزی قرار دارد و سالانه به طور متوسط ۱۴/۸ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی در کشور به زیر کشت می رود. در دهه های اخیر با توسعه کشور و گرایش به شهرنشینی و جمعیت شهری از ۶ میلیون نفر به ۴۸ میلیون نفر افزایش یافته به گونه ای تعداد شهرها از ۵۰۰ شهر به حدود ۱۲۰۰ شهر افزایش یافته است. طی حدود ۱۶ سال گذشته نزدیک به صد هزار هکتار از اراضی کشاورزی به صورت مجاز و یا غیرمجاز تغییر کاربری داده شده و از چرخه تولید کشاورزی خارج شده اند. البته این آمار به غیر از گسترش محدود شهرها در اراضی کشاورزی طی این مدت است. جدول زیر نمای کلی اراضی کشور را نشان می دهد.

جدول ۱- نمای کلی اراضی کشور

درصد از اراضی دارای قابلیت کشاورزی	درصد از کل اراضی	میزان (میلیون هکتار)	عنوان
-	۱۰۰	۱۶۵	مساحت کل کشور
-	۷/۹۲	۱۵۳	مساحت خشکی کشور
۱۰۰	۱۴	۲۳	مساحت اراضی دارای قابلیت کشاورزی
۸۱	۳/۱۱	۷/۱۸	مساحت اراضی در چرخه تولید کشاورزی
۱۹	۶/۲	۳/۴	مساحت اراضی دارای قابلیت توسعه کشاورزی
۶۴	۹	۸/۱۴	مساحت زیر کشت سالانه

منبع: چشم انداز سیاستها و برنامه ریزی های سازمان امور اراضی کشور، ۱۳۹۳

با توجه به جمعیت کشور و سطح زیر کشت اراضی کشاورزی سرانه هر نفر از اراضی در چرخه تولید به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۲- سهم سرانه از زمین و اراضی کشاورزی

هکتار	اراضی کشاورزی و سطح زیر کشت
۲۴/۰	سرانه هر ایرانی از اراضی در چرخه تولید کشاورزی
۱/۴	سرانه هر کشاورز از اراضی در چرخه تولید کشاورزی
۲/۰	سرانه هر ایرانی از سطح زیر کشت
۳/۳	سرانه هر کشاورز از سطح زیر کشت
۷/۰	سرانه اراضی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه
۶۶/۰	سرانه اراضی کشاورزی در کشورهای توسعه یافته

منبع: چشم انداز سیاستها و برنامه ریزی های سازمان امور اراضی کشور، ۱۳۹۳

۸- حفاظت از کاربری زمینهای کشاورزی

حفظ اراضی کشاورزی یکی از مباحث مطرح در چارچوب توسعه پایدار است. اراضی کشاورزی نمیتوانند ایجاد شوند و هیچ روش عملیاتی برای بازگرداندن اراضی کشاورزی تغییر کاربری یافته وجود ندارد. آمارها نشان میدهد ایالات ایلینویز آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا کنون ۳/۶ میلیون ایکر اراضی کشاورزی خود را از دست داده است که متوسط سالیانه تقریباً برابر یا ۷۷۰۰۰ ایکر^۵ میشود.

حفاظت از کاربری زمینهای کشاورزی در ایران به دلایل متعدد از جمله

۵- ایکر = ۴۰۴۶ متر مربع

موارد استثنای متعدد (کمسیون تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها، اراضی مالکین کمدرآمد و تغییرات کاربری نیاز بخش کشاورزی) و محدودیت حوزه عمل آن به اراضی کشاورزی خارج از محدوده قانونی شهرها شهرک ها، تأثیر ناچیزی در حفظ زمینهای کشاورزی داشته است.

به عنوان مثال، عدم دریافت عوارض نیاز بخش کشاورزی، به منظور ایجاد تغییرات کاربری مورد نیاز مزرعه، باغ یا تاکستان (نظیر تأسیسات آبیاری آن مزرعه) در نظر گرفته شده است. با این حال به دلیل ابهام موجود، در عمل کلیه موارد تغییر

قانونهای مبهم و ناقص، عدم انجام طرحهای آمایش سرزمین، کمبود نیروی انسانی متخصص و قیمت بسیار بالای اراضی دارای کاربری مسکونی یا صنعتی، کارایی لازم را نداشته است. قانون گسترش قطبهای کشاورزی مصوب ۵ خرداد ۱۳۵۴ اولین قانونی است که صریحاً روی حفاظت از زمینهای کشاورزی تأکید دارد. با این حال این قانون صرفاً به زمینهای کشاورزی واقع در قطبهای کشاورزی محدود میشود. قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۷۴ نیز جهت جلوگیری از تغییر کاربری کلیه زمینهای کشاورزی تصویب شد. با این حال به دلیل موارد ابهام و نقضهای بسیار زیاد در این قانون از جمله

کاربری که به هر نحوی به کشاورزی ارتباط پیدا مینمایند (از جمله احداث مرغداری یا گاوداری که نیاز بخش کشاورزی نمیباشند)، نیاز بخش کشاورزی محسوب شده و از عوارض معاف میشوند.

۹- عوامل موثر بر عرضه و تقاضای تغییر کاربری اراضی کشاورزی

امروزه، رشد جمعیت از یک سو و محدودیت منابع از سوی دیگر دست اندرکاران توسعه را با شگفتی مواجه ساخته است. تغییرات کاربری زمین، به طور عمده، از عوامل بزرگ مقیاسی، مانند مباحث اقتصاد جهانی و اقلیم، تأثیر میپذیرد و مسائلی مانند تغییرات جمعیتی و سیاست های محلی بر آن تأثیر می گذارند (مهرابی، ۱۳۹۲). اطلاع از عوامل موثر بر عرضه و تقاضای تغییر کاربری اراضی کشاورزی یکی از مهمترین موارد در برنامه ریزیها می باشد. با اطلاع از این عوامل می توان تغییرات آتی را پیش بینی نمود. بیشتر کشورهای توسعه یافته در عرصه کشاورزی، برنامه ریزی برای حفظ اراضی کشاورزی، جلوگیری از خرد شدن آنها برای اقتصادی بودن تولید و یکپارچه سازی آن، مدیریت بهره وری و بهینه سازی نحوه استفاده از زمین را یکی از مهمترین وظایف حاکمیت های دولتی می دانند تا با استفاده از این موارد عرضه و تقاضای تغییر کاربری اراضی را کنترل نمایند.



خراسان رضوی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۲

۱۰- عوامل موثر بر تقاضای تغییر کاربری اراضی کشاورزی

نتایج نشان میدهد که از مهمترین علل رشد تقاضای تغییر کاربری اراضی کشاورزی را می توان افزایش جمعیت، رها نمودن اراضی کشاورزی به دلیل افزایش اشتغال در بخش صنعتی و خدماتی، به خصوص در طبقه سنی جوان، نیاز به مسکن، کاهش ارزش اراضی کشاورزی بعد از تقسیم بین فرزندان و مناسب بودن اراضی کشاورزی برای ساخت و ساز، جبران عدم النفع کشاورزان، عدم به رسمیت شناختن نیازهای توسعه ای کشاورزی در زمینه مسکونی تامین مناسب آن، محدودیت منابع آب و افت سفرههای آبی و کاهش نزولات جوی، همکاری نکردن دستگاههای اجرایی، هجوم مردم برای اهداف خوشنشنینی و توریستی و نیاز به باغ ویلاها بیان نمود (آلینانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

از دیگر عوامل موثر بر تقاضای تغییر کاربری فقدان تناسب میان ارزش افزوده حاصل از فعالیتهای زراعی و باغی با ارزش افزوده ایجاد شده از فروش زمین می

باشد که باعث می شود کشاورزان و باغداران به فروش و تفکیک این زمینها اقدام نمایند (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۶: ۶). علاوه بر موارد بالا درآمد کشاورزان و سود آوری آنان و همچنین احتمال بروز خسارت نقش مهمی در تقاضای تغییر کاربری دارد. همچنین مساحت زمین بر تمایل به تغییر کاربری موثر است. بدین مفهوم که هر چه مساحت زمین کشاورزی بیشتر باشد تقاضا برای تغییر کاربری آن کاهش می یابد.

بی توجهی به بخش کشاورزی و توسعه روستاها افزایش روند مهاجرت به شهرها موجب ایجاد بازارهای غیررسمی زمین و مسکن شده و بر تغییر کاربری زمین دامن می زند.

در نهایت اینکه افزایش قیمت زمین در سالیان اخیر باعث شده کشاورزان به منظور دریافت سطح بالاتر درآمد به تغییر کاربری زمین کشاورزی خود راغب شوند. رشد سریع زندگی شهری فرصتهایی را برای سودآوری در بخش مسکن و ساختمان به وجود آورده است. با اهمیت یافتن فعالیت های ساختمانی، احتکار زمین و تولید آن از منابع اصلی سودیابی های عظیم به شمار می رود، به ویژه با توسعه سریع شهرنشینی، زمین وضعیت بحرانی پیدا کرده و احتکار آن در اقتصاد بازار به صورت سودآورترین بخش اقتصادی جامعه درمی آید (shukoei, ۲۰۱۱).

۱۰-۱- عوامل موثر بر عرضه تغییر کاربری اراضی کشاورزی

بی تردید عوامل موثر بر عرضه تغییر کاربری اراضی کشاورزی دارای ابعاد چند وجهی بوده و عوامل متعدد حقوقی، اقتصادی، اداری، اجتماعی، کشاورزی و شهری در آن دخیل هستند. آشفتگی در نظام مالکیت زمین، عدم تهیه نقشه های دقیق ثبتی، وجود بازار کاذب زمین و مستغلات، عدم تهیه دقیق برنامه های جامع توسعه شهری و منطقه ای، مشکلات متعدد اجرایی، فقدان نیروهای متخصص در دستگاههای مرتبط، وجود فساد در میان برخی کارمندان اداری و قضایی، عدم توجه جدی به توسعه متوازن منطقه ای از جمله مهمترین این عوامل محسوب میشوند.

علاوه بر این موارد عوامل کلان مانند نابسامانی بازارهای کلان اقتصادی کشور، افزایش رانت اقتصادی و شکاف طبقاتی، انحراف رفتار بنگاه های تولیدی به سوداگری در زمین، سهم بالای هزینه زمین در هزینه های اساسی خانوار، عدم وجود سیاستهای کنترلی در بازار زمین نیز بر تغییر کاربری زمین موثر میباشند.

همچنین برخوردار نبودن برنامه ریزان شهری از دانش و مهارت کافی به دلیل لحاظ نکردن نیاز واقعی آتی شهر و اتخاذ سیاست های نادرست، محدودیتهای قوانین مربوط به ساختمان، تأخیر در مقررات کسب مجوز پروانه های ساختمانی و مسائلی نظیر این، می تواند انتظار مالکان را نسبت به افزایش قیمت زمینها در آینده، بالا برده که خود عاملی تشدیدکننده در افزایش تغییر کاربری اراضی خواهد شد.

به طور کلی سیاستها و ضوابط نامناسب توسعه صنعتی و غیرکشاورزی، تکیه بر عوارض صدور تغییر کاربری به عنوان منبع درآمدی اجرای قانون حفظ کاربری، عدم تعریف نظام جامع درآمد پایدار برای نهادهای عمومی غیردولتی، ساختار حقوقی ناکارآمد تصمیم گیر برای تغییر کاربری، فراهم بودن برخورد سلیقه ای در تشخیص و اعطای مجوز تغییر کاربری، عدم شفافیت یکپارچگی کافی در فرآیند بررسی و صدور مجوز تغییر کاربری، فقدان سازوکار پایش اراضی کشاورزی و ارزشگذاری ناشی از تغییر کاربری، توجه ناکافی به اصل مالکیت می تواند در تغییر کاربری اراضی تاثیرگذار باشند.

۱۱- دیدگاه های حفاظت از اراضی کشاورزی و تغییرات کاربری آن

۱۱-۱- روشهای بازدارنده

شیوه های متفاوتی جهت مدیریت توسعه شهری و مدیریت اراضی وجود دارد. همچون ملی کردن زمین، مالکیت دولتی بر اراضی حاشیهای، مالیاتها و عوارض ویژه بر منافع حاصل از افزایش بهای اراضی در اثر احداث خدمات عمومی، اصلاحات ارضی، یکپارچه سازی زمین، بازیابی زمین، اصلاح مجدد زمین، و غیره (رفیعیان، ۱۳۸۹) که کشورهای مختلف نیز بسته به نظام برنامه ریزی و مسئولیت بخش خصوصی و عمومی در تولید زمین شهری، به استفاده از این راهحلهای پرداخته اند (vitane, ۲۰۰۱).

در کشورهای اروپای شرقی، دولتها مقدار متناسبی زمین در حوالی شهرها تصرف می کنند تا با ایجاد برخی کاربریها، تعادل این سکونتگاهها را تضمین کنند. در کشورهای سرمایه داری نیز با وجود مالکیت خصوصی، قوانین بسیاری برای مصادره زمین، جهت کاربریهای شهری وجود دارد (fori, ۱۹۸۶). به عنوان مثال در کشور هلند برای تصرف زمینهای مورد نیاز توسعه شهری، روشهایی چون مالیات بر زمین، مناطق حفاظت شده شهری مصادره و تصرف کوتاه مدت زمین اعمال می شود.

یکی دیگر از راههای حفاظت از اراضی کشاورزی، ایجاد فرایند طولانی و هزینهبهر دریافت مجوز تغییر کاربری کشاورزی به مسکونی است. طبق تحقیقات انجام شده در سکونتگاه های شهری کشورهای با درآمد کم و متوسط، به ویژه شهرهایی چون بیجینگ، دارالسلام، سانتیاگو، داکا و کاراکارس، ریدوزانیرو و همچنین برخی نقاط شهری کشورهای توسعه چون تورنتو، استکهلم و ... الگوی تغییر کاربری زمین کشاورزی به مسکونی و مراحل مختلف آن مورد تجزیه و تحلیل و تبیین قرار گرفته است. بر این اساس اگر توسعه دهندگان خصوصی زمین شهری از شیوههای قانونی اقدام به تبدیل زمین مسکونی نماید غالباً با مراحل طولانی پیچیده و فرایندی گران قیمت روبه رو هستند.

جدول زیر مراحل مختلف انتقال زمین خام (اغلب کشاورزی) را به یک قطعه زمین مسکونی در شهرهای فوق الذکر نشان می دهد. (لگریان، ۱۳۸۹: ۲)

الگوی مالکیت زمین در کشورهای سوسیالیستی برای حل مشکلات شهری بسیار ایدهآل به نظر میرسد، زیرا، فعالیتهای دولت را میتوان در جهت ثبات ساختار شهری هدایت کرد. طی سالهای گذشته در کوبا، به منظور رفع زمینهای نامطلوب اجتماعی موثر در شهرنشینی و ساختار شهری، الگوی مالکیت زمین از طریق تغییر قوانین اصلاح شده است. در مقابل در کشورهایی که حق مالکیت عمدتاً خصوصی است کنترل و یا هدایت شکل و ساختار شهر بسیار محدود است. در این قبیل کشورها برای توسعه شهری از یک سری پروژه های عمومی به عنوان نیروی تعدیلکننده ساختار شهری کمک گرفته میشود. شیوههایی چون منطقه بندی، کنترل دقیق قوانین و همچنین شیوههای غیرمستقیمی چون مالیات بندی، تسخیر زمین و آماده سازی خدمات عمومی، (این مورد در کشورهای توسعه یافته بسیار بهبود یافته است) نه تنها در مکانیابی کاربریها، بلکه در نحوه اجرای آن نیز مؤثر واقع می شود. (میرعلی کتولی، ۱۳۸۰: ۱۰)

جدول ۱- مراحل مختلف و هزینه های احتمالی انتقال زمین خام (بایر و کشاورزی) به یک منطقه زمین مسکونی (habitat، ۱۹۹۶)

۱	قیمت زمین بایر و کشاورزی	به دلیل تمرکز شدید مالکیت زمین - انگیزه اندک برای توسعه زمین - جریمه برای عدم توسعه زمین - فقدان شبکه مناسب در همه بخشها و موقعیتهای - قیمت پایین زمین در نواحی حاشیهای شهرهایی که زمین بایر و کشاورزی به وفور یافت می شوند هر یک در قیمت زمین خام مؤثر است.
۲	هزینه فراهم کردن مجوز برای تبدیل زمین از کشاورزی یا غیر شهری به سایر کاربریها	عرضه زمین در حاشیه کمربند سبز اطرف شهر در شهر مانند سئول که برای مصارف غیر مسکونی منطقه بندی شده اند، کنترل گسترش شهر که عموماً در اکثر شهرهای اروپایی انجام می شود، فرایند بروکراتیک نظام اداری طولانی مدت و دست و پاگیر
۳	هزینه فراهم کردن تاییدیه برای طرح تفکیک زمین	به دلیل فرایند طولانی و پیچیده تهیه تاییدیه که عمدتاً ارگانهای مختلف بر آن نظارت دارند هزینه افزایش چشمگیر داشته است.
۴	تاثیر قواعد تفکیک زمین بر قیمت یک قطعه زمین، برای مثال کوچکترین قطعه تفکیکی جاده و امکانات اجتماعی می خواهد.	این مهم وایسته به استانداردهای رسمی است که ممکن است غیر واقعی باشد. قطعات بزرگ اغلب با قیمتهای سرسام آوری مواجه و افراد فقیر کم درآمد را از زمیندار شدن محروم میسازد.
۵	هزینههای توسعه زمین - هزینههایی چون ارائه خدمات و زیرساختها که بر مبنای اصول استاندارد رسمی ارائه می شود.	در نواحی که دولتها چنین تسهیلاتی را فراهم می سازند تأخیر در ارائه آنها یکی از مهمترین هزینه است. اگر تسهیلات و خدمات توسط توسعه دهنده ارائه شود بالطبع بر قیمت قطعات تأثیر می گذارد.
۶	هزینه های مالی برای تفکیک کننده زمین	

۷	هزینه های متقاضی دریافت زمین مسکونی شامل مبالغی که برای خدمات حقوقی و قانونی، ثبت قطعه های زمین مالیات و عوارض می بایست بپردازد.	این هزینه ها با توجه به مراحل قانونی خرید و ثبت زمین متفاوت خواهد بود.
۸	هزینه ناشی از بهره بانکی یا تنخواه که متقاضی جهت خرید زمین دریافت می کنند.	این هزینه ها نیز متأثر از نحوه پرداخت و اخذ بهره وام بانکی است

منبع: لگزبان، ۱۳۸۹، ۳-۴

خرد شدن زمین از طریق ارث

در مورد جلوگیری از خرد شدن اراضی، بر خلاف ایران، که مهمترین عامل خردشدن زمین، قوانین مربوط به ارث است و به همین لحاظ، سالانه ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی به دلیل وجود مقررات موصوف، کوچک و کوچک تر می شود و امکان مکانیزاسیون و فعالیتهای فنی و علمی را غیر عملی می سازد. معذالک در کشورهایی از جمله فرانسه، آلمان و سوئد قوانین مربوط به ارث به گونه ای تدوین شده است که بعد از فوت والدین، زمین در اختیار فرزندان ارشد به ویژه ذکور قرار گرفته، و با سپردن کشت به یکی از فرزندان، سود و عواید آن بین کلیه ورثه تقسیم می شود. یا اینکه با در نظر گرفتن دیگر داراییهای متوفی، طوری تصمیم گرفته می شود که با رضایت وراث زمین به یک نفر و بقیه داراییها به افراد دیگر برسد. و به این ترتیب تمهیداتی اندیشیده می شود تا زمین نیز همانند کارخانه، اتومبیل و دیگر داراییهای اشخاص، قطعه قطعه نشود.

خرید حقوق حفاظت از اراضی کشاورزی (خرید و انتقال حق توسعه)

یکی از تجارب موفق حفاظت از اراضی کشاورزی برنامه خرید حقوق حفاظت از اراضی کشاورزی (خرید و انتقال حق توسعه) است. حفاظت از اراضی کشاورزی اعتبارات انطباقی را برای کمک به خرید حق توسعه می پردازد تا اراضی کشاورزی مولد اعم از زراعی، باغی و چراگاه ها حفظ شوند. حقوق توسعه حقوقی است که مالک زمین کشاورزی می تواند آن را بصورت تغییر کاربری به کاربری های مسکونی تجاری یا صنعتی کسب کند. این حقوق نسبتی از ارزش کل زمین است و از طریق تعیین تفاوت قیمت ارزش عادلانه بازار زمین بدون قید محدودیت انحصاری برای کشاورز و ارزش آن پیش از قید محدودیت انحصاری برای کشاورزی محاسبه می شود.

برنامه خرید حق توسعه خصوصا در آمریکا به کار گرفته شده است. این برنامه تکنیک داوطلبانه و یا اجباری به مالکان زمینهای کشاورزی هزینه پرداخت می کند که به طور دائم توسعه اراضی و تغییر کاربری آنها را محدود کند. برای نمونه اگر قیمت یک هکتار زمین در صورت فروش برای کاربری مسکونی ۵۰ میلیون تومان می باشد ولی در صورت محدود کردن زمین به کشاورزی قیمت آن ۲۰ میلیون تومان شود حقوق توسعه این زمین ۳۰ میلیون تومان خواهد بود. این برنامه دارایی های منقول را اغلب در اختیار کشاورزان قرار میدهد که از نظر زمین غنی هستند، اما نقدینگی پایینی دارند (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۳: ۲۸).

علاوه بر خرید حق توسعه، انتقال حق توسعه نیز برای حفاظت دائم از اراضی کشاورزی استفاده می شود. با استفاده از رویکرد انتقال حقوق توسعه، مالکان سرزمین های طبیعی حساس، مزارع و همچنین مناطق تاریخی و مهم میتوانند از طریق فروش حقوق

توسعه قابل انتقال {TDR} هزینه زیان خود را دریافت کرده و در مقابل، داوطلبانه به توسعه دارایی خود در آینده بپردازد. در این رویکرد به مالکین اجازه داده میشود که حق توسعه را از قطعه مشخصی از املاکشان جدا کرده و به فروش برسانند. خریداران معمولاً دیگر مالکان هستند که می خواهند تراکم زمین هایشان را افزایش دهند. علاوه بر این حکومت های محلی ممکن است برای کنترل کیفیت و قیمت برنامه ریزی رشد هوشمند یا برای ایجاد محدودیت رشد اقدام به خرید حق توسعه نماید. (۲۰۰۵)



به اراضی واقع در مناطق دارای اهمیت و ارزشهای ویژه، منطقه ارسال و به اراضی که توسط مازاد بر حق پایه در آنجا مجاز دانسته شده یا تشویق می شود، منطقه دریافت گفته می شود. مناطق ارسال (حفاظت) اهداف برنامه ریزی بوده که برای تحقق نیاز به ممنوعیت ساخت خارج از استفاده تعیین شده طرح تفصیلی و برنامه انتقال حقوق توسعه و کل حقوق مالکیت به منطقه ای دیگر دارند. از مناطق ارسال به عنوان پهنه های مبادی انتقال حقوق توسعه نیز یاد می شود و شامل خدمات عمومی مورد نیاز از قبیل پارک و فضای سبز عمومی، خدمات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، ورزشی و سایر خدمات لازم و نیز شبکه ارتباطی پیشنهادی است که می بایست حقوق مالکیت آنها انتقال یابد (داداش پور، ۱۳۹۰: ۱۶ خلاصه). همچنین پهنه های حفاظتی از قبیل حفاظت از اراضی کشاورزی باغات و حرایم سبز نیز در این دسته قرار دارند که صرفاً لازم است حق توسعه املاک، خریداری و منتقل شود و نیازی به انتقال حقوق مالکیت ندارد (Kelly, ۲۰۰۶).

(ford) این رویکرد دارای کاربردهای متفاوت از جمله حفاظت از محیط عمومی، حفاظت از محیطهای خاص، حفاظت از زمینهای کشاورزی، ترکیبی از حفظ محیط و زمینهای کشاورزی، حفاظت از چشم اندازهای روستایی، حفاظت از مناطق تاریخی، طراحی و بازآفرینی شهری می باشد. (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۱) مطابق این رویکرد مالکان زمین دارای مجموعه ای از حقوق، شامل حق استفاده، حق واگذاری و حق توسعه ملک خود می باشند. به هر کدام از این حقوق به عنوان یک عنصر جداگانه نگریسته می شود که می تواند از ملک جدا شده، به عنوان یک کالا فروخته شوند. ایده اصلی آن عبارت است جدا کردن حق توسعه زمینی که دارای اهمیت کشاورزی، فضای باز و یا ارزش های تاریخی و اکولوژیکی است و قابل فروش دانستن آن به مالکان یا سازندگانی که در مناطق قابل توسعه، تمایل به ساخت و سرمایه گذاری دارند. به عبارت دیگر حقوق توسعه از اراضی کشاورزی منفک شده و به اراضی موجود در مناطق قابل توسعه منتقل می شود.

جدول ۱- خلاصه سیاستهای کشورهای مختلف در حفاظت از اراضی کشاورزی

ردیف	کشور	سیاست
۱	ایالت اورگان آمریکا	منطقه بندی اراضی منحصراً برای کشاورزی
۲	استرالیا	دستور اجباری حفاظت از خاک
۳	هند	از فرد متخلف در تغییر کاربری اراضی کشور جرایم سنگین دریافت می شود
۴	هند	صدرو اختطاریه برای زمینی که بیش از یکسال از آخرین کشت آن می گذرد
۵	بسیاری از کشورهای توسعه یافته	رهیافت پرداخت برای خدمات محیط زیستی
۶	آمریکا	برنامه خرید حق توسعه
۷		روش بخش های کشاورزی) مشوقهای مالیاتی، تسهیم هزینه عملیات کشاورزی و ...)
۸	کشور چین	برنامه تقویت و ساماندهی بازارهای اجاره و خرید و فروش زمین
۹	فرانسه، آلمان و سوئد	قوانین مربوط به ارث و تمهیداتی اندیشیده می شود تا زمین نیز همانند کارخانه، اتومبیل و دیگر داراییهای اشخاص، قطعه قطعه نشود.
۱۰	آمریکا	توسعه تراست منطقه ای اراضی کشاورزی
۱۱	بیشتر کشورهایی با درآمد متوسط و کم	ایجاد فرایند طولانی و هزینهبر دریافت مجوز تغییر کاربری کشاورزی به مسکونی
۱۲	اندونزی	سیاستهای خرید زمین و سیستم مالیات بر زمین

۱۳	کوبا	تغییر قوانین اصلاح الگوی مالکیت زمین
۱۴	کشورهای اروپای شرقی	، دولتها مقدار متناسبی زمین در حوالی شهرها تصرف می کنند تا با ایجاد برخی کاربریها، تعادل این سکونتگاهها را تضمین کنند
۱۵	انگلیس	طبقه بندی اراضی کشاورزی

۱۱-۲- برنامه تغییر هدفمند کاربری اراضی

این رویکرد بیان می کند که نهادهای متولی و دستگاههای اجرایی در استفاده از اراضی کشاورزی و تغییر کاربری آن به سایر کاربریها چه در محدوده شهر و چه در خارج از آن باید با محدودیتهای جدی مواجه شوند و سیاستهای ویژه ای در خصوص اراضی کشاورزی مرغوب و بکر تدوین نمایند. محققان بر این عقیده هستند که رشد شهری، صنعتی و سکونتگاهی باید به خارج از مناطق مهم کشاورزی هدایت شود تا فشار بر باقیمانده اراضی کشاورزی کاهش یابد.

کروشنلیکی و بل (۱۹۸۹) بانکهای زمین کشاورزی تحت مدیریت بخش عمومی را برای تامین حفاظت فوری از مناطق مهم و کم-نظیر، پیشنهاد کردهاند. همچنین ایشان اظهار داشته است که در بلندمدت راهبردهای جدید باید شامل سیاستهای استانی یا ملی باشد که رشد شهری، صنعتی و سکونتگاهی را به خارج از مناطق مهم کشاورزی هدایت می کند تا فشار بر اراضی باقیمانده کشاورزی کاهش یابد.

های متعدد بعدی موفقیت چندانی در حفاظت از اراضی کشاورزی ایجاد نشده است و هر از گاهی تغییرات فاحشی در الگوی بهره برداری از اراضی مرغوب حاشیه شهرها و تبدیل به کاربری ناپایا و مخرب محیط زیست اتفاق می افتد. از دلایل مهم این موضوع کم بازدهی فعالیت در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر فعالیتهای شهری، تبعیض آشکار در برخورد قانون در اراضی کشاورزی و روستایی و تفاوت چشمگیر سود اقتصادی بین این دو کاربری عملاً شرایط را به ضرر پایداری حفاظت از اراضی سوق داده است. به طور کلی تجربه بیست ساله اجرای قانون نشان می دهد که روشهای بازدارنده و مجازاتها جوابگو نبوده و نتوانسته به

در کشور انگلیس که در بازارهای جهانی حضور دارد و برای واردات مواد غذایی محدودیت و نگرانی ندارد، رویکرد دولت صراحتاً حفظ اراضی کشاورزی مرغوب با هدف تأمین مطمئن محصولات آینده انگلیس در زمینه مصارف غذایی و غیرغذایی اعلام شده است. اهمیت حفظ اراضی در حدی است که تعیین کاربری اراضی در نظام برنامه ریزی مبتنی بر طبقه بندی اراضی کشاورزی در این کشور است. در نتیجه کاربریهای صنعتی و خدماتی تنها در اراضی نامناسب برای کشاورزی تعریف می شود. در این کشور شهروندان همیشه باید پیش از شروع عملیات مدنظر خود موضوع را با نهاد برنامه ریزی محلی مربوطه چک کنند و در غیر این صورت با خطر توقف فعالیتهای جدید یا تخریب ساختمانهای جدید روبرو خواهند بود. این در حالی است که در ایران اغلب به منظور کسب درآمد، متخلف را جریمه و سپس مجوز صادر میشود (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۳: ۴۷).

در ایران عملکرد اجرای قانون نشان می دهد که علی رغم سابقه بیست ساله تدوین قانون از سال ۱۳۷۴ و اصلاحیه-

طور صحیح تغییرات کاربری زمین را هدایت نماید. بنابراین در کشور در حال حاضر ابزار و سازوکاری که بتواند به طور نظاممند تغییر کاربری زمین را مدیریت نماید وجود ندارد و از این ناحیه کشور به شدت دچار کاستی های جدی است .

علاوه بر ناکارآمدی روشهای بازدارنده برخی عوامل نیز ایجاب می کند تا به صورت جدی نسبت به مدیریت هدفمند تغییر کاربری اراضی اقدام نموده و برنامه ریزی و سیاستهای مشخص در این خصوص اتخاذ گردد .

از جمله سایر عوامل می توان به نیاز به احداث و توسعه شهرکهای صنعتی و به طور کلی اجرای طرح ها و برنامه



فرهنگی در جایگاه مناسب قرار دارد. این امر نشان دهنده عدم تعادل و ناهماهنگی بین کاربریهای شهری و عدم دقت نظر کافی برنامه ریزان شهری می باشد.

علاوه بر این موارد اگر نظامهای کشاورزی نتوانند به موقع نیاز روزافزون شهروندان به تفریح در حومه شهر را به رسمیت شناخته و با همکاری نهادهای مرتبط این تهدید را به فرصت تبدیل کند تغییر اراضی کشاورزی بیش از پیش به وقوع خواهد پیوست. باید راهکاری اندیشید که از طریق تنوعبخشی مزرعه و توسعه گردشگری پایدار کشاورزی و تأمین نیاز مداوم به فضاهای ایمن و تفریحی در خارج از شهر به صورت مدیریت شده انجام گیرد (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۹۳: ۴۵).

لذا با توجه به مطالب بیان شده و وضعیت فعلی کشور و نگاه به قابلیت‌های درونی، تدوین سند جامع مدیریت اراضی کشور با رویکرد تغییر کاربری مجاز و نظاممند پیشنهاد می گردد.

۱۲- سند جامع تغییر نظاممند کاربری اراضی کشاورزی

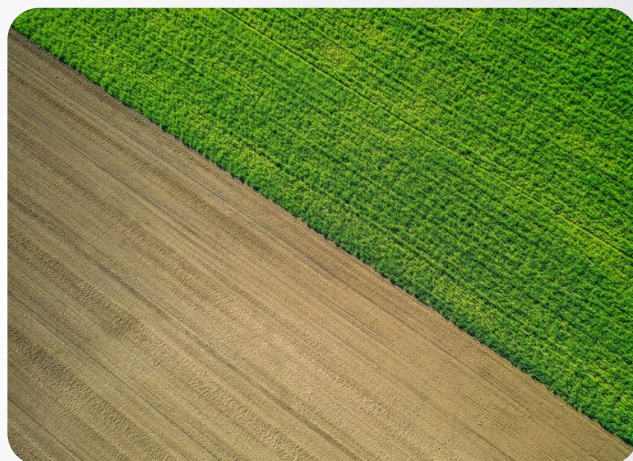
این سند راهبردهای کلیدی را تلفیق میکند تا یکپارچگی ذخایر اراضی کشاورزی را حفظ کند و جوامع و سکونتگاه‌های منظم را ایجاد کند. این برنامه رشد شهری را به خارج از اراضی کشاورزی سوق میدهد و شهرداریها و سایر نهادهای متولی میتوانند با اجرای این برنامه رشد شهری را به نواحی مناسب هدایت و کیفیت زندگی را در محیط زیست ساخته شده ارتقا دهند و از طرفی یکپارچگی اراضی کشاورزی و زراعی را حفظ نمایند.

علاوه بر این موارد، این سند با منطقه بندی اراضی کشاورزی و محدود کردن توسعه غیر کشاورزی و کاربریهای غیر کشاورزی در نواحی و مناطق تعیین شده، از تغییر کاربری در سایر مناطق جلوگیری و بدینسان از اراضی کشاورزی مرغوب حفاظت مینماید. در نهایت اینکه با تدوین این سند نیاز رشد جمعیت و توسعه شهرکهای صنعتی و همچنین تقاضای جمعیت روزافزون شهرنشین به ویژه در کلانشهرها برای تفریح در حومه شهر از طریق توسعه گردشگری پایدار فراهم آید.

۱۳- از مهمترین عامل زمین‌ساز و شکل دهنده فساد با هدف تغییر کاربری اراضی کشاورزی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- ▶ بورس بازی و سوداگری زمین با محوریت برخی دفاتر مشاور املاک و مستغلات و سوداگران سازما نیافته و بعضاً نهادهای مدیریت محلی.
- ▶ ضعف قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها - مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ با اصلاحات بعدی در مواردی از جمله:
- ▶ عدم شفافیت کافی و فراهم بودن برخورد سلیق های در فرایند بررسی

های توسعه بخش های غیرکشاورزی اشاره نمود که خود از تهدیدهای تغییر کاربری اراضی کشاورزی است. در بسیاری از کشورهای صنعتی، اراضی کشاورزی تحت سیاستهای حفاظتی مرغوب خاص قرار می گیرند. این در حالی است که در ایران اراضی آبی و مرغوب در اثر سیاستهای اشتباه و یکجانبه گرایانه توسعه شهری و صنعتی از بین رفته اند. در حال حاضر تصریح قانونی برای هدایت سیاستهای توسعه شهری و صنعتی در راستای حفظ اراضی مرغوب کشاورزی وجود ندارد (به استثنای اشاره به طرح جامع در ماده ۱۲ قانون تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تبصره ۲ قانون حفظ کاربری مصوب ۱۳۷۴ که وزارت مسکن و شهرسازی را مکلف کرده است جهات توسعه شهرها و شهرک ها را حتی المقدور در خارج از اراضی زارعی و باغات طراحی و از اراضی غیرزارعی و غیرقابل کشاورزی استفاده کند و تغییر کاربری اراضی و باغهای موجود داخل محدوده قانونی شهرها را به حداقل ممکن برسانند) و قوانین بخشی نیز اصولاً چنین



امری را مدنظر قرار نداده اند، ولی ضمانت اجرایی خاصی در این زمینه اندیشیده نشده است و حالت کلی و غیرقابل ارزیابی دارد.

همچنین آمار حاکی از آن است که تعداد شهرها طی یک قرن اخیر رشد ۹۱۶ درصدی داشته و از ۱۰۰ مرکز به ۱۰۱۶ مرکز افزایش یافته است و افزایش مهاجرت و نرخ شهر نشینی خود بستر تغییر کاربری را ایجاد می نماید.

خصوصاً آنکه مطالعات حاکی از آن است که با تبدیل روستا به شهر اصولاً دغدغه خاصی نسبت به حفظ کاربری اراضی کشاورزی وجود ندارد و از طرف دیگر نیاز جمعیت شهرنشین به تفریح در مناطق ییلاقی و به تبع آن تغییر کاربری به باغ و ویلا افزایش یافته است. به عنوان مثال تحقیقات حسین زاده دلیر و ملکی (۱۳۸۸) شهر ایلام نشان می دهد که کاربری های فضای سبز، بهداشتی-درمانی، ورزشی و غیره در وضعیت نامناسب و کاربری تجاری، اقامتی، آموزشی و

و صدور مجوزهای تغییر کاربری.

- ▲ - فقدان احکام اثربخش برای حفاظت از اراضی کشاورزی حاصلخیز و مرغوب.
- ▲ - تکیه بر عوارض صدور مجوز تغییر کاربری به عنوان منبع درآمدی برای نهادهای دولتی و غیردولتی.
- ▲ - خلأ قانونی در تعیین ضوابط مناسب برای الحاق اراضی کشاورزی به حریم و محدوده شهرها، شهرکها و روستاها
- ▲ - تصویب قوانین و مقررات موازی و متعارض با قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها - مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۳۱ با اصلاحات بعدی از جمله:
- ▲ - ماده ۴) قانون مجازات استفاده هکنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز - مصوب ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ مبنی بر مجاز شمردن برقراری انشعاب موقت به ساخت وسازه‌های غیر مجاز.

۱۴- چالش‌های اساسی در حفاظت از اراضی کشاورزی

در این بخش برخی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در حفاظت از اراضی کشاورزی بیان می‌شود:

فقدان نظام آماری دقیق برای ارائه آمار قابل استناد مانند آمار تغییر کاربری، واگذاری، تصرف و معاملات معارض و مکرر - یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نظام تصمیم‌گیری در ایران فقدان یا کمبود آمار و

اطلاعات دقیق است که بتوان بر مبنای آن اقدام به اتخاذ تصمیمات دقیق و مستدل کرد. این فقدان آمارهای دقیق در مورد میزان تغییر کاربریها و تصرف زمینها عمومی و نیز گروههای زمینخواری و تغییر کاربری زمین که به صورت سیستماتیک اقدام به زمینخواری می‌کنند به شدت مشکل‌آفرین است

سیستم اطلاع رسانی ضعیف - یکی از بهترین روشهای مقابله با مشکل تغییر کاربری بهره‌گیری از اطلاعات مردمی و مشارکت آنان در مقابله با این پدیده است که تاکنون ساختار مشخص فعالی برای افزایش مشارکت مردمی و تشویق به اطلاع رسانی در این خصوص در دستگاههای مسئول ایجاد نشده است. علاوه بر این سامانه دقیق و جامعی برای اطلاع رسانی برای خریداران و فروشندگان زمین در زمینه نقشه‌های ثبتی، مالک و عدم وجود سند معارض وجود ندارد. عدم تهیه فهرست گروههای زمینخوار که به صورت باندی و همزمان در چندین منطقه در جهت تغییر غیر قانونی کاربری و تصرف زمینها عمل میکنند نیز از ضعف نظام اطلاع رسانی ریشه میگیرد. به عنوان مثال، برخی گروه - های زمینخوار همزمان و به صورت سازمان یافته در چند منطقه از راههای قانونی اقدام به خرید زمین کرده و پس از ابزار دشوار بودن اجرای کاربری آن، اقدام به تغییر کاربری اولیه آن می‌کنند. در صورتی که اگر یک نظام اطلاع رسانی قوی در این زمینه وجود داشته باشد، شناسایی این اشخاص سازمان یافته و جلوگیری از فعالیت آنها میسر میشود.

عدم تناسب میان شدت مجازات با جرم (عدم تناسب میان جرائم و مجازاتهای پیش بینی شده در حوزه اراضی) - شاهد مثال ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی است که مجازات یک ماه تا یک سال حبس

مقرر کرده است. در نظر این ماده مهم قانونی شخصی که یک صد متر مربع از اراضی دولتی را تصرف کرد با شخصی که یک میلیون متر مربع از آن اراضی را تصرف کرده، مجازات قانونی واحدی دارند.

مشکلات اجرایی - بروز و گسترش زمین خواری و تغییر کاربری پیش از هر چیز، مرتبط با نحوه عملکرد و اجرای قوانین و مقررات اراضی در سطح سازمانهای اجرایی است. این سازمانها شامل ادارت کل منابع طبیعی، ادارات امور اراضی، مسکن و شهر سازی، ثبت اسناد، شهرداری ها و سایر ادارت مرتبط است.

مشکلات قانونی - وجود قوانین و مقررات متعدد اراضی از سالیان دهه نخست ۳۰ تا کنون و عدم تدوین قانون جامع زمین که به آشفتگی و تعدد قوانین و مقررات ناظر بر تملک زمین و زمینداری و آشفتگی در نظام مالکیت زمین در ایران انجامیده است.

عدم جرمانگاری سوء استفاده اطلاعاتی در جهت زمینخواری و تغییر کاربری زمین - در خصوص استفاده از رانت اطلاعاتی در جهت زمینخواری هنوز خلأ قانونی وجود دارد. بدین ترتیب که اشخاصی که پیش از اعلام عمومی و اطلاع همگانی، به انواع رانتهای اطلاعاتی مانند آگاهی از برنامه تغییر کاربریهای عمومی (مانند احداث راهها، طرحهای ایجاد یا توسعه شهرهای جدید اعم از مسکونی یا صنعتی) دست مییابند، اقدام به خرید اراضی مجاور که به ظاهر فاقد مطلوبیت اقتصادی هستند می‌کنند و در فاصله زمانی کوتاهی با اعلام عمومی طرحها و سپس اجرای آنها، ارزش افزوده بسیار زیاد به دست می‌آورند. طبیعتاً این دارا شدن نا عادلانه به ضرر مالکین قبلی و به بهای کاهش منافع و داراییهای عمومی صورت می‌گیرد. در اینجاینها و بر طبق قوانین جاری کشور تخلفی صورت نگرفته است و فقط شخص یا اشخاصی با استفاده از اطلاعاتی که عموماً در اختیار نهادهای دولتی است، فروش و خرید و استفاده از این دست اطلاعات در نظام حقوقی ایران جرمانگاری نشده است و همین خلأ قانونی یکی از بهترین زمینههای اقدام به زمینخواری و در نتیجه تغییر کاربری اراضی در کشور است (پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸۷: ۲۵)

۱۵- پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به بررسی صورت گرفته راهکارهایی که میتوان از آنها در جهت از بین بردن و کاهش زمینهای فسادزا در موضوع تغییر کاربری اراضی کشاورزی بهره گرفت، به شرح زیر است:

- ۱- بررسی و صدور مجوز درخواستهای تغییر کاربری صرفاً از طریق سامانه پنجره واحد مدیریت زمین (وزارت جهاد کشاورزی با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات).
- ۲- فراهم کردن دسترسی سازمانهای مردم نهاد حامی اراضی کشاورزی و محیط زیست و نیز نهادهای نظارتی به سامانه پنجره واحد مدیریت زمین با هدف تحقق نظارت عمومی و شفافیت (وزارت جهاد کشاورزی با همکاری واجا).
- ۳- تعیین سازوکاری مناسب برای حمایتهای مالی و قضایی مکفی از کارکنان دستگاههای نظارتی به ویژه مأموران جهاد کشاورزی در برخورد با مرتکبان امر تغییر کاربری غیر مجاز (قوه قضائیه با همکاری وزارت جهاد کشاورزی).
- ۴- حذف زمینه تصمیمگیری سلیقهای و ابتنای تصمیمگیری برای تغییر کاربری براساس درجهبندی اراضی (از طریق اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغیها- مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۳۱ با اصلاحات بعدی).
- ۵- اصلاح مواد (۱) و (۴) قانون مجازات استفاده کنندگان غیر مجاز آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز و جرم انگاری برای نهادهای دولتی و غیر دولتی صادر کننده انشعاب به ساخت و سازهای غیر مجاز در اراضی کشاورزی.
- ۶- اتخاذ تدابیر مناسب برای رفع هرگونه زمینه سوء استفاده از قدرت و اختیارات توسط شورای اسلامی شهرها و روستاها، شهرداریها، بخشداریها و دهیارها در تسهیل امر تغییر کاربریهای غیر مجاز اراضی کشاورزی (وزارت کشور).
- ۷- تدوین ضوابط روشن و مناسب برای الحاق اراضی کشاورزی به محدوده شهرها و روستاها با رویکرد حفاظت حداکثر از اراضی حاصلخیز کشاورزی و هدایت جهت توسعه روستاها و شهرها به سمت اراضی غیر حاصلخیز (وزارت جهاد کشاورزی با همکاری وزارتین کشور و راه و شهرسازی و ارائه آن به هیئت وزیران جهت تصویب و تقدیم نهایی به مجلس شورای اسلامی).
- ۸- علامتگذاری و تعیین حدود اربعه ساخت و سازهای غیر مجاز در کانونهای بحرانی تغییر کاربری کشور و نصب اخطار در محل مبنی بر قلع و قمع هرگونه ساخت و ساز جدید و اقدام برای اجرای قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها درخصوص واحدهای غیر مجاز مربوطه (وزارت جهاد کشاورزی با همکاری وزارت کشور).
- ۹- جرم انگاری دریافت هرگونه وجه یا بخشی از زمین به عنوان عوارض، هبه یا تحت هر عنوان دیگر در موافقت با الحاق اراضی به داخل محدوده شهرها و روستاها (از طریق اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها).
- ۱۰- ساماندهی مالیاتهای حوزه املاک مشتمل بر مالیات بر خانههای خالی و دوم، اراضی کشاورزی بایر، عایدی سرمایه و املاک مسکونی گران قیمت (از جمله از طریق اصلاح ماده (۵۴) مکرر) قانون مالیاتهای مستقیم.
- ۱۱- ایجاد محدودیت برای نقل و انتقال اراضی زیر حد نصاب فنی و اقتصادی و هرگونه معاملهای که نتیجه آن کاهش وسعت زمین به زیر حد نصاب مذکور شود (از طریق اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها).

نتیجه گیری

در ایران ناتوانی طرح های شهری، ضعف مدیریت شهری در کنترل بازار زمین، گرایش مالکان به تغییر کاربری اراضی کشاورزی به دلیل ارزش افزوده ایجاد شده، سبب تخریب اراضی کشاورزی که مهمترین عنصر محیط طبیعی شهرها هستند شده است. این روند تخریب در سالهای اخیر افزایش یافته و بیش از پیش سبب از بین رفتن اراضی مذکور شده است. علاوه بر این با تغییر کاربری زمین کشاورزی به سایر کاربریها مانند تجاری، مسکونی، صنعتی و غیره بسیاری از خدمات محیط زیستی نظامهای کشاورزی مانند تولید اکسیژن و ... دیگر عرضه نمیشود.

لذا باید سیاستهای ویژه ای در خصوص اراضی کشاورزی مرغوب و بکر تدوین شود.

در کشورهای موفق از نظر حفظ کاربری اراضی ما به التفاوت ارزش اراضی با کاربری کشاورزی به غیر کشاورزی به عنوان حق توسعه به کشاورز پرداخت می شود و حق تغییر کاربری از این طریق خریداری یا منتقل می شود و از تغییر کاربری جلوگیری میشود ولی در ایران به صورت کاملاً بر عکس طبق قانون کاربری حفظ اراضی زراعی (۱۳۷۴) ۸۰ درصد این ما به التفاوت از فردی که می خواهد تغییر کاربری دهد به عنوان عوارض دریافت و این خود سبب رقابت بین دستگاهها جهت جذب منافع حاصل از تغییر کاربری و در نتیجه تشدید آن می شود. به طور کلی تداوم تغییر کاربری در دهه های اخیر حاکی از عدم توفیق قوانین مربوطه است.

این مقاله با بررسی قوانین کشور و برخی چالشهای حفاظت از اراضی کشاورزی و با اتکا به بررسی و بهره گیری از تجارب موفق جهانی در صدد ارائه راهکار جامع حفاظت از اراضی کشاورزی پرداخت. با توجه به اینکه بررسیها نشان می دهد که

روشهای بازدارنده و مجازاتها به تنهایی جوابگو نبوده و نتوانسته به طور صحیح تغییرات کاربری زمین را هدایت نماید، بنابراین ابزار و سازوکاری که در کنار روشهای بازدارنده، بتواند به طور نظاممند تغییر کاربری زمین را مدیریت نماید، الزامی است.

پیشنهادهای پژوهشی :

در ایران امروزه به دلیل ضعف مدیریتی و ضعف قوانین و به دلیل سود بیشتر سودجویان باعث تخریب اراضی کشاورزی می شود باتوجه به موارد بحث شده و اهمیت زمین کشاورزی علاوه بر پیشنهادهای ذکر شده در این مقاله باتوجه به اینکه رویه دستگاه قضایی به برخی موارد را اعمال نمیکند .

با استناد به پیشنهادهایی که در این مقاله شده (پیشنهادهای موارد سرتیتر ۱۶ و پیشنهادهای در نتیجه گیری) می توان بازنگری در قانون و نظرات اداره کل حقوقی قوه قضاییه بتوان این ضعف ها رو برطرف کرد .

لذا این پژوهش تدوین سند جامع مدیریت اراضی کشاورزی با رویکرد تغییر کاربری بصورت هدفمند و نظامیافته را پیشنهاد نموده است. همزمان با تدوین این سند لازم است روشهای بازدارنده نیز اتخاذ گردد که به شرح زیر می باشد.

- ▶ تجمیع، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات زمین در قابل یک قانون جامع زمین .
- ▶ محدود کردن واگذاری اراضی و دقت در فرآیند اجرایی و نظارتی و فنی واگذاری اراضی دولتی به اشخاص خصوصی و عمومی .
- ▶ ایجاد تناسب میان جرائم ارتكابی و مجازاتهای پیش بینی شده .
- ▶ تقویت بانک اطلاعاتی
- ▶ حذف اتکای اجرای قانون به منابع مالی ناشی از عوارض تغییر کاربری
- ▶ صدور اخطار به مالکانی که بدون توجه بیش از یکسال از آخرین کشت زمین آنها می گذرد و التزام به کشت
- ▶ اختصاص بخشی از درامد جریمه تخلفات تغییر کاربری اراضی به نهادهای عمومی محلی مانند دهیاری و شهرداری در راستای ارتقای انگیزه آنان در گزارش و جلوگیری از تخلفات
- ▶ توسعه ائتلاف و تشکلهای منطقه ای اراضی کشاورزی به منظور ۱- خرید اراضی کشاورزی و اجاره بلند مدت آنها به کشاورزان بهره مند و علاقه مند ۲- خرید اراضی کشاورزی و کاهش ارزش بازاری آن از طریق خرید و ثبت در حقوق حفاظت از اراضی کشاورزی ۳- آموزش عموم مردم
- ▶ تشکیل دادگاههای تخصصی زمین با حضور قضات آشنا به مسائل حقوق اراضی و منابع طبیعی .
- ▶ تشویق آبادگران اراضی کمتر بهره ور: باید برای کسانی که زمینهای بایر را ایر می کنند مشوقهای خاص در نظر گرفت .
- ▶ بهبود بازار خرید و فروش و اجاره اراضی کشاورزی از طریق راه اندازی سامانه الکترونیکی مبادلات اراضی کشاورزی با هدف تحقق مدیریت دانش بنیان و بهره ور
- ▶ واگذاری مشروط اراضی (به ویژه در خصوص طرحهای واگذاری اشتغال زایی، دانش آموختگان کشاورزی و همچنین طرحهای صنعتی و ...) در صورتی اراضی به صورت قطعی منتقل شوند که اولاً اراضی صرفاً برای کاربری کشاورزی پیشبینی شده بکار روند ثانیاً حق انتقال به غیر تنها پس از کسب مجوز مرجع واگذاری در اسناد پیشبینی شود. (امری که در سالهای گذشته در خصوص واگذاری ها رعایت نشده و ریشه بسیاری از زمینخواریهاست) .
- ▶ راه انداز نظام پایش و ارزیابی اراضی: با هدف انتشار اطلاعات تغییر کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی
- ▶ عینی کردن هزینه های ناشی از تغییر کاربری اراضی کشاورزی از طریق ارزشگذاری کمی خسارتهای اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی تغییر کاربری
- ▶ تشویق سازمانهای متصدی به ارزیابی و پایش ادواری منابع اراضی .
- ▶ بهره گیری از تجربیات سایر کشور ها در زمینه سیاستهای زمینداری
- ▶ پاسخ منطقی به تقاضای جمعیت روزافزون شهرنشین به ویژه در کلانشهرها برای تفریح در حومه شهر از طریق توسعه گردشگری پایدار
- ▶ تعیین ردیف اعتباری مستقل در قوانین بودجه سنواتی برای تامین اعتبارات اجرای قانون حفاظت از اراضی کشاورزی



عکس های شهر باغستان در حد فاصل ده سال ۱۳۸۲-۱۴۰۲
خط قرمز حریم بین شهر و اراضی

با تشکر از دکتر مهدی ملکوتی خواه ، دکتر بهاره وکیلی ، دکتر مهدی مطلبی اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس
سید مسعود حسینی پژوهشگر در زمینه اراضی کشاورزی
مبین رضایی دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

اراضی کشاورزی فقط میراث گذشتگان نیست، امانت آیندگان هم هست

حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در سوریه و حمله متقابل ایران به اسرائیل از منظر حقوق بین الملل

موضوع: حقوق جنگ

چکیده

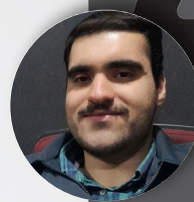
اماکن دیپلماتیک و کنسولی مهم‌ترین وسیله برقراری ارتباطات سیاسی در عرصه بین‌المللی است و حفاظت و مراقبت از اماکن مذکور نشانه حسن نیت کشور میزبان و تداوم تماس دوستانه دو کشور است که بر طبق مواد ۲۲ عهدنامه ۱۹۶۱ و ۳۱ عهدنامه ۱۹۶۳ مصونیت دارند و نباید مورد تعرض و تجاوز کشور میزبان یا سایر کشورهای دیگر قرار گیرد؛ اما رژیم اسرائیل با نادیده گرفتن قوانین و مقررات بین‌المللی آشکار اهداف و اصول منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی و به خصوص حقوق بشر را نادیده گرفته و در ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ به کنسولگری ایران در سوریه حمله نمود که طی آن تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند. به علاوه جمهوری اسلامی ایران با عملیات نظامی و در قالب عمل تلافی جویانه و با توسل به دفاع مشروع در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ اسرائیل را مورد حمله نظامی قرار داد. در این مقاله نویسندگان زمینه تاریخی درگیری ۲ کشور و وجوه سیاسی و حقوقی حملات آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند و در تهیه مقاله مذکور از شیوه کتابخانه‌ای بهره برده‌اند.

کلمات کلیدی: اماکن دیپلماتیک و کنسولی، ارتباطات سیاسی، عهدنامه ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳، عمل تلافی جویانه، دفاع مشروع

مقدمه

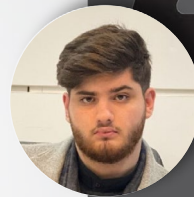
تعریف متجاوز در حقوق بین‌الملل: اصولاً عدم توسل به زور و جنگ در حقوق بین‌الملل به عنوان یک قاعده آمره شناخته شده است و کشورها به هیچ عنوان نمی‌توانند اختلافات پیش آمده خود را به وسیله جنگ فیصله دهند بلکه می‌بایست با اتخاذ روش‌های مسالمت‌آمیز از جنگ و شیوع آن به دیگر نقاط دنیا خودداری ورزند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای فاتح پس از اتخاذ تصمیم نهایی در کنفرانس سانفرانسیسکو، اقدام به تاسیس سازمان ملل متحد و تهیه منشور ملل متحد نمودند تا زین پس هیچ بهانه و دست‌آویزی برای کشورهای شروع‌کننده جنگ وجود نداشته باشد و منشور ملل متحد که به نوعی سند بین‌المللی اتفاق نظر کشورها در جهت ایجاد جهانی منظم و پایدار برای برقراری روابط بین‌الملل بر مبنای صلح و همگرایی سیاسی حداکثری می‌باشد، این امکان را از کشورهای جنگ طلب سلب کرده باشد.

بنده ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد در توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات بین‌المللی، امکان جنگ را گرفته و پیش روی طرف‌های اختلاف ۲ راه



محمد صالح عالمی

دانشجوی کارشناسی حقوق
دانشگاه تهران



امیررضا نیک منش

دانشجوی کارشناسی حقوق
دانشگاه تهران

منابع

کتاب‌ها

۱- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۴۰۰، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران،

نشر گنج دانش، صفحات ۳۸۸ تا ۳۹۶

۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۴۰۰، حقوق جنگ، تهران، نشر

دانشگاه علامه طباطبائی.

۳- ذوالعین، پرویز، ۱۴۰۰، آداب و تشریفات دیپلماتیک، تهران، نشر

میزان.

۴- موسی زاده، رضا، علی اکبر ملکی و احمد آذر پندار، ۱۳۹۹،

بایسته‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تهران، نشر میزان.

۵- شریفی طراز کوهی، حسین، ۱۳۹۵، حقوق بین‌الملل بشر

دوستانه، تهران، نشر میزان.

مقالات

۶- طباطبائی، سید احمد و داوود مجیبی انجندانی، ۱۳۹۳، حقوق

بین‌الملل و تشکیل کشور مستقل فلسطینی، فصلنامه پژوهش‌های

روابط بین‌الملل.

قوانین

۷- قانون اساسی، مصوب ۵۱۳۵/۸/۲۴. ش با اصلاحات ۵۱۳۶/۵/۶.

ش، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۵. ش، وبسایت مرکز

پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.

۸- منشور ملل متحد، مصوب ۱۹۴۵/۶/۲۴ م، بازیابی شده در تاریخ

۱۴۰۳/۲/۱۵. ش، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.

سیاسی و حقوقی را رفع اختلافات پیشنهاد می کند که اولی را در فصل ششم مطرح می کند و چنانچه قضیه حاد باشد، دومی را در فصل هفتم قرار داده تا جنگ را برای همیشه محدود و ممنوع نماید. (بند ۴ ماده ۲، منشور ملل متحد: ۱۹۴۵. م)

اما همیشه و همه جا ثابت شده است که رعایت حقوق برای برخی، ضرری عظیم در پی دارد و نفع آنان را نادیده می گیرد و نقض حقوق برای اینان خود نوعی حقوق است.

از زمان صدور اعلامیه بالفور و کوچ یهودیان به فلسطین و کرانه باختری و اشغال سرزمین های مردم مظلوم فلسطین که با سیاست های یهودی طلبی انگلستان همراه بوده است و حمایت های بی چون و چرای دولت مردان انگلیسی، شعله جنگ و آتش کینه در سرزمین زیتون برپا شده است و تا به امروز راه حل های بشر دوستانه نیز موفق به حل اختلافات عمیق اسرائیل و فلسطین نشده است.

با توجه به ماده ۲ قطع نامه تعریف تجاوز که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تهیه و تدوین شده و در راستای برقراری صلح و امنیت بین المللی که مهم ترین هدف سازمان ملل متحد است، نگاشته شده است مقرر داشته هرگونه حمله به خاک سرزمین کشور دیگر و حمله به نیروهای مسلح آن کشور و... به معنای اعلام جنگ است و کشور متهاجم ناقض منشور ملل متحد است و پاسخی که کشور دیگر در جهات دفاع از خود (دفاع مشروع) صورت می دهد، باید با رعایت ۲ شرط وجود حمله مسلحانه و در نظر گرفتن ضرورت و تناسب برای دفع حملات متجاوز انجام شود؛ اقدامی که فلسطینیان برای حفاظت از خود در مقابل حملات بی رحمانه و غیر انسانی رژیم کودک کش اسرائیل انجام می دهد.

اسرائیل با حمایت همه جانبه آمریکا و کشورهای غربی آغازگر جنگ بوده است و پشتیبانی از اقدامات بی شرمانه اسرائیل

مراجع را فراهم آورند و ضمنا به دلیل کمی منابع موجود در زمینه تحقیق مزبور به جهت تازگی و پویایی موضوع تحقیق، نویسندگان مقاله از روش کتابخانه ای بیش از سایر روش ها بهره جستند.

در حال حاضر رویایی نظامی ایران و اسرائیل از زمان پیروزی جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ و عدم پایبندی به قرارداد کمپ دیوید (Camp David Accroad) که در زمان حکومت پهلوی با اسرائیل منعقد شده است و تلاش انور سادات ریاست جمهوری مصر در جهت عادی سازی روابط سیاسی با اسرائیل صورت گرفته است و شاه ایران نیز به آن پایبند بوده است. سیاست جمهوری اسلامی همواره کوشش در جهت ایجاد صلحی پایدار در جهان و کمک به مظلومان عالم بوده است. اما درگیری نظامی بین ایران و اسرائیل اجتناب ناپذیر است و نمی توان از برخوردهای نظامی این دو چشم پوشید.

در اوایل انقلاب اسلامی، کمک سیاسی - اقتصادی ایران به حماس که سرکردگی آن را یاسر عرفات که ریاست نهضت آزادی بخش فلسطین بود آغاز شده و تا امروز نیز ادامه دارد.



علیه بشریت شده است و با حمایت از گروه های فلسطینی و حماس آرزوی آمریکا و کشورهای اروپایی را به حسرت بدل کرده است.

روش تحقیق

نگارندگان را در مقاله حاضر سعی بر این بوده است تا مخاطبان محترم را با چگونگی دفاع مشروع در مقابله با حمله نامشروع یا متجاوزانه آشنا سازند و متجاوز مطابق با مفاهیم و آموزه های حقوق بین الملل کیست و کشوری که که مورد تجاوز مسلحانه کشور متجاوز قرار گرفته باشد با استفاده از چه ابزاری می تواند از خود دفاع نماید.

در جمع آوری و گردآوری مقاله از روش کتابخانه ای بهره برده شده است تا ضمن سهولت دسترسی خوانندگان مقاله با منابع و مراجع مستفاد در مقاله مذکور، زمینه آشنایی ایشان با منابع و

توسط آمریکا و کشورهای غربی در صحن مجمع عمومی انجام نمی پذیرد تا صورتی ناخوش داشته باشد و این کشورها را ضد حقوق بشر نشان دهد، بلکه راهبردهای علمی سیاست آمریکا و کشورهای اروپای غربی نشان داده که نه تنها به دنبال حل مخاصمات اسرائیل و فلسطین نیستند بلکه افزایش تنش در منطقه کرانه باختری، منافع سیاسی آنها را بهتر تامین می نماید و ماکیاولیسم اروپایی - آمریکایی را در عمل بهتر نشان می دهد.

در این راستا جمهوری اسلامی ایران با سرمنشا قرار دادن قانون اساسی و اصول حقوقی - سیاسی که در میثاق قانونی خود آمده است، حمایت از مستضعفان جهان را وظیفه شرعی و انسانی خود دانسته و از مظلومان در برابر مستکبران در هر نقطه ای جهان پشتیبانی می کند و سیاست استکبارستیزی خود را به طور مفصل در اصل ۱۵۲ قانون اساسی معرفی می نماید (اصل ۱۵۲، قانون اساسی: ۱۳۵۸. ش).

با این تفاسیر، جمهوری اسلامی ایران با همگاری نظامی خود با گروه های فلسطینی و حماس اجازه پیشروی و هتاک به اسرائیل را نداده است و مانع از نسل کشی وحشیانه و جنایات

تخریب شد. این حمله که توسط نیروی هوایی اسرائیل انجام شده است. هرچند اخبار رسمی در مورد عامل حمله هوایی منتشر نشده است اما حسین اکبری، سفیر ایران در سوریه، مدعی شد که ساختمان کنسولگری واقع در مجاورت سفارت ایران «باشش موشک از هواپیماهای جنگی اف-۳۵ اسرائیل هدف قرار گرفته است».

هدف اصلی این حمله سرتیپ محمدرضا زاهدی، فرمانده نیروی قدس سپاه بود. ساعتی بعد سپاه پاسداران شهادت هفت تن از مستشاران نظامی ایران در سوریه را اعلام کرد که یکی دیگر از آن‌ها سرتیپ محمدهادی حاجی‌رحیمی بود.

ابتدائاً باید یادآور شد که احترام به اماکن کنسولی و دیپلماتیک یکی از مهم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل است که به ترتیب در مواد ۲۲ عهدنامه روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ و ۳۱ عهدنامه وین روابط کنسولی وین بر آنها تأکید شده است. هرچند میزان مصونیت اماکن دیپلماتیک در مقایسه با اماکن کنسولی بیشتر است اما در هر حال هر دوی آنها در برابر حملات و تعرض فیزیکی مصونیت دارند. در حال حاضر، ۱۹۳ دولت عضو عهدنامه ۱۹۶۱ و ۱۸۲ دولت از جمله ایران و اسرائیل عضو عهدنامه ۱۹۶۳ هستند.

ابتدائاً باید متذکر شد که اسرائیل متجاوز است و طبق ماده ۲ و ۳ قطعنامه تعریف تجاوز، اولاً به خاک سوریه تجاوز کرده است و سپس کنسولگری ایران

آغازگر جنگ باشد و هرگونه سرزنش حقوق بشری را در پی نداشته باشد و ۵ قدرت اول نظامی دنیا که عضویت شورای امنیت سازمان ملل را دارند، تنها نظاره‌گر به خاک افتادن و به خون کشیده شدن انسان‌هایی باشد که سهمی از شروع جنگ ندارند و تنها گناه‌شان این است که خواهان حقوق اولیه هر انسانی برای زندگی آرام هستند.

از طرفی اسرائیل برای آنکه توان نیروهای نظامی ایران را نیز در این زمینه کاهش دهد، دست به حملات نظامی و سایبری به جمهوری اسلامی ایران می‌کند تا حمایت نیروهای ایرانی از فلسطین کم رنگ شود و فلسطین چاره‌ای جز تسلیم نداشته باشد، نمونه اخیر آن در موضوع حمله به کنسولگری ایران در سوریه رخ داد که شرح داده می‌شود.

حمله هوایی اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق در ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ (۱ آوریل ۲۰۲۴ میلادی) روی داد. طی این حمله هوایی به ساختمان ضمیمه کنسولگری در مجاورت سفارت ایران در سوریه، ۱۴ تن کشته شدند که سرتیپ محمدرضا زاهدی، از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران یکی از شهیدان این حمله بود.

در عصر روز دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۳، ساختمان ضمیمه کنسولگری ایران در مجاورت سفارت‌خانه ایران در دمشق، هدف حمله هوایی قرار گرفت و

علاوه بر کمک‌های سیاسی - اقتصادی، کمک‌های نظامی جمهوری اسلامی برای پیروزی حق علیه باطل و شکست ظالمان در برابر مظلومان که از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، به غزه ارسال می‌شود تا جلوی پیشروی هتاکانه نیروهای اسرائیلی به فلسطین گرفته شود و این عمل با رضایت فلسطین صورت می‌گیرد و نیروهای ایرانی از هرگونه مسئولیت بین‌المللی مبرا می‌شوند و وصف متخلفانه عملیات نظامی آنان در خاک غزه زایل می‌شود و دولت غاصب اسرائیل در این زمینه نمی‌تواند شکایتی علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نماید.

رژیم جعلی اسرائیل همواره در تلاش است تا از راه‌های خشونت طلبانه و جنگ ستیزانه به اهداف شوم خود در کرانه باختری برسد و در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده است؛ نمونه بسیار مهم آن را می‌توان در حملات انسان ستیزانه اسرائیل به بیمارستان‌ها و افراد غیرنظامی چون کودکان، زنان بی‌سرپرست، افراد نظامی زخمی شده و آسیب دیده و... صورت می‌پذیرد.

ه توجیه اسرائیل در این زمینه این است که تحریک نیروهای ایرانی و حماس سبب تشدید تنش و حملات نسل زدایانه اسرائیل داشته است که نمایشی سیاسی بیش نیست، از طرفی بهانه‌ای مناسب برای اسرائیل است تا با جریحه‌دار کردن احساسات جهانیان





را در سوریه هدف حملات نظامی خود قرار داده است و مصونیت ماموران کنسولی ایران را در سوریه نقض کرده است که از مصونیت تعرض برخوردار بوده‌اند.

کشور سوریه هیچ رضایتی مبنی بر انجام عملیات نظامی علیه ایران نداشته است و به صورت صریح و ضمنی قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی را با اسرائیل اعلام کرده است و این کشور را از لحاظ سیاسی به رسمیت نمی‌شناسد، چه رسد به آنکه بخواهد از اسرائیل جهت انجام عملیات نظامی علیه ایران درخواستی داشته باشد؛ چرا که اگر اینگونه باشد، مسئولیت سوریه نیز حتمی است و ایران می‌تواند از سوریه به دلیل نقض حقوق کنسولی به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کند که حفاظت از جان آنها را برداشته است.

در نتیجه اسرائیل مرتکب نقض حقوق فراوانی شده و به اصطلاح نقض حقوق اسرائیل مرکب است، چرا که از طرفی حقوق کنسولی را نقض کرده و به این مکان تعرض کرده است و حقوق بشر را هم خدشه‌دار نموده است و حق حیات افراد نظامی و غیر نظامی حاضر در کنسولگری را نادیده گرفته و از میان برده است و قاعده آمره عدم توسل به زور و جنگ را هم به سخره گرفته است و مسئولیت بین‌المللی وی چند برابر است؛ یعنی هم سوریه می‌تواند علیه وی به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت نماید و انتظار پرداخت غرامت داشته باشد و ایران هم می‌تواند چنین شکایتی مطرح نماید و درخواست پرداخت غرامت یا دیگر راه‌های جبران خسارت داشته باشد.

اما جمهوری اسلامی و سوریه طبیعتاً اقدام به طرح دعوا در دیوان علیه اسرائیل نمی‌کنند، چرا که از طرفی معتقدند که رژیم اسرائیل جعلی است و اگر در دیوان طرح دعوا نمایند به منزله شناسایی و به رسمیت شناختن اسرائیل است که خود نوعی نقض قرض محسوب می‌شود.

اما راه دیگری برای تنبیه متجاوز پیش پای سوریه و بالآخر ایران گذاشته شده است و آنکه با توسل به دفاع مشروع و اعمال حمله متقابل در قالب عمل تلافی جویانه پاسخی دندان شکن به اسرائیل دهند و با حربه نظامی متجاوز را تنبیه نمایند؛ چرا که طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری عملاً منتفی است اما پاسخ نظامی از طرفی قدرت نظامی ایران را به رخ اسرائیل می‌کشد و رعب و وحشت در دل اسرائیل ایجاد می‌کند تا دیگر اقدام به حمله به خاک ایران و سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها را نکند و دوماً نشان می‌دهد مواضع سیاسی ایران در خصوص حمله نظامی تغییر نکرده است و به مثابه وسیله‌ای جهت تنبیه متجاوز از آن در راستای حقوق بین‌الملل عرفی برای بهره می‌گیرد و این در حالی است که منشور ملل متحد هرگونه کاربرد زور حتی در جهت پاسخ به زور را ممنوع کرده است ولی حقوق بین‌الملل عرفی آن را می‌پذیرد.

بنابراین بهترین جواب برای حملات وحشیانه به کنسولگری ایران، اعمال حمله نظامی متقابل در قالب عمل تلافی جویانه با توسل به دفاع مشروع است که اقدام جمهوری اسلامی ایران را با توجیه حقوقی بین‌المللی همراه سازد و از حدود موازین عرفی بین‌المللی خارج نسازد.

حمله متقابل ایران به اسرائیل

همان طور که انتظار می‌رفت جمهوری اسلامی باید ۲ اقدام را انجام می‌داد؛ یا اینکه دست به سلاح شده و در قالب دفاع مشروع پاسخی نظامی به اسرائیل دهد یا از اینکه از این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کند و منتظر رای دیوان بماند که مستلزم شناسایی اسرائیل به عنوان کشوری در عرصه بین‌المللی است که دور از اذهان بود و ایران هم بهترین عمل را برگزید و از گزینه نظامی به مثابه وسیله دفاعی استفاده کرد.

حمله ایران به اسرائیل یا عملیات وعده صادق حمله موشکی-پهپادی بود که در نیمه‌شب ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ (۱۳ آوریل ۲۰۲۴)، توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هماهنگی حزب‌الله لبنان علیه اسرائیل و بلندی‌های جولان انجام شد. این حمله با به کارگیری پهپادهای انتحاری، موشک کروز و موشک‌های بالستیک به تلافی حمله هوایی به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت محمدرضا زاهدی از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران انجام شد. نیروهای دفاعی اسرائیل اعلام کردند که در طول عملیات سیر آهنگین تعدادی از پرتابه‌های ایرانی رهگیری و منهدم شده‌اند. این حملات اولین رویارویی مستقیم نظامی بین دو کشور از آغاز جنگ نیابتی ایران و اسرائیل و شروع دور جدیدی از چالش‌ها در منطقه غرب آسیا بود.

روابط سیاسی دوستانه در عرصه بین المللی میان ۲ کشور است و به موجب مواد ۲۲ عهدنامه ۱۹۶۱ و عهد نامه ۱۹۶۳ نباید مورد تعرض و تجاوز و در معنای اخص کلمه حمله نظامی قرار گیرند، اما در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ رژیم اسرائیل با زیرپا گذاشتن تمامی قوانین و مقررات بین المللی و حقوق بشر و حدود و موازین عرفی بین المللی به کنسولگری ایران در سوریه حمله نمود که در طی این حمله وحشیانه تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ در عملیاتی نظامی و در قالب عمل تلافی جویانه و با توسل به دفاع مشروع به اسرائیل پاسخی دندان شکن داد.

چنانچه جمهوری اسلامی ایران از طریق دیوان بین المللی دادگستری اقدام به شکایت از اسرائیل می نمود، ابتدائاً باید اسرائیل را از لحاظ سیاسی مورد شناسایی قرار می داد و سپس علیه آن اقدام به طرح دعوا طبق کنواسوین ژنو می کرد که البته نوعی نقض قرض محسوب می شود؛ چراکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران مورد شناسایی قرار نداده است و آن را کشوری اعلام کرده است که جعلی است و با زور و عامل اجبار به فلسطینیان تحمیل شده است و نه تنها در عرصه سیاست، بلکه در عرصه ورزشی ورزشکاران ایرانی به جهت همدردی با ملت مظلوم فلسطین و همراهی همدلانه با آنان، با ورزشکاران اسرائیلی مسابقه نداده است و آن را غاصب اراضی فلسطین اعلام نموده است.



حمله جمهوری اسلامی ایران شامل حدود ۱۷۰ پهپاد، بیش از ۳۰ موشک کروز و بیش از ۱۲۰ موشک بالستیک بود.

به گفته سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، اهداف اولیه شامل پایگاه هوایی نواتیم که اسرائیل از آنجا به کنسولگری ایران حمله کرد و همچنین مرکز اطلاعاتی در بخش تحت اشغال اسرائیل در جبل الشیخ که اطلاعات را تأمین می کرد، بود. این عملیات به حمله تلافی جویانه علیه حمله اسرائیل به کنسولگری ایران محدود شد. اهداف دیگر شامل پایگاه هوایی رامون در جنوب اسرائیل، تل آویو و دیمونا، که محل استقرار یک تأسیسات هسته ای است بودند. به گزارش خبرگزاری تسنیم و به نقل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تاکتیک مورد استفاده شامل اشباع کردن گنبد آهنین و فلاخن داوود با موج اول صدها پهپاد انتحاری شاهد ۱۳۶ بود تا راه را برای دهها موشک بالستیک در موج دوم باز کند.

با این حملات جمهوری اسلامی ایران نشان داد در قالب قوانین و مقررات بین المللی و در حدود موارد بین المللی برای پاسخ به اسرائیل بهره جسته است تا مانند رژیم اسرائیل به لحاظ حقوق بشری مورد سرزنش و محکومیت سازمان های بین المللی حقوق بشری قرار نگیرد و به قوانین و مقررات مذکور احترام گذاشته باشد و متجاوز قلمداد نگردد که آن هنگام طبیعتاً اسرائیل با توانی بیشتر از قبل و با همکاری و آمریکا و بریتانیا به حمله ایران پاسخ می داد، اما همین که اقدامات ایران در قالب عمل تلافی جویانه و با تکیه بر دفاع مشروع بوده است، آمریکا و بریتانیا را بر آن داشته تا حتی برای حفظ چهره به ظاهر بشر دوستانه و صلح طلب و جنگ گریز از حمله مجدد اسرائیل به ایران حمایت نکنند و اسرائیل را در این زمینه تشویق و ترغیب نمایند تا نه تنها در صحن مجمع عمومی اعتبار بین المللی مناسبی داشته باشند بلکه در شورای امنیت نیز بتوانند مخالف بودن یا وتو را با دلیل محکم و مستدل بیان نمایند.

به لحاظ سیاسی و استراتژیک، اما منفعت حمله مجدد اسرائیل به ایران نمی تواند آمریکا و متحدانش را راضی به عمل مذکور نماید چرا که ادامه تنش در منطقه به ضرر اسرائیل و آمریکا خواهد بود و توان نظامی آنان را فرسوده می نماید. آمریکا که بعد از جنگ تحمیلی به قدرت نظامی ایران در منطقه واقف است، سعی دارد از راه های اقتصادی اقدام به تضعیف ایران نماید و با ایجاد جنگ روانی از قدرت ایران در منطقه کاسته و انفعال سیاسی را به ایران تحمیل کند، اقدامی که اگر در ایران در چهارچوب اقتصاد مقاومتی پیش نرود طبعاً برای آن گران تمام خواهد شد.

نتیجه گیری

با اینکه اماکن دیپلماتیک و کنسولی، ساز و کار برقراری

گذری بر اصول دادرسی منصفانه در امر کیفری

موضوع: حقوق دادرسی کیفری

چکیده

قضاوت همواره در تمامی کشورها در طول تاریخ از دشوارترین مشاغل به شمار آمده است، حتی در شریعت مقدس اسلام از قضاوت بعنوان مقامی پر فضیلت که مختص انبیاء الهی خصوصاً امیرالمومنین حضرت علی (علیه السلام) نام برده شده است. نظریات مختلفی از جمله اینکه قضاوت صرفاً یک شغل نیست بیان شده است از این رو در تمامی قوانین کشورهای جهان از جمله قوانین و فقه اسلامی شرایط خاصی را برای گزینش فردی بعنوان قاضی در نظر گرفته شده است که اگر فردی که در سمت قضاوت گمارده شده شروط لازم را نداشته باشد موجب مشکلات اساسی در جامعه قضایی آن کشور خواهد شد. اصل ۱۶۳ قانون اساسی نیز مبین تعیین شرایط بوسیله موازین فقهی و قوانین است. از مهم‌ترین مواردی که یک قاضی باید در کنار قوانین به آنها پایبند باشد رعایت اصول و تشریفات دادرسی است که تحت عنوان دادرسی عادلانه و منصفانه از آن یاد می‌شود. نقض و زیر پا گذاشتن اینها نه تنها دادرسی را از حالت منصفانه و عادلانه بودن خارج می‌کند بلکه تخلفاتی برای قاضی رسیدگی‌کننده نیز به دنبال دارد. از این روز به جهت اهمیت رعایت آن برای جامعه قضاوت و خلا پژوهشی در این موضوع، تحقیق پیش رو با روش کتابخانه‌ای به بررسی اصول دادرسی منصفانه می‌پردازد.

کلید واژگان: قضاوت؛ دادرسی منصفانه؛ اصول دادرسی؛ تشریفات دادرسی؛ بی‌اعتباری دادرسی.

مقدمه

قضاوت از پر منزلت‌ترین جایگاه و سمت‌ها در همه کشورهای جهان به شمار می‌آید و قطعاً نگاهی مانند یک فرد عادی در سایر مشاغل به آن نمی‌شود. قضاوت، مستلزم تصرف در جان و مال و آبروی افراد است، به همین دلیل نوعی ولایت به‌شمار می‌رود، این ولایت برای پیامبر (ص) و امام علی (ع) ثابت است و تصدی منصب قضا برای دیگران جز با نصب خاص یا عام یا با اذن از سوی ایشان جایز نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰: ندارد). در دوران غیبت این وظیفه بر عهده ولایت فقیه می‌باشد که به ریاست محترم قوه قضاییه تفویض اختیار شده است. یک قاضی باید در رفتارهای خود مواظب و هوشیار باشد تا به عنوان سنبلی از عدالت سوء ظن و نگرشی منفی به دستگاه قضایی آن کشور وارد نسازد. شخصی می‌تواند بعنوان قاضی در این سمت گمارده شود که دارای یکسری شرایط خاصی که در تمامی نظام‌های حقوقی همه کشور مشخص شده است دارا باشد. اصل ۱۶۳ قانون اساسی بیان می‌دارد که: صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی بوسیله قانون معین می‌شود. از جمله مواردی که فقه اسلامی و قانون برای قاضی مشخص کرده است عبارتند از: ۱- عدالت ۲- طهارت مولد ۳- دارا بودن لیسانس ۴- تابعیت ایرانی ۵- ایمان و سایر شرایطی که در فقه و قانون از جمله قانون شرایط انتخاب



علی شعبانی دولت آبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد
نابiosسته علوم قضایی
دانشگاه علوم قضایی

- منابع
- ۱- باقری نژاد، زینب (۱۳۹۴)، اصول دادرسی کیفری، تهران: انتشارات خرسندی.
 - ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، ترمینولوژی حقوق، چ ۸، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
 - ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲)، وسط در ترمینولوژی حقوق، چ ۵، تهران: انتشارات گنج دانش.
 - ۴- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
 - ۵- خالقی، علی (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری، چ ۴۲، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
 - ۶- رستمی، هادی (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، چ اول، تهران: نشر میزان.
 - ۷- زراعت، عباس، حمیدرضا حاجی زاده و یاسر متولی جعفرآبادی (۱۳۸۹)، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، چ ۵، تهران: انتشارات خط سوم.
 - ۸- شمس، عبدالله (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات دراک.
 - ۹- طهماسبی، جواد (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، چ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
 - ۱۰- غلامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۸۶)، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران: انتشارات میزان.
 - ۱۱- مصدق، محمد (۱۴۰۲)، آیین دادرسی کیفری، چ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
 - ۱۲- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۹۰)، فرهنگ فقه، چ اول، چ ۳، انتشارات مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
 - مقالات
 - ۱۳- مولودی، محمد، حمزه هویدا، مهدی (۱۴۰۱)، تحلیل کارکردگرایانه «تشریفات» در دادرسی مدنی، نشریه مطالعات حقوق خصوصی ۵۲ (۴)، ۷۹۸-۷۸۱.
 - ۱۴- زاهدی، عبدالوحد، و سمیرا سرگز (۱۳۹۸)، تأثیر عدم رعایت اصول مهم دادرسی بر بی‌اعتباری رای دادگاه، نشریه حقوقی دادگستری، ۸۳ (۱۰۷)، ۹۳-۷۹.
 - ۱۵- رحمدل، منصور (۱۳۹۷)، تشریفات قانونی و دادرسی و آثار مترتب بر عدم رعایت آن‌ها در امور کیفری، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۵ (۱۵)، ۱۸۷-۱۵۷.

در دفاع‌های بین‌المللی دچار چالش شویم؛ به عنوان مثال، در یکی از نشست‌های بین‌المللی که در ژنو برگزار شد، از هیأت ایرانی سؤال شد که در نظام قضایی ایران اگر ضابط یا قاضی به یکی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری یا قانون جزایی عمل نکند چگونه با او برخورد می‌شود. هیأت ایرانی در مقام پاسخ به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و دیگر مواد قانونی اشاره نمودند ولیکن هیأت متقابل، با این استدلال که چرا رسیدگی به این موضوع و مجازات مرتکب تحت عنوان «تقصص اصول حاکم بر دادرسی کیفری» صورت نمی‌گیرد، نظام تقنینی ایران را مورد انتقاد قرار دادند. در مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ راجع به این اصول است. (مصدق، ۱۴۰۲: ۱۸-۱۹)

۱- معانی و مفاهیم

۱-۱ قاضی

آن کس که منصوب شود تا فصل خصومات کند؛ پس داور قاضی نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۵۴۶). کسی که به شغل قضاء و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد. در همین معنی دادرسی استعمال می‌شود. کسانی که در هیأت تعدیل مال الاجاره سابق بموجب ابلاغ مخصوص وزارت رسیدگی می‌کردند مشمول عنوان بالا نیستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۱۱).

۱-۲ دادرسی

الف) به معنای اعم: رشته‌ای است که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع باقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاه‌ها

قضات دادگستری^۱ ۱۳۶۱ مشخص شده است. یکی از سخت‌ترین و طولانی‌ترین گزینش‌ها برای تصدی سمت قضا را ایران دارا می‌باشد. از وکیل و قاضی بعنوان دو بال عدالت جهت تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه با وجود تمامی شرایط دیگر نامبرده می‌شود. حق برخورداری از «دادرسی عادلانه» در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که در رسیدگی به دعوی طرفین با هدف رعایت حقوق آنان پیش‌بینی گردیده است. این حق از حقوق اولیه‌ای است که دین مبین اسلام نیز برای همه‌ی انسانها در نظر گرفته است. اهمیت این اصل تا حدی است که در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ (مواد ۸-۱۱)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ (ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مواد ۸ و ۹) نیز به عنوان یکی از حقوق شناخته شده برای افراد بشر لحاظ شده است. به موجب این اصل هر کس حق دارد که دعوایش به طور علنی توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف، به طور منصفانه و ظرف مهلتی منطقی و با امکان برابر با طرف مقابل در دفاع از خود مورد رسیدگی قرار گیرد بر این اساس از ابتدای ورود به رسیدگی تا اجرای حکم رعایت برخی تضمینات برای طرفین دعوا ضروری است. توجه به رعایت عدالت و انصاف به ویژه در رسیدگی‌های کیفری تحت عنوان قواعد شکلی و آیینی، امر جدیدی نبوده و دارای پیشینه کهن است اما در قوانین آیین دادرسی کیفری هرگز به عنوان حقی مشخص و مجزا مطرح نبوده یا به طور کامل مورد حمایت قرار نگرفته است.

در نظام قضایی کشور ایران هر چند که در لایه‌ی مواد قانونی آیین دادرسی کیفری و حقوق جزای عمومی به «دادرسی عادلانه» اشاره شده است اما به طور صریح و در فصل خاصی از قانون «اصول حاکم بر آیین دادرسی کیفری» مورد توجه قرار نگرفته بود و این امر باعث شده بود که در برخی موارد

۱. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۰۲/۱۴ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۷۴/۰۱/۲۹

ماده واحده - قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند:

۱ - ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران.

۲ - طهارت مولد.

۳ - تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی.

۴ - صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر.

۵ - دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضایی به کسانی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته منقول یا لیسانس دانشکده علوم قضایی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضایی از مدرسه عالی قضایی قم هستند یا طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه مدرسین دیده باشند مادامی که به اندازه کافی مجتهد جامع‌الشرایط در اختیار شورای عالی نباشد.



می باشد. در فقه به آن قضاء می گفتند.

ب) به معنای اخص: مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی بکار می رود مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوای معین بکار برده می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

۳-۱ دادرس

کسی که به شغل قضاء و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

۴-۱ داد



مدعی

به معنی حق است. داد و بیداد یعنی حق و ناحق؛ موقعی می گویند که حقی، ناحق شود و به ذبح داد نه شود. دادگر کسی است که احقاق حق را شیوه کند. دادجو یعنی متقاضی احقاق حق. دادخواهی تقاضای احقاق حق است؛ متقاضی دادخواه است. داد دادن یعنی احقاق حق کردن در اصطلاحات ذیل بکار رفته: الف) دادخواست: عرضحال، ظلامه ب) دادرسی: قاضی ج) دادرسی: قضاء د) دادستان: العموم (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۳۵۱).

۵-۱ اصول محاکمات

همه قوانین که قضات در رسیدگی به امور ترافعی و امور حسبی به کار برند. در قدیم الطرق الحکمیه می گفتند. فعلاً آیین دادرسی گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

۲- پیشینه پژوهشی

کتاب

خالقی (۱۳۹۹)، کتاب آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش ها حقوقی، چ ۴۲، ج اول، بیان می دارد آیین دادرسی کیفری تابع اصولی است که بر قواعد و مقررات آن حاکمیت دارند اصول دائمی، کلی و الزام آور هستند که بنیان برگزاری یک دادرسی صحیح و قانونی را تشکیل می دهند و در تصویب تفسیر و اجرا مقررات آیین دادرسی کیفری باید رعایت گردند، مانند اصل برائت، تاسیس دادگاه به موجب قانون، استقلال و بی طرفی دادگاه، علنی بودن دادرسی، رعایت حق دفاع طرفین و برخورداری از امکانات برابر جهت دفاع یا برابری سلاح ها و غیره.

رستمی (۱۳۹۷)، کتاب آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چ اول، بیان داشته که در کنار ویژگی های آیین دادرسی کیفری اصولی نیز بر آیین دادرسی کیفری حاکم است که با توجه به مواد ۲ تا ۶ قانون آیین دادرسی کیفری تحت تاثیر قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به شرح زیر مورد پذیرش و تاکید قانونگذار ایرانی قرار گرفته است پیش بینی اصول راهبردی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که ابتکار تازه ای در مقایسه با قوانین سابقه است یک دادرسی منصفانه را می دهد و الگو و راهنمای مناسبی را برای تفسیر قضایی سایر مقررات کیفری ابهام و اجمال فراهم می کند این اصول بر تمام مقررات آیین دادرسی کیفری سایه افکنده و به نوعی بر آن حاکم است. ۱- اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری ۲- اصل برائت ۳- اصل بی طرفی و رعایت مهلت معقول ۴- اصل رعایت حقوق طرفین دعوی.

مقالات

زاهدی و سرگزی (۱۳۹۷)، مقاله تاثیر عدم رعایت اصول مهم دادرسی بر بی اعتباری رای دادگاه، در فصلنامه حقوقی دادگستری به چاپ رسیده که بیان نموده نقض قواعد شکلی تنها در صورتی که به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رای شود، می تواند موجب نقض رای گردد. اما سؤال این است که این تشریفات با درجه اهمیت بالا کدامند؟ معیارهای گوناگونی

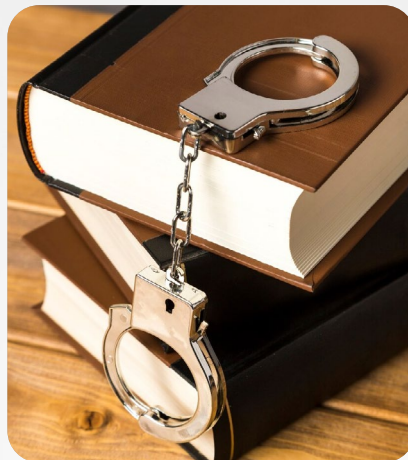
می‌توان برای تشخیص این تشریفات تصور کرد. معیاری که براساس آن تشریفات، با درجه اهمیت بالا محسوب می‌شود که نقض آن‌ها موجب نقض یک قانون ماهوی است، معیاری است که با متن قانون فعلی و قوانین سابق بیشتر تطبیق دارد؛ اما معیاری که بر اساس آن تشریفات با درجه اهمیت بالا همان اصول بنیادین دادرسی‌اند، با اهداف آیین دادرسی کیفری مطابقت بیشتری دارد.

مولودی و همزه هویدا (۱۴۰۱)، مقاله تحلیل کارکردگرایانه «تشریفات» در دادرسی مدنی، در فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی به چاپ رسیده. وی شناخت مفهوم و مصداق تشریفات و تمییز آن از مفاهیمی نظیر «اصول» و «قواعد» در حقوق دادرسی دستکم از سه نظر حائز اهمیت دانسته است؛ نخست اینکه قانونگذار، رعایت تشریفات دادرسی را در برخی موارد مثل دعاوی خانوادگی، رسیدگی در شوراها حل اختلاف و دادرسی کار الزام نمیداند و از این حیث شناخت تشریفات از غیر آن، اهمیت عملی فوق العاده‌ای پیدا می‌کند. دیگر آنکه تعریف جامع و مشخصی از تشریفات در قانون وجود ندارد. قانونگذار صرفاً مواردی را به عنوان نمونه معرفی کرده و از این حیث اختلاف نظر در تعیین مصداق تشریفات همواره در رویه قضایی وجود داشته است. سوم اینکه مبانی و نوع ضمانت اجرا در اعمال تشریفات، متفاوت از ضمانت اجرا در اصول و قواعد دادرسی

است. اینکه اصول دادرسی نقض شده یا صرفاً تشریفات، نادیده گرفته شده است، علی‌الاصول در تعیین ضمانت اجرا مؤثر است.

۳- تشریفات دادرسی

منظور از تشریفات دادرسی تشریفات



هستند که مقام قضایی باید در جریان اداره جلسه رسیدگی به آنها توجه نماید. برای مثال ضرورت تشکیل جلسه رسیدگی با حضور وکیل در جرائمی که حضور وکیل در آنها ضروری است، از موارد تشریفات دادرسی است. عدم رعایت تشریفات مزبور مربوط به جلسه دادرسی است. یا لزوم شروع جلسه رسیدگی با قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان و قرائت دادخواست زیان توسط مدعی خصوصی یا وکیل وی و اخذ دفاعیات متهم یا وکیل وی

از تشریفات دادرسی است (رحمدل، ۱۳۹۶: ۸). به نظر برخی «تحقیق از شهود به صورت انفرادی تکلیف دادگاه است و در صورتی که به غیر از این ترتیب شود تخلف انتظامی تلقی می‌شود» (زراعت و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴۰). برخی از تشریفات دادرسی ناظر به شکل و ابزار اجرای یک حق است، ولی برخی از تشریفات به خودی خود حق طرفین مرافعه محسوب می‌شود؛ برای مثال حضور در جلسه رسیدگی حق طرفین مرافعه است و یکی از تشریفات جلسه رسیدگی نیز محسوب می‌شود. ابزار الزام جهت حضور آن‌ها، نظیر تعیین وقت و ابلاغ آن به طرفین مرافعه نیز از تشریفات دادرسی محسوب می‌شود. اما کنار گذاشتن تشریفات اخیر برخلاف تشریفات نوع اول صدمه‌ای به دادرسی وارد نمی‌کند و حتی می‌توان به موجب قانون آن‌ها را کنار گذاشت. اما در تشریفات که به خودی خود حق محسوب می‌شوند، با درجه‌ای از اهمیت محسوب می‌شوند که اگر رعایت نشوند، صدمه اساسی به دادرسی وارد کرده و موجب نقض رأی می‌شوند (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۶۰).

۳-۱ ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات

مطابق تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «عدم رعایت تشریفات دادرسی موجب نقض رأی نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب

بی‌اعتباری رأی شود». همچنین بند «ب» ماده ۲۵۷ و بند «ب» ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ نیز بیان شده بود.

یکی از مواردی که جزو تشریفات دادرسی است لکن موجب بی‌اعتباری رأی می‌شود موارد مربوط به ابلاغ می‌باشد. رئیس شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۰۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۱ چنین بیان کرده است: «در خصوص درخواست رسیدگی تجدیدنظر آقای ب.ی. نسبت به دادنامه شماره ۰۰۴۰۶-۹۲/۱۱/۳۰- صادره از شعبه ۷۲ دادگاه کیفری استان تهران از برائت متهمان از اتهام زنا و زنا ی محصنه صرفنظر از وارد یا وارد نبودن اعتراض تجدیدنظرخواه موصوف نظر به اینکه رسیدگی دادگاه کیفری استان بدون دخالت وکیل مدافع و حضور نماینده دادستان در جلسه رسیدگی دادگاه بوده است و لذا به علت عدم رعایت تشریفات قانونی در رسیدگی دادگاه رأی صادره مخدوش بوده است. بنا به مراتب مستنداً به تبصره ۱ از ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قسمت دوم از تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رأی تجدیدنظرخواسته را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد وفق

مقررات قانونی به شعبه دیگر دادگاه‌های کیفری استان تهران ارجاع می‌نماید.^۲

۴- اصول دادرسی



منظور از اصول دادرسی اصولی هستند که آیین دادرسی بر اساس آنها بنا شده است و بدون آنها شالوده آیین دادرسی بهم می‌ریزد. این اصول سنگ بنای یک آیین دادرسی درست را تشکیل می‌دهند و بدون آنها آیین دادرسی فاقد ساختار و مبتنی بر هرج و مرج خواهد بود. اگر اصول مزبور وجود نداشته باشند یا محترم شمرده نشوند، نمی‌توان از آیین دادرسی صحبت نمود و در واقع آیین دادرسی بدون آن رنگ می‌بازد.

^۲ بازبایی از بانک داده آراء

یا خواهان و خوانده در امور مدنی عیناً ابزارها، موقعیت و جایگاه برابر هم داشته باشند و تبعیضی میان آنها وجود نداشته باشد. بعنوان مثال زمانی که حرف از وکیل به میان می‌آید طرفین باید در تمام مراحل دادرسی بتوانند از وکیل استفاده کنند همان طور که در اصل ۳۵ قانون اساسی^۵، ماده ۵۸ منشور حقوق شهروندی^۶، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان شده است و این حق از آنها سلب نشود. یا استفاده از کارشناسی، مواعد برابر در رسیدگی جلوه‌های دیگری از این اصل در دادرسی به شمار می‌آید.

۴-۲-۳ اصل برائت

اصل ۳۷ قانون اساسی^۷ ناظر به همین اصل می‌باشد. این اصل در امور کیفری بدین معناست که اساس و پایه دادرسی کیفری را بر بی‌گناهی متهم گذاشته می‌شود و مادامی که ادله‌ای دال بر گناه کاری وی ارائه نشود وی

۴-۲ مصادیقی از اصول دادرسی منصفانه

۴-۲-۱ اصل قانونی بودن

از مهم‌ترین اصولی که زیر پا گذاشتن آن موجب نقض دادرسی است اصل قانونی بودن است که به مراتب در امور کیفری جلوه بیشتری می‌کند چرا که مجازات به‌دنبال دارد و عدم رعایت آن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم را به خطر می‌اندازد. اصل ۱۶۶ قانون اساسی^۲ ناظر به این اصل است. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳^۴ و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این اصل به وضوح بیان شده است.

۴-۲-۲ اصل تساوی سلاح‌ها

این اصل نمودی از تساوی افراد در برابر قانون است و بدین معناست که وقتی دعوایی در دادگستری مطرح می‌شود شاکی و مشتکی عنه در امور کیفری

این اصول که برخی از آن بعنوان اصول قاعده ساز تعبیر کرده‌اند «رعایت آنها شرط اعتبار اقدامات و اعمال دادرسی محسوب می‌شود» و بدون آن‌ها اساس دادرسی متزلزل می‌شود (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

برخی میان اصول دادرسی و تشریفات دادرسی قائل به تفاوت شده و معتقدند اصول دادرسی قواعد ماهوی است که بنیان ساز امور شکلی. این اصول عمدتاً از قانون اساسی گرفته شده‌اند و از اصول امره دادرسی‌اند و توافق برخلاف آنها مؤثر نیست و کسی حق نقض آنها را ندارد. اصول دادرسی در حقیقت قواعد مربوط به نظم عمومی‌اند (شمس، ۱۳۸۵: ۲۲). این اصول به درجه‌ای از اهمیت است که در سال ۲۰۰۴ مؤسسه بین المللی رم و به همکاری مؤسسه حقوق آمریکا اقدام به تدوین اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی نموده‌اند (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶: ۷۹).



^۵ اصل ۳۵ قانون اساسی: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

^۶ ماده ۵۸ منشور حقوق شهروندی: حق شهروندان است که از بدو تا ختم فرآیند دادرسی در مراجع قضایی، انتظامی و اداری به صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل در مراجع قضایی را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه‌ای و کلاً حمایت خواهد شد.

^۷ اصل ۳۷ قانون اساسی: اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

^۲ اصل ۱۶۶ قانون اساسی: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است».

^۴ بند دوم این ماده واحده: محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یامناهی فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

همچنان بی‌گناه و غیرمجرم تلقی خواهد شد. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ نیز مبین این اصل می‌باشد.

۴-۲-۴ اصل تساوی افراد در برابر قانون

از مهم‌ترین اصول و پایه‌های هر قانون‌گذاری و اجرای آن قانون این است که تمامی افراد در برابر قانون و اجرای آن برابر باشند و نسبت به هیچکس به واسطه سمت، جایگاه یا هر صفت و ویژگی خاصی خارج از چهارچوب قانون عمل نشود و این مورد حسن نیتی در ذهن مردم ایجاد می‌کند و یک کارگر از نظر نقض قوانین و مقررات در مجازات هیچ تفاوتی با یک وزیر، رئیس‌جمهور یا هر سمت دیگری ندارد. اصول ۱۹^۸ و ۲۰^۹ قانون اساسی نیز صراحتاً به این اصل مهم اشاره دارد. همچنین ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این اصل را مورد تأکید قرار داده است.

۸. اصل ۱۹ قانون اساسی: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
۹. اصل ۲۰ قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۴-۲-۵ اصل بی‌طرفی مقام قضایی

بیشتری دارد چرا که دادیار در تمامی موارد باید مطابق نظر دادستان عمل نماید لکن بازپرس غیر از دو مورد^{۱۰} به صورت مستقل در دادسرا احقاق حق می‌کند.

سوال: سوالی که ممکن است پیش آید این است که با توجه به اصل تفکیک قوا در قانون اساسی آیا کمیسیون اصل ۹۰^{۱۱} قانون اساسی خلاف استقلال قاضی است؟

پاسخ: اصل ۹۰ قانون اساسی بیانگر شکایت از طرز کار قوای سه‌گانه است و منافاتی با استقلال قاضی ندارد. بدین معنا که کمیسیون اصل ۹۰ می‌تواند از طرز کار قوه قضاییه به طور کلی رسیدگی نماید و نمی‌تواند از شخص خاص در پرونده‌ای خاص تحقیق و تفحص بعمل آورد فلذا استقلال مقام قضایی در جای خود قرار دارد و کسی نسبت به آن در پرونده‌ای که قاضی رسیدگی می‌کند نمی‌تواند دخل و تصرفی نماید.

این اصل مهم را به این صورت می‌توان تبیین کرد که مقام قضایی به سمت یک طرف پرونده و بدون در نظر گرفتن طرف دیگر به صورت ناعادلانه قضاوت نکند. در دادسرا، دادستان یا مدعی‌العموم همانطور که از نامش پیداست طبق اصول الزامی بودن تعقیب و موقعیت داشتن تعقیب وظیفه تعقیب جرایم با جنبه عمومی و دفاع از کیفرخواست در دادگاه صالح را دارد و دادیار نیز چون مطابق نظرات وی عمل می‌کند از این رو در زمره دادستان قرار خواهد گرفت فلذا نمی‌توان آن‌ها را بی‌طرف دانست نتیجتاً اینکه بازپرس و دادرسین دادگاه باید اصل بی‌طرفی را رعایت کنند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیانگر این اصل مهم است.

۴-۲-۶ اصل استقلال مقام قضایی

۴-۲-۷ اصل تسریع در رسیدگی و عدم اطاله

سرعت رسیدگی در پرونده موجبات احقاق حق و عدم دلسردی شاکی یا خواهان دعوا را بدنبال خواهد داشت. اما با آمار گرایی و سرعت نباید از کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها غافل بود. از این اصل چنین برداشت می‌شود که

برای اینکه قاضی قضاوتی توأم با عدالت و بی‌طرفانه داشته باشد نیازمند این است که استقلال در تصمیم‌گیری‌های خود داشته باشد. قاضی تصمیم‌هایی که در خصوص یک پرونده اتخاذ می‌کند کاملاً بدون دخل و تصرف و دستور از مقام مافوق خود انجام می‌دهد (در چهارچوب قانون) و گرنه هرگونه نفوذ در پرونده می‌تواند مسیر پرونده را از سمت عدالت به بی‌عدالتی بکشاند و دستگاه قضایی را زیر سوال ببرد. استقلال مقام قضایی مبحث گسترده‌ای است که در این چهارچوب نمی‌گنجد لکن صرفاً برای اشاره به این اصل مهم آورده شده است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مواد ۳ و ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جلوه این اصل مهم است. این استقلال در دادسرا در بازپرس نسبت به دادیار جلوه

۱۰. تکمیل تحقیقات ۲- ملائت کفیل (صرفاً در این دو مورد باید سمعاً و طاعتاً اجرا کند).

۱۱. اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

به یک پرونده‌ای حسب موضوع و حجم پرونده در یک مدت معقول رسیدگی و تصمیم‌گیری شود و متعاقباً رای مقتضی نیز در این خصوص صادر شود و هرگونه نقض و نفوذ اشخاص ثالث موجب تغییر روند پرونده و ایجاد شائبه برای قاضی رسیدگی‌کننده خواهد شد. فلذا برای جلوگیری از ایجاد مشکلات احتمالی و سوء ظن بر وی الزامی است تا این اصل مهم را مجری باشد. (ماده ۳، قانون آیین دادرسی کیفری: ۱۳۹۲)

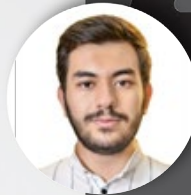
۸-۲-۴ اصل رعایت حریم خصوصی

رعایت حریم خصوصی یک از اصول راهبردی دادرسی‌های کیفری است که در سطح تقنین مقررات، قضا و اجراء باید مورد نظر قرار گیرد و آثار آن نه تنها معطوف به اصحاب دعوی بلکه تمام آحاد جامعه را در بر می‌گیرد. تدوین قانون آیین دادرسی کیفری و اجرای آن باید به نحوی باشد که حریم خصوصی آحاد جامعه مورد تعرض قرار نگیرد. آشنایی با مفهوم، مصادیق و مبانی حقوقی حریم خصوصی ضروری است تا سپس ملاحظه شود در مقررات و رویه‌های قضایی چگونه باید رعایت آن تضمین گردد (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۷۴)

نتیجه و پیشنهادات

قضاوت و دادرسی در تمامی کشورهای جهان در طول تاریخ از مهم‌ترین و دشوارترین سمت‌ها به شمار می‌آید فلذا باید شخصی در این جایگاه خطیر قرار گیرد تا هم شرایط لازم برای تصدی این امر را داشته باشد و هم از پس این کار برآید از این رو یکسری شرایط خاصی در نظام حقوقی کشورهای مختلف برای گزینش این افراد در نظر گرفته شده است. گفته شده است عدالت دو بال دارد که در جهت عدالت پرواز می‌کنند یکی از آنها وکیل و دیگری قاضی است. برای تحقق عدالت قاضی باید قوانین و مقرراتی را رعایت کند تا به عدالت و احقاق حق برسد. از جمله مواردی که قاضی باید در کنار قوانین به آن پایبند باشد اصول و تشریفات دادرسی است که دادرسی منصفانه و عادلانه را بدنبال دارد. مهم‌ترین اصول دادرسی عبارتند از اصل قانونی بودن، اصل تساوی افراد در برابر قانون، اصل تساوی سلاح‌ها، اصل بی‌طرفی و استقلال مقام قضایی، اصل عدم اطاله رسیدگی، اصل برائت، اصل رعایت حریم خصوصی و غیره که نقض آن نقض دادرسی را بدنبال دارد اما در کنار آن تشریفات دادرسی و رسیدگی نیز وجود دارند که اصولاً نقض آنها موجب نقض دادرسی نمی‌شوند مگر در موارد استثنایی همانطور که در تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان شده است. رعایت اصول دادرسی به جهت اهمیت بسزای آن عدالت را به ارمغان خواهد آورد فلذا بر مقام قضایی الزامی است تا بر آن‌ها پایبند باشد تا موجبات دادرسی عادلانه و منصفانه را فراهم آورد و موجب نقض آن نشود. در نهایت پیشنهاد محقق نظارت، آموزش و مرور مباحث تئوری و پایه، کم کردن حجمه آمارگرایی است. زیرا؛ غالباً بعد از تقسیم قضا با وجود مشغله، عدم فرصت مطالعه، مسئله آمارگرایی و تعجیل قضا برای صدور رای موجب فراموشی و نقض این اصول خواهد شد.

بررسی جایگاه و نقش ضابطین دادگستری در جمع‌آوری ادله جرم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲



عرفان محدثی

کارآموز قضایی و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی

منابع:

کتاب و مقالات:

- ۱- آخوندی، محمود، (۱۳۷۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲- آشوری، محمد، (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج سخن
- ۴- حسینی کاخ، محمدعلی، محمدی، محدثی، (۱۳۹۶)، بررسی جایگاه و مسوولیت‌های ضابطان دادگستری در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، SID.
- ۵- رحیمی، موسی، رحیمی دهنسوری، رضا، (۱۳۹۹)، گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (دکترین و رویه قضایی)، چاپ اول، تهران: انتشارات چتر دانش
- ۶- سالوانی، اسماعیل، (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مشاوران دادآفرین
- ۷- طهماسبی، جواد، (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان
- ۸- عابدی، احمدرضا، (۱۴۰۱)، آیین دادرسی کیفری، چاپ پنجم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
- ۹- عمید، حسن، (۱۳۷۶)، فرهنگ لغات، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۰- غفوری، احمد، (۱۳۹۹)، شرح آزمون آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات آریاداد
- ۱۱- معلوف، لولیس، (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، مترجم: احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام

قوانین:

- ۱۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ با اصلاحات ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ بازایی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۴، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.
- ۱۴- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ با اصلاحات ۱۳۹۹/۰۳/۱۹، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.
- ۱۵- قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۸، مجلس شورای اسلامی، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.
- ۱۶- ماده واحده قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۱۵، مجلس شورای اسلامی، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.
- ۱۷- آیین نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۲/۰۳/۲۲، مصوب هیأت وزیران، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir.
- ۱۸- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۳۵۰۲۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۱، صادره از شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور

موضوع: جزا و جرم‌شناسی

چکیده

ضابطین قضایی بعنوان بازوی اجرایی نظام قضایی نقش مهم و قابل توجه در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هرچه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند. بر مبنای همین واقعیت است که سیستم‌های کیفری مختلف تلاش‌های گسترده‌ای جهت نظام‌مندی و کنترل قانونی توأم با اقتدار آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و تعیین جایگاه، مصادیق و حدود اختیارات ضابطین دادگستری، نموده‌اند. طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب این قانون اقدام می‌کنند. روش تحقیق در این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی بوده و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی-توصیفی یافته‌ها ارزیابی شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد ایجاد امنیت، برقراری عدالت، نظم و انضباط اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم، شناسایی عوامل و بسترهای زمینه ساز بروز جرم و افزایش ضریب اطمینان و اعتماد آحاد جامعه که می‌توان آنها را از نتایج وظایف مذکور در ماده ۲۸ قانون فوق الذکر دانست، در گرو تعامل مثبت ضابطان عام و خاص دادگستری با قوه قضائیه و دادستان‌ها پیش از اطلاع از وقوع جرم و پس از آن در اجرای دستورات می‌باشد. هدف در این تحقیق این است که بتوان نقش ضابطین در جمع‌آوری ادله وقوع و یا انتساب جرم و مجرمیت در گرو میزان تعامل ضابطین با مقام دادستانی و تاثیر این مهم را تعیین و مشخص نمود.

کلید واژه: ضابطین دادگستری، ضابطین عام و خاص، جمع‌آوری ادله، وظایف و تکالیف، جرایم مشهود و غیر مشهود

مقدمه

ایجاد امنیت، برقراری عدالت، نظم و انضباط اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم و شناسایی عوامل و بسترهای زمینه ساز بروز جرم، ایجاد امنیت اجتماعی و اخلاقی و افزایش ضریب اطمینان و اعتماد آحاد جامعه در گرو تعامل مثبت ضابطان دادگستری با قوه قضائیه می‌باشد و کشور در سایه این همکاری تنگاتنگ شاهد

کتابخانه‌ای - اسنادی بوده و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی - توصیفی یافته‌ها ارزیابی شده‌اند.

تاریخچه و مفهوم شناسی

پیشینه تاریخی ملل مختلف وجود آثار پربار حقوقی، کتیبه‌هایی معروف از قبیل کورش نامه، قانون حمورابی، نامه تنسر و... دلالت بر حاکمیت قانون، وجود قاضی و تشکیلات سازمان انتظامی در ادوار مختلف تاریخ دارد. حتی اگر هیچ مدرکی درباره چنین سازمانهایی وجود نداشت، بایستی پذیرفت که سازمانهای انتظامی ولو با شکل ابتدایی وجود داشته است، زیرا ساختار قضایی و سیستم دادرسی بدون وجود قانون و مقررات و مراجع اجراء و سازمانهای اجرایی، انتظامی مفهوم ندارد. این سازمانها از گذشته‌های دور در ایران مسئول برقراری نظم و آسایش عمومی و جلوگیری از وقوع جرائم در جامعه و نهایتاً در صورت وقوع جرم پیگیری، کشف جرم و دستگیری مرتکبین و تسلیم آنها به دستگاه قضایی برای محاکمه و کیفر با نام‌های گوناگون وجود داشته‌اند، اما کمتر به آنها پرداخته شده است. (محمدی و کاخ، ۲۰۱۷: ۴۳).

«ضابط» در لغت به معنای حفظ‌کننده، نگهدارنده، حاکم، قائد، قوی، نیرومند و مرد باهوش می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۶: ۶۷۵)، کلمه ضابط از ریشه ضبط گرفته شده که به معنای نگهدارنده بوده و مصدر آن کلمه‌های ضبط یعنی حبس چیزی و ضابطه به معنای نگه داشتن و ملازم شدن است. (معلوف، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

در معنای اصطلاحی کلمه ضابط در ترمینولوژی حقوق بدین‌گونه تعریف نموده است: بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌های به عنوان اداره‌ی ناحیه تأسیس و رئیس آن اداره که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بوده را ضابط یا مباشر می‌گفتند که به تصویب نائب الحکومه بلوک و امضاء حاکم ولایت به سمت خود منصوب می‌شد که خدایان دهات تابع او بودند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها به عهده‌ی ضابطان بود. (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۴۱۳)، ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیقات مقدماتی جرم، حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم، به موجب مقررات قانونی اقدام می‌کنند. (آخوندی، ۱۳۷۴: ۱۳)، بنابراین ضابط دادگستری یکی از کارگزاران فرایند دادرسی است که از ابتدای وقوع و کشف جرم تا زمان اجرای مجازات تحت نظارت و ریاست دادستان به موجب قانون یا در مقام اجرای دستورات قضایی انجام وظیفه می‌کند. (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

در نهایت ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان

رفع بسیاری از مشکلات و معضلات قوه قضائیه و کاهش آمار جرایم، توسعه و بسط عدالت قضایی، ممانعت از اطاله دادرسی، حفظ حقوق شهروندی و در نهایت برقراری آرامش و امنیت به عنوان هدف نهایی خواهد بود؛ که البته این آمال می‌توانند با افزایش توان علمی و عملی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری، فراهم ساختن زمینه استفاده بهینه از قوای آنها، وضع قوانین مناسب در جهت حفظ شأن دستگاه قضا به منزله نمادی از دادخواهی و اجرای عدالت، انجام صحیح دستورات قانونی، پرهیز از برخورد دوگانه و تبعیض‌آمیز با مرتکبین جرایم و نظارت مستمر قوه قضائیه بر حسن اجرای وظایف ضابطان در جهت حفظ شأن و کرامت انسانی افراد جامعه محقق گردند.

با امعان نظر به نقش ضابطان دادگستری به عنوان ارگان اجرایی دستگاه قضا، استفاده از ضابطان قضایی کارآزموده در مراحل مختلف دادرسی کیفری و رعایت حقوق اساسی متهم در راستای تأمین اصل ۳۲ قانون اساسی، انتخاب و بررسی موضوعی مرتبط با ضابطان دادگستری در فرایند دادرسی کیفری گامی شایسته در جهت اجرای هر چه توانمندتر قوانین خواهد بود. (آشوری، ۱۳۸۸: ۵۶)، از این رو تحقیق حاضر در پی بررسی جایگاه و مسئولیت‌های ضابطان دادگستری در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و میزان و نقش آنها در جمع‌آوری ادله می‌باشد.

پیشینه

۱- حسنی کاخ، محمدعلی، محمدی، محدثه، (۱۳۹۶)، بررسی جایگاه و مسئولیت‌های ضابطان دادگستری در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به شیوه



و تعریف ضابطین دادگستری بیان میدارد: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.» (ماده ۲۸، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

۱. انواع ضابطین

مقنن در ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ ضابطین را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرده است.

۱-۱. ضابطین عام

به موجب این ماده: «ضابطان دادگستری عبارتند از: الف- ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند...» (ماده ۲۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

عام بودن ضابطیت ایشان از دو جهت است: الف) محدوده جغرافیایی که در این محدوده که شامل تمام حوزه قضایی ذی صلاح مشود وظایف ضابطی شخص جاری مشود. ب) میزان وظایف که از این جهت وظایف مقرر در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطین مشخص کرده است یعنی کشف جرم و حفظ آثار و ادله و تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق، اجرای احکام و تصمیمات قضایی، به صورت عام ضابطیت دارد. (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۶۳).

۱-۲. ضابطان خاص

بند ب ماده ۲۹- «ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب

قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل روسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط



دادگستری

محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسوولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسوولیت نافی مسوولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.» (بند ب ماده ۲۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

خاص بودن این ضابطان به این جهت است که هم به لحاظ حدود وظایف ایشان، صرفاً بخشی از وظایف ضابطان عام را دربر می‌گیرد و هم حوزه فعالیت آنان از ضابطین عام محدودتر است. ضمناً ضابطین خاص تنها به موجب قوانین خاص و تصریح مقنن تعیین می‌شوند. این نوع ضابطین خاص شامل (۱) ضابطینی که فقط وظیفه تحقیقات

مقدماتی مذکور در ماده ۲۸ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ را بر عهده دارند. ۲) ضابطینی که صرفاً وظیفه گزارش دارند. ۳) ضابطینی که قانون به ضابط بودن ایشان تصریح نکرده ولی وظیفه ضابطان را به آنها محول کرده است مانند اشخاص و مقامات موضوع ماده ۷۲ قانون مذکور.

موارد دیگری نیز وجود دارد که به موجب قوانین خاص ضابط تلقی شده و احکام و وظایف ایشان بر آنها بار می‌گردد مثل مأموران حفاظت گمرک به موجب ماده‌ی ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، فرمانده هوایما طبق ماده‌ی ۳۲ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸، مأموران جنگلبانی بر اساس ماده‌ی ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، اعضای سپاه پاسداران به موجب اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱، مأمورین نیروی مقاومت بسیج پاسداران انقلاب اسلامی به موجب قانون حمایت قضایی از بسیج در سال ۱۳۷۱ و دیگر مقامات یا اشخاص نامبرده در قوانین خاص که در حکم ضابط به آنها تصریح گردیده است که جهت عدم اطاله کلام از ذکر تمامی آنها خودداری می‌گردد.

۱-۳. ضابطان نظامی

ماده ۶۰۲ و ۶۰۳ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳ از ضابطین نظامی نام برده است که آنها همان اختیارات و وظایف ضابطین دادگستری را دارند ولی تنها در جرایم نیروهای مسلح از آنها استفاده می‌شود و به موجب ماده ۶۰۵ قانون مذکور در غیاب ضابطان نظامی در محل وقوع جرم، ضابطین دادگستری وظایف آنها را انجام می‌دهند و پس از حضور ضابطان نظامی ادامه تحقیقات به آنها واگذار می‌گردد. (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۶۲ و ۱۶۳)، ضابط بودن این اشخاص

منوط به کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط به ضابط نظامی می‌باشد. به طور کلی ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت دادستان و تعلیمات وی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. (ساوالانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

۲. تکالیف ضابطان

۲-۱. تکالیف ضابطان در جرائم مشهود و غیر مشهود

به طور کلی قانون گذار در ماده ۲۸ ق. آ. د.ک مصوب ۱۳۹۲ برای ضابطان چهار تکلیف مقرر کرده است که باید تحت نظارت و تعلیمات دادستان به آنها عمل نمایند: (۱) کشف جرم حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم؛ (۲) تحقیقات مقدماتی؛ (۳) ابلاغ اوراق؛ (۴) اجرای احکام و تصمیمات قضایی. (ماده ۲۸، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

قانون گذار در ماده ۹۰ در تعریف تحقیقات مقدماتی اقدامات قانونی برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم شناسایی یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم را به عنوان تحقیقات مقدماتی تعریف کرده است؛ (ماده ۹۰، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲) لکن در ماده ۲۸ همین اقدامات را هم ردیف و قسیم تحقیقات مقدماتی قرار داده است در جمع این دو ماده باید گفت آنچه به عنوان اولین تکلیف ضابطان در ماده ۲۸ بیان شده است یعنی «کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم شناسایی یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم»، مربوط به اقداماتی است که ضابطان در راستای ذیل ماده ۴۴ در خصوص جرایم مشهود پیش از اطلاع به دادستان انجام می‌دهند که این اقدامات اصطلاحاً تحقیقات مقدماتی نامیده نمی‌شود؛ اما «اقدامات قانونی برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم شناسایی یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم که در ماده ۹۰ ذکر شده است مربوط به اقداماتی است که پس از اطلاع دادستان و با دستور مقام قضایی (در همه جرایم اعم از مشهود و غیر مشهود) انجام می‌شود که این اقدامات اصطلاحاً تحقیقات مقدماتی نامیده می‌شود. (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۷۱).

۲-۱-۱. تکالیف ضابطان در جرائم غیر مشهود

در جرائم غیر مشهود مطابق ماده ۴۴ ق. آ. د. ک ضابطان اعلام جرم را صورتجلسه یا شکایت شاکی را اخذ می‌کنند و ادله موجود را جمع‌آوری می‌نمایند و مراتب را به دادستان اعلام و کسب تکلیف می‌کنند (ماده ۴۴، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲) و در هر حال به تصریح ماده ۴۶ حق تعرض به متهم یا تحت نظر قرار دادن وی را در این حالت ندارند. (ماده ۴۶، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲). پس از ارسال پرونده و ارجاع دادستان به مقامات قضایی حسب نوع جرم، در صورتی که جرائم از مصادیق ماده ۳۰۲ باشد با ارجاع دادستان، بازپرس دستورات قضایی مقتضی را صادر و در سایر جرائم دادستان شخصاً یا با ارجاع به یکی از شعب دستورات لازم را صادر و به ضابطین محول می‌نماید که پس از دریافت دستورات، ظرف مهلت تعیین شده در متن دستور، ضابطین نتایج حاصله و گزارش نهایی را به مرجع صادرکننده دستور ارسال و حسب امر دستورات تکمیلی را در صورت نیاز، دریافت می‌دارند.



۲-۱-۲. تکالیف ضابطان در جرائم مشهود

در جرائم مشهود ضابطان مکلف هستند مطابق ذیل ماده ۴۴ ضابطان هرآنچه که لازم است برای حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی را انجام دهند فلذا می‌توانند متهم را دستگیر و یا تحت نظر قرار بدهند. (ماده ۴۴، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲). در قانون سابق ۲۴ ساعت فرجه برای ضابطان جهت تحت نظر گرفتن متهم و ۲۴ ساعت نیز برای مقام قضایی در نظر گرفته شده بود لیکن در قانون حاضر با عنایت به مواد ۴۶، ۱۸۵ و ۱۸۹ فقط یک بازه ۲۴

ساعته متهم می‌تواند تحت نظر باشد که آن هم صرفاً با دستور مقام قضایی است. پس در جرایم مشهود پس از دستگیری متهم، ضابطان مکلفاند در زمان‌های اداری فوراً و در غیر زمان اداری حداکثر ظرف یک ساعت متهم را به دادستان تحویل دهند که پس از آن اگر نگهداری متهم در مرجع انتظامی ضروری بود حداکثر تا ۲۴ ساعت از زمان دستگیری امکان تحت نظر قرار دادن متهم وجود دارد و بعد از آن باید تصمیم مقتضی و اقدامات قانونی صورت پذیرد. (مواد ۴۶، ۱۸۵، ۱۸۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

۲-۲. تکالیف ضابطان قبل و بعد از اطلاع دادستان از جرم

۲-۲-۱. تکالیف ضابطان قبل از اطلاع دادستان از جرم

۲-۲-۱-۱. در جرایم مشهود

به طور کلی وظایفی در ماده ۴۴ و ماده ۴۶ ق. آ. د. ک در این خصوص مشخص گردیده است. این وظایف در ماده ۴۴ برای ضابطان در جرایم مشهود تعیین شده است (۱) حفظ، آلات، ادوات، آثار علائم و ادله وقوع جرم؛ (۲) جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم؛ (۳) جلوگیری از تبانی. (ماده ۴۴، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

ماده ۴۶ نیز حق و تکلیف تحت نظر قرار دادن متهم را بر عهده ضابطان قرار داده است که در امتداد این موضوع تکالیف دیگری نیز به آنها در همان ماده و مواد بعدی محول نموده است. (ماده ۴۶، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

تفہیم موضوع اتهام و ادله آن به متهم بلافاصله پس از تحت نظر قرار دادن. (ماده ۴۶، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► اطلاع به دادستان برای کسب تکلیف پس از تحت نظر قرار دادن متهم که در وقت اداری باید فوراً و در خارج از وقت اداری حداکثر ظرف یک ساعت انجام شود. (مواد ۴۶ و ۴۷، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲).

► اعلام مشخصات سجلی، شغل نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن به دادرسی محل دادستان پس از درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه و نظارت لازم برای رعایت حقوق این افراد فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. (ماده ۴۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► پاسخ‌گویی به بستگان، والدین، همسر فرزندان خواهر و برادر متهمی که تحت نظر قرار گرفته است درباره وضعیت، وی تاحدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد. (ماده ۴۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► مساعدت به متهمی که تحت نظر قرار گرفته است برای آگاه کردن خانواده یا آشنایان خود از تحت نظر بودن؛ مگر آنکه بنا به ضرورت ضابطان تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده نماید که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

(ماده ۵۰، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► تفہیم حقوق قانونی متهم به وی و دریافت رسید. (ماده ۵۲، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► ثبت اظهارات شخص تحت نظر علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی که شخص نزد قاضی معرفی شده است در صورت مجلس و اخذ امضا یا اثر انگشت متهم. (ماده ۵۳، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► ثبت تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن متهم در دفتر مخصوص. (ماده ۵۳، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

همچنین در ماده ۵۵ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ نیز علاوه بر موارد فوق، دو وظیفه دیگر برای ضابطان در جرایم مشهود پیش از اطلاع دادستان مقرر شده است. اول بازرسی اشخاص و اشیاء و دوم ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها. (ماده ۵۵، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

► (۱) بازرسی اشخاص و اشیاء که طبق ماده ۵۵ در جرایم مشهود نیاز

به اذن موردی مقام قضایی ندارد؛ بنابراین پیش از اطلاع دادستان نیز

ضابطان می‌توانند عنداللزوم به بازرسی اشخاص و اشیاء مبادرت کنند

► (۲) ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها؛ ماده ۵۵

قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌کند ورود به منازل، اماکن تعطیل

و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم

غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است. در خصوص اینکه آیا

ضابطان در جرایم مشهود برای ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته

نیاز به اجازه موردی مقام قضایی دارند یا پیش از اطلاع دادستان نیز

می‌توانند رأساً به مخفیگاه ورود کنند باید گفت بنابر نظر اداره حقوقی

قوه قضائیه که معتقد است که قید «در جرایم غیر مشهود» در ماده ۵۵

فقط مربوط به بازرسی اشخاص و اشیاء است؛ بنابراین صدر ماده ۵۵ که

در خصوص ورود به مخفیگاه است از این حیث مطلق است؛ در نتیجه

در هر دو جرایم مشهود و غیر مشهود نیاز به اذن مقام قضایی دارد. اما

در نظر دوم که صحیح‌تر به نظر می‌رسد قید در جرایم غیر مشهود به

تمام ماده ۵۵ بر می‌گردد؛ از این رو ورود به مخفیگاه فقط در جرایم

غیر مشهود نیاز به اذن مقام قضایی دارد و در جرایم مشهود ضابطان

جمع‌آوری کنند و به اطلاع دادستان برسانند؛ لکن پیش از دستور دادستان حق تفتیش و بازرسی اشیاء ورود به منازل و اماکن بسته یا تعطیل و تحت نظر قرار دادن متهمین را ندارند البته اگر به قرائن و امارات وقوع جرم تردید داشته باشند یا اطلاعات ضابطان از منابع غیر موثق باشد، باید طبق ماده ۴۳ پیش از اطلاع به دادستان بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. (ماده ۴۴، ق. آ. د. ۱۳۹۲)

۲-۲-۲. تکالیف ضابطان پس از اطلاع دادستان از جرم

- ▶ به طور کلی انجام تحقیقات مقدماتی تحت نظارت دادستان و پس از اطلاع دادستان آغاز می‌شود و در این مرحله ضابطان همه اقدامات خود را با دستور مقام قضایی و تحت نظارت وی انجام می‌دهند.
- ▶ ابلاغ اوراق (ماده ۲۸، ق. آ. د. ۱۳۹۲)
- ▶ اجرای احکام و تصمیمات قضایی (ماده ۲۸، ق. آ. د. ۱۳۹۲)
- ▶ در موارد فوری که دستورات مقام قضایی به صورت شفاهی صادر می‌شود ضابطان باید ضمن انجام دستورات و درج مراتب در صورت مجلس در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت آن را به امضای مقام قضایی صادرکننده دستور برسانند. (ماده ۳۴، ق. آ. د. ۱۳۹۲)
- ▶ انجام دستورات مقام قضایی در اسرع وقت و در مدت تعیین شده که دادستان یا مقام قضایی مربوطه تعیین می‌کند. (ماده ۳۵، ق. آ. د. ۱۳۹۲)
- ▶ در خصوص متهمینی که تحت نظر قرار گرفته‌اند، در جرایم مشهود پس از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان باید در وقت اداری به صورت فوری و در خارج از وقت اداری حداکثر ظرف ۱ ساعت مراتب را به اطلاع دادستان برسانند.
- ▶ چنانچه متهم تحت نظر قرار گرفته یا یکی از بستگان وی تقاضای معاینه پزشکی از متهم، نمایند پس از اطلاع دادستان و تعیین پزشک توسط وی از متهم معاینه به عمل آمده و گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود (ماده ۵۱، ق. آ. د. ۱۳۹۲)
- ▶ ضابطان پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم تحقیقاتی که

باید بر اساس دلالت ماده ۴۴ همه اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم از جمله ورود به مخفیگاه را انجام دهند؛ سپس نتیجه را به دادستان اطلاع دهند. (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۷۵)، فلذا در مورد جرائم مشهود، ضابطین دادگستری می‌توانند برای انجام وظایف قانونی خود، بدون اجازه موردی از مقام قضایی به تفتیش اماکن بسته و تعطیل و بازرسی اشخاص و اشیاء بپردازند اما در مورد جرائم غیر مشهود فقط با اجازه موردی از مقام قضایی این امکان را دارند. (غفوری، ۱۳۹۹: ۳۸).

در مقابل نظر فوق بیان شده است؛ مستفاد از ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «انجام تمام اقدامات لازم از جمله جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم توسط ضابطان در جرایم مشهود، مستلزم اختیار ورود به منزل یا مخفی گاه جهت دستگیری متهم می‌باشد اما با لحاظ تأکید ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی ورود ضابطان به منازل اشخاص در جرایم مشهود (جز در موارد خاص نظیر بند «ث» ماده ۴۵ قانون فوق الذکر که ساکنین تقاضای ورود مأمورین را دارند) باید با مجوز مخصوص مقام قضایی باشد و عبارت جرایم مشهود در ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ معطوف به عبارت «بازرسی اشخاص و اشیاء» است نه به عبارت صدر ماده «ورود به منازل و اماکن بسته» مفاد ماده ۵۸ قانون فوق الذکر نیز که ارائه اصل دستور قضایی در هنگام ورود به منازل را ضروری دانسته است، موید این معنا می‌باشد. مضافاً این که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منزل و مسکن اشخاص را مصون از تعرض دانسته است و در مورد آن باید بیشترین احتیاط به عمل آید و به قدر متیقن اکتفا شود». (نشست قضایی دادسرای ناحیه ۴ تهران و رحیمی، رحیمی دهسوری، ۱۳۹۹: ۸۳).

۲-۲-۱-۲. در جرائم غیر مشهود

مطابق صدر ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرایم غیر مشهود ضابطان مکلف هستند شکایت شاکی یا اعلام وقوع جرم را اخذ و ادله مرتبط به آن را



- ▶ ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت و عدم امکان پرسش از هیچ فردی این جرائم مگر به شرایط مقرر در متن ماده. (ماده ۱۰۲، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ ممنوعیت تحقیق از طفل یا نوجوان: در صورت دستگیری وی موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست (تبصره ۲ ماده ۲۸۵، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

۳. جرایم ضابطان در حوزه جمع‌آوری ادله

جرایمی که ضابطان در حوزه جمع‌آوری ادله جرم ممکن است مرتکب شوند به طور کلی معمولاً اقداماتی در جهت ایفای وظایف قانونی است که با نقض مقررات و یا ترتیبات خاص اجرای آن همراه می‌باشد و به سبب همین ویژگی، عمل ضابط متصف به صفت جرم بودن می‌گردد. به طور کلی جرایم ضابطین در این حوزه عبارتند از:

۱-۳. توقیف و حبس غیر قانونی اشخاص

حبس یا توقیف غیر قانونی افراد در جمله جرایم علیه اشخاص و تمامیت جسمانی افراد به حساب می‌آید. مطابق اصل ۲۲ از قانون اساسی، قانونگذار از حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص حمایت کرده و اجازه تعرض به آن را مگر به موجب قانون نمی‌دهد. (اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). رکن مادی عمل توقیف عبارتست از دستگیر کردن شخص و محروم کردن او از رفت و آمد، در مدت نسبتاً کوتاه که معمولاً از ۲۴ ساعت تجاوز نمی‌کند. حبس نیز به معنای سلب آزادی از اشخاص در مدت معین و یا نامعین است و به نسبت توقیف با وصف اشد، در محیط محفوظ‌تر و زمان طولانی‌تر نگهداری کردن است. ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص مقرر میدارد: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی

- انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند؛ مگر آنکه انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود. (ماده ۵۴، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ ورود به منازل اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها در جرایم غیر مشهود پس از اجازه موردی مقام قضایی (ماده ۵۵، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود پس از اجازه موردی مقام قضایی (ماده ۵۵، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ ارائه اصل دستور قضایی به متصرف محل به هنگام ورود به منازل و اماکن بسته و تعطیل. (ماده ۵۸، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)

۳-۲-۲. تکالیف مشترک ضابطان

- ▶ الزام به پذیرش شکایت کتبی یا شفاهی در هر زمان (ماده ۳۷، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ آگاه ساختن شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی (ماده ۳۸، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ ذکر اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده در گزارش خود به مراجع قضایی. (ماده ۳۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، متهم، شهود و سایر اشخاص مرتبط با پرونده مگر در مواردی که قانون معین می‌کند؛ مانند موارد مذکور در ماده ۹۶. (ماده ۴۰ و ۹۶، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ ممنوعیت اخذ تأمین از متهم: تأمین متناسب صرفاً توسط مقام قضایی و طبق مقررات قابل اخذ است. (ماده ۴۱، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ انجام بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی. (ماده ۴۲، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ در صورتی که ضابطان در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است را مشاهده کنند ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند. (ماده ۵۷، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ شماره‌گذاری اوراق پرونده و مشخص کردن تعداد کل اوراق پرونده در صورت مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌شود. (ماده ۵۹، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ ممنوعیت اجبار یا اکراه متهم استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام که باعث بی‌اعتباری این اظهارات می‌گردد. همچنین ذکر تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی در اوراق صورت مجلس و اخذ امضا یا اثر انگشت متهم. (ماده ۶۰، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)
- ▶ عدم تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف قانونی ضابطان نسبت به کشف جرم حفظ علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم و... بر بزه دیده. (ماده ۶۲، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲)



نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند و این امر مصداق بازداشت غیرقانونی خواهد بود و مجازات قانونی را برای مرتکب در پی خواهد داشت.» (ماده ۴۶، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲). همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۸۳ و ۵۸۴ در این باره بیان داشته است: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از ۸۰۰۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۸۳، ق. م. ا. تعزیرات: ۱۳۷۵). بنا به تصریح خود ماده و نیز اینکه این ماده قانونی ذیل فصل «تقصیرات مقامات و مأمورین

دولتی» آمده است فلذا شامل مقامات و اشخاص دولتی را شامل می‌شود و شامل اشخاص عادی نمی‌شود.

۲-۳. اخذ اقرار با اذیت و آزار متهم

بر اساس ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در مواد مقرر قانونی و علم قاضی است. (ماده ۱۶۰، ق. م. ا: ۱۳۹۲). در مبانی فقهی و قانونی گوناگون، اقراری که بر مبنای شکنجه متهم یا اذیت و آزار وی اخذ شده باشد بی‌اعتبار و این عمل ممنوع است. در قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی مصادیق و موارد شکنجه شخص بیان شده و مواردی مانند هرگونه اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن، نگهداری زندانی در سلول انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، چشم بند زدن به زندانی در محیط زندان و بازداشتگاه و غیره را بیان نموده است و به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت،

اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادن، اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است، متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.» (اصل

۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). و نیز در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در بند ۹ بیان نموده: «هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت» (بند ۹، ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: ۱۳۸۲). و همچنین در ماده ۴ قانون منع شکنجه مقرر شده: «کلیه اقرار و اعترافاتی که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد، در صورت عدم وجود ادله و قرائن قابل قبول دیگر، از درجه اعتبار ساقط و از عداد دلایل خارج خواهد شد.» (ماده ۴،



قانون منع شکنجه: (۱۳۸۱)

همچنین ماده ۳۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری اختیاری بودن اقرار

را شرط صلاحیت قاضی در استناد به آن دانسته است: «هرگاه متهم به طور صحیح اقرار به ارتکاب جرم کند به طوری که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار رای صادر می‌کند» (ماده ۳۶۰، ق. آ. د. ک: ۱۳۹۲). از ماده ۱۶۹ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ مشخص می‌شود که اقرار نسبت به سایر ادله (جز علم قاضی) در اولویت است. (ماده ۱۶۹، ق. م. ا: ۱۳۹۲). طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، اخذ اقرار با توسل به طرق غیرقانونی مانده عفو و اکراه، جرم محسوب می‌شود: «هر یک از مستخدمین و مأموران قضائی یا غیرقضائی دولتی برای اینکه متهمی را محبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کند، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس ۶ ماه تا سه سال محکوم می‌شود و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.» (ماده ۵۷۸، ق. م. ا. تعزیرات: ۱۳۷۵).

۳-۳. ورود غیر قانونی ضابطان به منزل دیگری

ورود غیر مجاز به منزل دیگری به

معنای عدم هتک و تعرض به منازل است. قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره نور اشاره گردیده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید...» (قرآن کریم، آیه ۲۷ سوره نور). قانون اساسی نیز در اصل ۲۲ بیان می‌کند: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» (اصل ۲۲، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). همچنین در اصل ۳۳ بیان شده: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» (اصل ۳۳، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات بیان شده: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر این که ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق امر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا امر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۸۰، ق. م. ا (تعزیرات): ۱۳۷۵). این ماده در خصوص مأمورین دولتی می‌گردد و ماده ۶۹۴ قانون مذکور که ورود به عنف و اکراه را پیش بینی نموده است طبق نظر دکترین مرتبط به مردم عادی می‌گردد. نکته قابل ذکر این است که مطابق آیین نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۳/۰۳/۲۲، اماکن عمومی مشمول عنوان منزل نمی‌گردد فلذا صدق عنوان فوق بر آن نمی‌شود. (ماده ۲، آیین نامه اماکن عمومی: ۱۳۶۳).

۳-۴. عدم استماع شکایت

«استماع» به معنای شنیدن است و در این موضوع باید آن را قبول شکایت معنا کرد. عدم استماع شکایت، اقسام مختلفی دارد. مثل: ممانعت از طرح شکایت، قرار ندادن وسیله شکایت در اختیار فرد محبوس یا نرساندن شکایت محبوس به اطلاع مقامات ذیصلاح و ... به هر حال در استماع شکایت شفاهی، صورت جلسه کردن شکایت و در استماع شکایت کتبی، اخذ آن و اعلام آن به مراجع ذیصلاح لازم است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۷۲ بخش تعزیرات مقرر میدارد: «هرگاه شخصی بر خلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد» (ماده ۵۷۲، ق. م. ا (تعزیرات): ۱۳۷۵). علاوه بر مجازات مطروحه در این ماده شاکی حق مطالبه ضرر و زیان را نیز خواهد داشت.

۴. نحوه رسیدگی و صلاحیت رسیدگی به جرایم

طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان میدارد: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.» (اصل ۱۷۲، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). برای رسیدگی به جرایم نظامیان مطابق قانون، دادگاه‌های خاص نظامی تشکیل می‌شود. از آنجا که بخش عمده‌ای از ضابطان دادگستری از پرسنل نیروهای مسلح محسوب می‌شوند، رسیدگی به اتهام‌ها و تخلفات آنان به تبع دادگاه خاص، شامل رسیدگی ویژه‌ای می‌باشد. به صورت کلی اگر ضابط، فارغ از وظایف قانونی و سازمانی‌اش مرتکب جرم عمومی نظیر ضرب و جرح عمدی یا صدور چک بلامحل و... شود یا آن که در مقام ایفای وظیفه خود به عنوان ضابط دادگستری جرمی انجام دهد مثلاً شخصی را برخلاف مقررات دستگیر یا بازداشت کند یا در اثر سهل انگاری، متهم را فراری دهد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه عمومی است. اما اگر ضابط به عنوان عضوی از مجموعه نیروهای مسلح مرتکب جرمی شود که مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی باشد مطابق قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ این موضوع در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود. اتهاماتی از قبیل فرار از خدمت، افشای اسرار نظامی و... جزو این موارد است. تخلف‌های ضابطین نیز بر اساس مقررات داخلی و در کمیسیون‌ها و هیات‌های انضباطی درون سازمان مربوطه رسیدگی و تنبیهات یا مجازات‌های مقرر اداری اعمال می‌شود. در صورتی که عمل یا رفتار خلاف قانون واجد هر دو جنبه جرم و تخلف اداری باشد به هر یک از این جنبه‌ها به صورت جداگانه در مراجع مربوطه رسیدگی و مجازات‌های مجزا تعیین و اعمال می‌شود. فلذا به جرایم نظامیان هنگامی که در جایگاه ضابط دادگستری قرار می‌گیرند و شرایط ضابطیت قانونی از طرف قاضی را دارا باشند به جرایم آنان در دادگاه کیفری رسیدگی می‌شود.



دادنامه ذیل به شماره ۹۳۹۹۷۰۹۰۹۳۰۰۲۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۱ صادره از شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور در خصوص مرجع صالح رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح در مقام ضابط دادگستری بیان میدارد که رسیدگی به جرایم خارج از وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح و در مقام ضابط دادگستری در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی می‌باشد.

جرایم خاص نظامی و انتظامی از جمله فرار از خدمت و ترک پُست و لغو دستور و غیره نمی‌باشد، بلکه در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌باشد و لذا با عدم پذیرش صلاحیت خود، پرونده را برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال داشته است و به این شعبه ارجاع گردیده. اعضاء شعبه ضمن تشکیل جلسه و مشورت به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نمایند:

رأی خلاصه جریان پرونده

حسب محتویات پرونده آقای ب. ب. به اتهام قتل عمدی مرحوم ط. د. و ایراد جرح نسبت به آقای ح. الف. و تخریب خودرو در اثر تیراندازی، تحت تعقیب قرار گرفته که به موجب دادنامه شماره ۶۰۰۹۷۲-۱۳۹۲/۱۰/۱۴ به لحاظ اینکه اتهام نام برده را از مصادیق جرایم خاص نظامی و جرایم در حین خدمت و به سبب خدمت بوده، به استناد بند (ج) ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ قرار عدم صلاحیت خود را به شایستگی دادگاه‌های نظامی یک استان... صادر و اعلام نموده؛ پس از ارسال پرونده به دادگاه‌های نظامی یک استان مذکور، بازپرس شعبه اول دادرسی نظامی استان جرم متهم پرونده از جمله

رأی شعبه دیوان عالی کشور

در خصوص اختلاف بین دادگاه کیفری استان... و دادگاه‌های نظامی استان یاد شده، با توجه به ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ که فقط به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی رسیدگی می‌کنند، گرچه در بند (ج) همان ماده سپاه پاسداران و اعضای بسیج را شامل می‌شود، اما در صورتی که جرائم آنان از جرائم خاص نظامی، انتظامی باشد؛ اما متهم پرونده اولاً: مأموریت از طرف آمر قانونی نداشته و ثانیاً: به وی گفته شده بروید بررسی کنید، نه تیراندازی. گزارش به بسیج هم در حد روابط نامشروع بوده، از موارد ضابط دادگستری محسوب می‌شود، نه نظامی و لذا نظر به صلاحیت دادگاه کیفری استان دارد.

شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور - رئیس و مستشار
نبی‌اله راجی - رضا حاتمی

نتیجه‌گیری

اهمیت موضوع ضابطان دادگستری بدین جهت است که در فرایند رسیدگی به جرم که تحقیقات مقدماتی هم داخل در این موضوع می‌باشد، ابتدایی‌ترین اقدام قضایی مربوط به بررسی ادله و مدارک بر جای مانده در صحنه وقوع جرم و تحقیقات از متهمین به صورت فنی و دقیق و جمع‌آوری ادله به صورت کامل و با رعایت موازین می‌باشد که این امر اگر در چهارچوب تبیین صریح و شفاف قانون گذار در حدود وظایف و اختیارات ضابطین انجام گیرد نه تنها به کاهش مدت زمان رسیدگی در

پرونده‌های کیفری مفید خواهد بود بلکه در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی بیشتر و حفظ حقوق شهروندی اشخاص در جامعه در پرتو اتخاذ تصمیم مناسب توسط مقام قضایی نیز موثر می‌باشد.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در فصل دوم از بخش دوم و بلافاصله پس از وظایف دادسرا و حدود صلاحیت آن، به بحث ضابطان دادگستری و تکالیف آنها پرداخته است که این بیان ابتدایی نمود ارزش این مرحله از تحقیقات مقدماتی می‌باشد. اجرای این رسالت متعالی ضابطین به نیروهایی مجرب و متخصص احتیاج دارد که علاوه بر آشنایی کامل با حدود اختیارات و وظایف و تکالیف قانونی خود، نسبت به تعامل سازنده با دادستان‌های حوزه‌های قضایی مربوطه اقدام نمایند که ارزش‌های عالی جامعه مثل ایجاد امنیت، برقراری عدالت، نظم و انضباط اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم، شناسایی عوامل و بسترهای زمینه ساز بروز جرم و افزایش ضریب اطمینان و اعتماد آحاد جامعه که می‌توان آنها را از نتایج مستقیم یا غیر مستقیم وظایف مذکور در ماده ۲۸ قانون فوق الذکر دانست در پرتو این مهم محقق گردد.

ضابطین دادگستری فقط به موجب قانون مشخص می‌شوند و به موجب قانون باید آموزش‌ها و مهارت‌های خاصی را تحت تعلیم و نظارت دادستان کسب نمایند. با توجه به اینکه عمده وظایف ضابطین دادگستری در ماده ۲۸ قانون فوق الذکر مشخص شده است، لیکن می‌توان جمع‌آوری ادله وقوع و یا انتساب جرم به متهم را عام‌ترین و مهم‌ترین وظیفه ضابطان دانست که شامل عمده وظایف قانونی و قضایی ضابطان در اجرای دستورات قضایی و یا وظایف و اقدامات ضابطین در جرایم مشهود می‌باشد.

رویکرد ضمانت مستقل در پرتو لایحه جدید قانون تجارت

موضوع: حقوق تجارت.

مقدمه

وثیقه به معنای استواری عهد و پیمان است و حقوقدانان مدنی آن را به دو دسته عینی و ذمه ای تقسیم کرده اند.

وثیقه ای عینی یا مالی به مال مشخص و وثیقه ذمه ای یا شخصی، به ذمه فرد یا افراد مشخص تعلق می گیرد و به عنوان دین بر ذمه آنها خواهد بود و دارنده وثیقه ی ذمه ای در صورت عدم ایفای تعهد از سوی مدیون اصلی دارای حق دینی بر ذمه شخص ضامن است. حقوقدانان برای احراز ضمان وثیقه ای (وثیقه ذمه ای) از تفسیر در مواد ۶۹۹ و ۷۲۳، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ بهره جستند و حتی برخی قائل هستند که این نوع وثیقه مطابق ماده ۱۰، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ و اصل حاکمیت اراده هم قابل تشکیل است. قانون مدنی نیز در ماده ۶۸۴، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ عقد ضمان (ضمان مطلق) را تعریف کرده: (عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد). همچنین در ماده ۶۹۸، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ اثر تشکیل این عقد را بیان کرده که «ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می شود.

بر اساس ماده ۲۸۱، لایحه جدید قانون تجارت: مصوب سال ۱۴۰۳، ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمون عنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمون له) را یا رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمون عنه و مضمون له برعهده میگیرد.

ضمانت مستقل نهادی است که عمدتاً در روابط تجاری بین المللی شکل گرفته است و از آنجا وارد نظام های حقوقی ملی شده است.

واژگان کلیدی: لایحه جدید قانون تجارت / ضمانت مستقل / ضمانتنامه مستقل / وثیقه / عقد ضمان / ذمه / اصل استقلال / ماهیت اسنادی / ضمانت نامه تبعی / حقوق تجارت بین الملل / عقد / قانون تجارت / تعهدات قرار دادی / آنسیترا / ضمانت نامه بانکی / ضمان / ذمه / دکترین

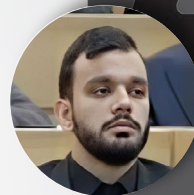
در خصوص ماهیت حقوقی ضمانت نامه های مستقل بانکی در میان نویسندگان علم حقوق نظرات متعددی مشاهده میشود که به جای خود از آن سخن گفته خواهد شد.

دکترین بین الملل در مورد عقد یا ایقاع بودن این پدیده به نقطه نظر مشترکی نرسیده اند، اما اکثریت نویسندگان بر این معتقدند که قواعد حاکم بر ضمانت نامه مستقل اغلب جنبه فراملی دارند که در بررسی و تحلیل ماهیت آنها نباید به آن بی توجه بود و ضمانت نامه مستقل را در چهارچوب نهادها و قواعد سنتی حقوق



امیر مجتهدی

دانشجوی کارشناسی حقوق
دانشگاه شاهد



امیرحسین سینایی

دانش آموخته حقوق از
دانشگاه آزاد اسلامی واحد
تهران شمال

منبع و مأخذ

- ۱- ناصر کلتوزیان. قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. نشر میزان
- ۲- شهبازی نیا-مرتضی، ماهیت حقوقی ضمانت نامه بانکی بین المللی و مقایسه آن با نهادهای سنتی، نامه مفید، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳، ص ۶
- ۳- شهبازی نیا _ مرتضی، ضمانت نامه بانکی بین المللی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰
- ۴- محسن شاه محمودی _ حقوق بانکی: عقد موجد وثیقه بانکی _ تهران، مجد، ۱۳۹۳، صفحات ۷۲ و ۷۳ و ۸۲ و ۸۶
- ۵- محسن شاه محمودی، حقوق بانکی، عقد موجد وثیقه بانکی، مجد، ۱۳۹۳، صفحات ۸۷ و ۸۹
- ۶- شهبازی نیا-مرتضی، ماهیت حقوقی ضمانت نامه بانکی بین المللی و مقایسه آن با نهادهای سنتی، نامه مفید، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳، ص ۱۴
- ۷- اخلاقی _ بهروز، «بחי پیرامون ضمانتنامه بانکی»، مجله قانون وکلا، شماره ۱۴۸_۱۴۹، ۱۳۶۸، صص ۱۸۵-۱۸۶ و اشاره شده در: شهبازی نیا-مرتضی، ماهیت حقوقی ضمانت نامه بانکی بین المللی و مقایسه آن با نهادهای سنتی، نامه مفید، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳، ص ۱۵
- ۸- شهبازی نیا-مرتضی، ماهیت حقوقی ضمانت نامه بانکی بین المللی و مقایسه آن با نهادهای سنتی، نامه مفید، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳، صص ۱۴_۱۷
- ۹- متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ۱۳۱۱-۱۳۳۵ و اشاره شده در: شهبازی نیا-مرتضی، ماهیت حقوقی ضمانت نامه بانکی بین المللی و مقایسه آن با نهادهای سنتی، نامه مفید، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳، ص ۱۵
- ۱۰- فصلنامه بین المللی قانون یار، بررسی و تحلیل ارکان ضمانت نامه های مستقل و مرجع صالح در رسیدگی به دعاوی ضمانت نامه، شیوا رستمی گنج آباد، ص ۳، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۰
- ۱۱- دو فصلنامه حقوق قرار دادها و قرار دادهای نوین، بررسی اصل استقلال و ماهیت اسنادی وکنوانسیون آنسیترال/URDG۷۵۸/ضمانت نامه های مستقل مقایسه لایحه جدید قانون تجارت با زهره خامه- غلام نبی فیضی چکاپ، ص ۷۵ و ۷۶، دوره اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹
- ۱۲- شهبازی نیا، مرتضی، شیوه های پرداخت ضمانتنامه های بانکی و

ملی تحلیل کرد.

متن اصلی

سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل، ضمانتنامه مستقل نامیده می شود.

این ضمانت نامه ملی از مهم ترین ابزار های مورد استفاده در حقوق تجارت بین الملل است و جهت تضمین تعهدات قرار دادی به کار می رود.

اصل استقلال و ماهیت اسنادی دو ویژگی مهم ضمانت نامه های مستقل هستند.

ضمانت نامه مستقل در برابر ضمانت نامه تبعی نهادهی کاملاً جدید است و ابزاری مناسب برای تضمین تعهدات قرار دادی به کار می رود.

ضمانت مستقل یا ضمانت نامه بانکی مستقل

با توجه به انفکاک عالم حقوق مدنی و تجاری که در نظر گرفتن آن شایان توجه است، در مواد ۲۸۱ الی ۳۱۲، لایحه اصلاحی جدید قانون تجارت: مصوب سال ۱۴۰۳ ما شاهد ضمانت مستقل در قانون تجارت هستیم که در لایحه سال ۱۳۴۷ و در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ مورد تبیین قرار نگرفته بود. این ضمانت نامه یا ضمانت بانکی مستقل اولاً، پدیده ای جدید و زائیده ی عرف و رویه اقتصادی و تجاری جدید است و ثانیاً، جنبه بین المللی هم دارد.

از آنجا که در مباحث تجارت بین الملل هم مطرح است، ماهیت این ضمانت را برخی حقوقدانان داخلی و خارجی ایقاع و برخی قرارداد (عقد) و برخی همانند پرفسور بهروز اخلاقی، ماهیت تعهد به نفع ثالث برای آن قائل هستند ولی نتیجه تضارب آراء در موارد فوق این است که به نظر میرسد. ضمانتنامه مستقل بانکی از ماهیت قراردادی برخوردار است و با اصول کلی حقوق تعهدات کشورهای مختلف راجع به عقود، انطباق دارد به این معنا که قرارداد ضمانتنامه در نتیجه ایجاب غالباً غیر قابل برگشت بانک و قبولی معمولاً ضمنی ذینفع تشکیل میگردد. این قبولی ذی نفع (مضمون عنه) نیز بطور ضمنی هم پذیرفته شده چون طبق ماهیت مستقل این ضمانت نامه بانکی، برای مضمون عنه تعهدی به ضرر وی ایجاد نکرده و پس از عدم اعتراض به مفاد ضمانت نامه، قدرت اجرایی و التزامی پیدا کرده و بانک و ذینفع به آن ملتزم می شوند و امکان تصحیح وجود ندارد.

در این نوع از ضمانت نامه ها، قرارداد پایه فی ما بین مضمون عنه و مضمون له بسته شده ولی طرف قرارداد بانک (ضامن)، ضمانت خواه (مضمون له) نیست و تعهدی مستقل برای وی در قبال مضمون عنه ایجاد می شود.

تنزیل این نوع ضمانتنامه نیز بسیار شایان توجه است که البته ویژگی مشترک همه شیوه ها با توجه به نظام حقوقی و رویه تجاری فعلی حاکم در باب این سند اسنادی بودن آنها است؛ به این مفهوم که در همه شیوه های مذکور پرداخت صرفاً در مقابل ارائه استاد معین در متن ضمانتنامه صورت می گیرد که ممکن است درخواست ذی نفع به تنهایی یا همراه با گواهی شخص ثالث حکم دادگاه با نظریه داور باشد. بانک ضامن در مقام رسیدگی به درخواست مطالبه وجه ضمانتنامه جز بررسی و احراز مطابقت ظاهری استاد ارائه شده با شروط مندرج در متن ضمانتنامه وظیفه دیگری ندارد.

شروط شکلی ایجاد این ضمانت نامه

مقررات بین المللی مربوط به ضمانتنامه تنها شرط شکلی لازم را کتبی بودن آن

ماهیت اسنادی آنها نشريات دانشگاه تربيت مدرس، دوره ۸، شماره

۱۳۸۳ - ۳

۱۳- مرتضی شهبازی نیا، انتقال و توثيق ضمانتنامه مستقل بانکی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پژوهشهای حقوق تطبیقی

شماره ۲

۱۴- قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۴/۰۸/۰۸، تاریخ بازبینی: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵،

سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۱۵- لایحه جدید قانون تجارت، مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۲۸، تاریخ بازبینی:

۱۴۰۳/۰۳/۱۵، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۱۶- قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳، تاریخ بازبینی: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵،

سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۱۷- قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه های طرح و

تسريع در اجراء طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها،

مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۰۵، تاریخ بازبینی: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵، سایت مرکز پژوهش

های مجلس شورای اسلامی



دانسته اند که شامل ارسال متن از طریق وسایل الکترونیکی نیز میشود. طبق غنی بودن و انفکاک حقوق تجارتي و مدني نظام کامن لا، تبعیت از معیار شکلي آنها هم شایان توجه است در این زمینه و آن هم معیار وجود علت یا عوض و ذکر آن در ضمانت نامه است که قدرت الزام آوری به آن ببخشد.

انواع ضمان و مقتضای ذاتی ضمانت نامه بانکی

در عالم عقد ضمان ، ۳ نوع ضمان متصور است : (۱) ضمان نقل ذمه (۲) ضمان ضم ذمه (۳) ضمان مستقل از تعهد پایه . مورد اول که با حقوق مدني طبق فقه شیعه منطبق است و مورد دوم و سوم به ترتیب ناظر به حقوق تجارت سنتی و حقوق تجارت بین الملل (مدرن) است . مواد ۴۰۲ و ۴۰۳ ، قانون تجارت: مصوب سال ۱۳۱۱ نیز موید وجود ضمان ضم ذمه است که به ۲ دسته این نوع ضمان پرداخته : (۱) ضم ذمه طولی (۲) ضمان تضامنی

به جهت عدم خلط این نوع ضمانت و وجوه اقتضایی آن در قبال ضمانت مواد ۴۰۲ الی ۴۱۱ ، قانون تجارت: مصوب ۱۳۱۱ ، ویژگی هایی این نوع ضمانت دارد که مستدعی توجه است : (۱) ویژگی مهمی که اشاره می شود این است که این ضمانت نامه مستقل از قرارداد و تعهدات پایه طرفین عقد ضمان است (مضمون له و مضمون عنه) و با تادیه و وفاء به عهد مضمون عنه ، تعهد ضامن هنوز در جریان و زنده است و هر لحظه امکان تنیدن متعلق موضوعی آن و لزوم اجرای ضمانت نامه در بند ضمانت خواه وجود دارد . بنابراین اگر ضمانت خواه همان مبلغ را به ذینفع پرداخت کند، ذمه بانک بری نخواهد شد.

مطابق ماده ۶۹۱ ، قانون مدني: مصوب سال ۱۳۱۴ ، ضمانت ما لم يجب باطل است ولی ضمانت بانکی تابع دو قاعده مذکور نیست و میتوان از دین ممکن الحدوث هم ضمانت کرد.

رویه داخلی بانک های ایرانی در خصوص عقد ضمان

مفهوم ضمانت در رویه داخلی بانک ها متفاوت از مطالب بیان شده است . بانک ها تسهیلات و وام هایی نوعاً به اشخاص ارائه می دهند که وثیقه و ضمانت از آنها توسط شخص ثالثی ، توافق به ضم ذمه به ذمه به صورت طولی است ، به این معنا که طلبکار (بانک) زمانی حق مراجعه به ضامنین را دارد که مدیون (وام گیرنده) به تعهد خود عمل نکرده باشد . و در این صورت (عدم انجام تعهد از سوی وام گیرنده) حق مراجعه به هر یک از ضامنین یا به همه آنها و وام گیرنده برای وصول مطالبات خود را دارد . عقد ضمانتی که در عملیات بانکی

منعقد می شود را حقوقدانان ضمان وثیقه ای می گویند . مطابق ماده ۷ ، قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی: مصوب سال ۱۳۸۶ و بند ۷ ماده ۲ و ماده ۴۰۲ ، قانون تجارت: مصوب سال ۱۳۱۱ ، رویه جاری بانک ها درخصوص عقد ضمان در واقع تضامن طولی است . به استناد ماده ۷ ، قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه های طرح و تسریع در اجراء طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها: مصوب سال ۱۳۸۶ ، وقتی قرارداد بین بانک و مشتری از کلیه مزایای اسناد تجاری بهره مند می شود یعنی مسئولیت تضامنی علیه ذمه گیرنده تسهیلات و ضامنین برقرار است و بانک پس از عدم انجام تعهد از سوی وام گیرنده امکان وصول مطالبات خود از ضامنین را دارد. بند ۷ ماده ۲ ، قانون تجارت: مصوب سال ۱۳۱۱ نیز چون هر قسم عملیات بانکی را ذاتاً تجاری دانسته ، درخصوص ضمانت این امور باید به مقررات عام فصل ضمانت قانون تجارت رجوع شود که ماده ۴۰۲ ، قانون تجارت: مصوب سال ۱۳۱۱ ، دلیل بر تضامن طولی و رعایت آن در رویه بانک ها بین بانک و مشتری است و توافق طرفین در ضمانت نامه اعطای تسهیلات بانکی همیشه به صورت وثیقه ای (طولی) است یعنی در صورت عدم انجام تعهد از سوی وام گیرنده امکان مراجعه به ضامنین قید شده.

طبق بند چهارم از ماده ۱ ، لایحه جدید قانون تجارت: مصوب سال ۱۴۰۳ نیز ، عملیات بانکی را تجاری دانسته و اصل تضامن عرضی را در ماده ۲۷۵ ، لایحه جدید قانون تجارت: مصوب سال ۱۴۰۳ قید کرده که با اصل حاکمیت اراده طرفین می توان آن را به تضامن طولی تغییر داد . ماده ۲۷۵ ، لایحه جدید قانون تجارت: مصوب سال ۱۴۰۳ مقرر می دارد : (در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به طور مستقل مسئول ایفای دین واحدی باشند ، بستانکار

و مقررات نهاد هایی نظیر اتاق بازرگانی بین المللی و آنسیترا ل کسب نموده است. با وجود این، اگر تحلیل ضمانتنامه بر مبنای حقوق داخلی کشورمان ضروری باشد، مبنای این تحلیل میتواند ماده ۱۰، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ قرار گیرد.

اولا ضمانتنامه بانکی جدای از قوانین سنتی قانون مدنی است و تعارضی با قوانین عام مدنی و و حتی نظم عمومی ندارد (مطابق ماده ۹۷۵، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴). ثانيا؛ با توجه به اقوال مشهور فقها که بازتاب آن در قانون مدنی هم آمده، ضمان عقدی است که باعث نقل ضمه می شود که البته ضمانتنامه بانکی جدای از اشتغال کلی ذمه یا ذمه وثیقه ای (طولی) ضامنین ماهیتی جدای از ضمان فقهی و قانونی ندارد و فقط از باب مورد استفاده و کارکرد با دنیای تجاری جدید سازگاری یافته و مغایرتی با شرع و فقه نیز ندارد. البته که روشن است دو نهاد متفاوت ممکن است آثار، احکام و قواعد متفاوتی داشته باشند و نباید یکی را بر معیار احکام و قواعد مربوط به دیگری سنجید؛ این نوع قیاس مع الفارق است.

علاوه بر این، رویه قضایی و دکترین حقوق ایران، امکان توافق خلاف مقررات ضمان عقد و ایجاد ترتیبات متفاوت را پذیرفته است. از جمله رای ۱۴۴۴ مورخ ۱۳۲۷/۹/۱۴ شعبه چهارم دیوان عالی کشور اعلام میکند: «مطابق ماده ۶۸۴، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ ضمانت عبارت از این است که کسی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد، بنابراین اگر کسی تعهد کند (در صورتیکه در نتیجه عدم تحویل اشیای فروخته شده خسارتی متوجه خریدار گردد آن را جبران کند) عمل او صرفا تنظیم قراردادی بوده که بین مشارالیه و متبایعین در حدود ماده ۱۰، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ بسته شده و با ماده ۶۸۴، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ مزبور انطباقی نخواهد داشت ».

نتیجه گیری

بنابر این تشکیل و یا تنزیل این ضمان قراردادی طبق ماده ۱۰، قانون مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ بلا اشکال است. ماهیت این نوع از ضمان ، با حقوق تجارت بین الملل و کنوانسیونهای بین المللی که مستند و ماخذ آن هستند عجین شده و از نگاه های فقهی یا سنتی خویش فاصله گرفته و مطابقت اجباری آن با این نگاه امروزی بین المللی یک نوع قیاس مع الفارق شاید محسوب شود. نیازهای گسترده تجاری باعث بروز و ظهور این نوع ضمان استادی شده که طرفین آن نیز بانک و ذینفع مستقل از قرارداد پایه هستند و با اینکه انتقاداتی هم به این نوع از ضمانتنامه وارد است، باز هم پله ترقی برای هماهنگی حقوق تجارتی با مباحث اصیل خویش شده است.

می تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسئولان رجوع کند ، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف باشد در ابتدا به یکی از مسئولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند).

بنابراین ، ضمانت ضامن تسهیلات بانکی جزئی از یک فعالیت تجاری است که تابع ماده ۲۷۵، لایحه جدید قانون تجارت: مصوب سال ۱۴۰۳ خواهد بود که البته طبق ماده ۷۲۳، قانون عام مدنی: مصوب سال ۱۳۱۴ ، ضمانت ضامن در نهایت به شکل شرط نتیجه ضمن قرارداد اعطای تسهیلات بانکی خواهد آمد .

به عنوان قاعده کلی ذینفع ضمانت نامه بانکی بدون نیاز به توافق قبلی بانک با ضمانت خواه می تواند حقوق منصوره خود در ضمانتنامه را به شخص ثالثی منتقل کند که البته انتقال گیرنده باید با همکاری ذینفع دست به مطالبه منافع ضمانتنامه بزند.

آیا ضمانت نامه بانکی صبغه قانونی یا فقهی دارد؟ یا فقط حقوق تجارت بین الملل و حقوق خارجی پشتیبان آن است؟

این قرارداد تجاری، ساخته ی قوانین داخلی نیست بلکه اعتبار خود را از قواعد و رویه های تجاری بین المللی شامل عرف و رویه های بانکی و تجاری



بخش یادداشت‌های موضوعی

ساده باشیم! (۲)

موضوع: ساده نویسی

در امتداد "ساده نویسی..."



سید محمدرضا رضوی نژاد
پژوهشگر دکتری حقوق
بین الملل عمومی دانشگاه علوم
قضایی تهران

پیوندی جاندار که بین حکیم توس، فردوسی بزرگ، با وطنی به نام ایران وجود دارد، به عرصه‌ی فرهنگ و در گام یکم به ساحت زبان برمی‌گردد.

سره‌نویسی و سره‌گویی در امروز زبان پارسی، وامدار جریان اندیشه‌ورزی در مکتب خراسان بزرگ است که بن‌ریشه‌های آن در شاهنامه‌ی حکیم توس بالنده شده است.

پروفسور میرجلال‌الدین کزازی، از بزرگ‌ترین شاهنامه‌پژوهان سده‌ی ما، گزاره‌هایی مانند ایرانی بودن، فرهنگ ایرانی را زیستن و به زبان پارسی بالیدن را مرهون "قلم" این ادیب بزرگ توس می‌داند.

آنچنان که تاریخ برای ما روایت می‌کند زبان پارسی حکایتی بس دراز دارد و از پس پیچ‌وخم‌های بزرگ دالان گاه تاریک تاریخ، بکر و اصیل به ما رسیده است و دو قرن سکوتی که دکتر زرّین‌کوب نشانمان داده است و از این دست قرن‌ها، هیچ‌کدام نتوانسته‌اند هیمنه و ابهت زبان پارسی را به مسلخ بی‌هویتی و پوچی ببرند.

گفتم قلم!

در قدرت قلم بسیار می‌توان گفت و نوشت؛ آن‌سان که دکتر شریعتی قلم را "توتم" خویش می‌داند و این توتم را زبان خدا، امانت آدمی و ودیعه‌ی عشق دانسته است. شعله‌های این قلم و اندیشه که با زبان هویدا می‌شود، بایدی را به بزرگی ساده‌نویسی بر دوش نویسنده می‌گذارد.

به تعبیر شمس تبریزی عرصه‌ی سخن بس تنگ است و عرصه‌ی معنی فراخ است و پیام این کوتاه‌نوشت نه فقط یک درد دل ساده با دوستان حقوقی که بیان یک نگاه و شاید ایجاد شعله‌ای هرچند خرد در اندیشه‌های جست‌وجوگر و چشمان کاونده باشد.

باید گفت که برای این ساده‌نویسی با آن الگویی که پیشتر بیان گردید، نباید تلاشی نکرد که اتفاقاً بایستی بسیار تلاش کرد، مطالعه کرد، نوشت و گوش فرا داد تا شاید آورده‌هایی به نام واژه، که میهمانی نو هستند، به قلم تکانی بدهند تا زنگار روزمرگی را بزدايد و در مسیر خلافاً آمد عادت، در آوردگاه اندیشه‌ورزی گامی پیش‌تر رود؛ کاری سخت و بس بزرگ، سهلی ممتنع و غیر ممکن می‌گردد. از پی پرسه‌زدن‌های قلم در وادی تمرین و تمرین و تمرین.

دوستان حقوقی‌ام!

لازم است تا مخاطب کتب و مقالات حقوقی را از مخاطب رای و لایحه جدا



بدانیم؛ مخاطب یکمی هرچقدر مخاطبی خاص می‌باشد، مخاطب دومی مخاطبی عام و بسیار محتاج ساده‌نویسی و پیمودن بی‌پیچ‌وخم مسیر اندیشه‌ی شما و فهم آن است که این مهم، در بادی امر در وادی علم و جوهره‌ی اندیشه و سپس در وادی عمل و جوهر قلم تجلی می‌کند.

یکمی کارزار عرصه‌ی حقوق و تخصّص و دومی بازار بطن جامعه و توده است!

ثقیل نویسی در دومی و کام قلم را از زبان عرف به زبان تخصّص چرخانیدن، حکایت از فاصله گرفتن قاضی و وکیل ما از جامعه و مسخ شدن بی‌دلیل در ابژه‌ی "تخصّص" دارد؛ امری که اگر شری نرساند، بی‌تردید خیری هم نخواهد رسانید!

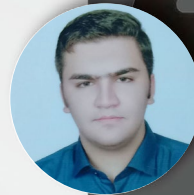
باری!

در پایان بیان می‌گردد که به نگاه و اندیشه‌ی نگارنده، رمان فاخر، ادبیات اصیل نظم و نثر، فراتر از تخصّص خواندن و زیستن، به فنون ویرایش و زیبا نوشتن مسلط شدن، تلاش و تکاپویی برای کوچ از "بودن" به "شدن" در نوشتن، نوشتن آنچه در زمره‌ی روزنوشت‌ها و یادداشت‌های شبانه می‌تواند جای بگیرد، فیلم خوب دیدن، به سخنرانی اندیشمندانه گوش سپردن، در آخر همان‌که بیان شد و تکاپوی همیشه برای "ساده نوشتن" همه کمک‌کننده خواهد بود.

با درود و ارادت بی‌کران.

حمایت از حقوق کودکان در کنوانسیون حقوق کودک

موضوع: حقوق کودکان



حسن چمن آرا اردکانی
دانشجوی کارشناسی
حقوق، دانشگاه پیام نور
واحد سپیدان

حقوق کودک

مجموعه‌ای از حقوق بشر ویژه کودکان است که بر پشتیبانی و نگهداری از افراد جوان تمرکز دارد، کنوانسیون حقوق کودک (CRC ۱۹۸۹) یک کودک را به عنوان فردی که به سن هجده سال نرسیده است تعریف می‌کند. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، داشتن وسیله‌ی شخصی بعد از ده سالگی، (مخصوصاً کامپیوتر و موبایل) مراقبت‌های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب براساس سن و رشد کودک، اعتماد، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشأ ملی، مذهب، معلولیت، رنگ، قومیت یا سایر ویژگی‌ها، تفسیر حقوق کودکان طیفی از اجازه دادن به ظرفیت کودکان برای داشتن اختیار عمل تا اعمال نظر فیزیکی، روانی و احساسی بدون هیچگونه بد رفتاری با کودکان را دربر می‌گیرد. هر چند که آنچه که شامل بد رفتاری می‌شود باید در رابطه با آن بحث شود.

از نظر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، کودک به کلیه افراد انسانی زیر ۱۸ سال گفته می‌شود مگر آن که سن کودک طبق قانون داخلی کمتر از آن تعریف شده باشد. (ماده ۱، پیمان نامه جهانی حقوق کودک: ۱۹۸۹)

کنوانسیون حقوق کودک

مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی برای کودکان، کنوانسیون حقوق کودک است که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسیده است و مهم‌ترین حقوق کودکان در آن درج شده است، همچنین در این سند کمیته‌ای برای بررسی وضعیت کشورها در زمینه حقوق کودک ایجاد شده است. مهم‌ترین مواد این کنوانسیون که با عنوان اصول عمومی حقوق کودک شناخته می‌شوند عبارتند از: مواد ۲ (منع تبعیض)، ۳ (مصلح عالی کودک)، ۶ (حق بر حیات، بقا و رشد کودک) و ۱۲ (حق بر شنیده شدن نظر کودک) می‌باشد. (مقدمه، پیمان نامه حقوق کودک: ۱۹۸۹)

از دیگر حقوق کودک حق بر رشد و بقای کودک است که به دنبال حق بر حیات کودک می‌آید و یکی از بنیادین‌ترین حقوق کودکان است و باقی حقوق موقوف بر آن است همچنین می‌توان به حق بر ثبت ولادت، ثبت نام و تابعیت نیز اشاره کرد که در ماده ۷ ذکر شده است. حق بیان آزادانه عقاید، حق آزادی فکر و عقیده، شرکت در انجمن‌ها، حق بر آموزش کودک، حق بر سلامت، حق برخورداری از بهداشت، حق بر همبستگی خانوادگی، رفاه، تأمین اجتماعی و مصونیت از سوءاستفاده و استثمار جنسی و کاری از دیگر حقوق کودکان در این کنوانسیون است. با اینحال کنوانسیون محدود به این حقوق نیست و موارد بیشماری را در بر

منابع

قوانین و معاهدات

۱. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، مجلس

شورای اسلامی، بازبایی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۵، پایگاه ملی اطلاع

رسانی قوانین و مقررات کشور: <https://dotic.ir>

۲. میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد، مصوب

۱۹۵۴/۹/۲۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بازبایی شده در تاریخ

۱۴۰۳/۲/۱۵، وبسایت انجمن حمایت از حقوق کودکان کار: <https://apcl.org.ir>

۳. حقوق کودکان و کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹/۱۱/۲۰، مجمع

عمومی سازمان ملل متحد، بازبایی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۵، وبسایت

سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران: <https://iran.un.org>

/ un.org

۴. پیمان نامه حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹/۱۱/۲۰، مجمع عمومی

سازمان ملل متحد، بازبایی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱۵، وبسایت سازمان

ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران: <https://iran.un.org>

می گیرد. (مقدمه، پیمان نامه جهانی حقوق کودک: ۱۹۸۹)

مصادیق کودک آزاری

- ▶ قرار دادن کودک در مکان های ترسناک
- ▶ محروم کردن کودکان از بازی و تفریح
- ▶ تنها گذاشتن کودک در منزل
- ▶ اخراج از منزل و طرد کودک
- ▶ اجازه گریه نداشتن و کنترل احساسات کودک
- ▶ عدم ارتباط چشمی و گوش ندادن به کودک
- ▶ مسخره کردن و ایجاد حس حقارت در کودک
- ▶ طرد و آزار کودک با جنسیت غیر دلخواه
- ▶ سرزنش و ملامت کودک در حضور دیگران
- ▶ بی توجهی به بهداشت، تغذیه و پوشاک کودک
- ▶ بهره کشی و توقعات نامعقول از کودک
- ▶ استفاده از کودک برای تحریک جنسی بزرگسالان
- ▶ محروم نمودن کودک از محبت و آغوش گرم
- ▶ استفاده نادرست از داروهای خواب آور برای کودک
- ▶ مشاجرات خانوادگی در حضور کودک
- ▶ استفاده از الکل و مواد مخدر در حضور کودک
- ▶ کتک زدن و تنبیه جسمی کودک
- ▶ (ماده ۱، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۹)

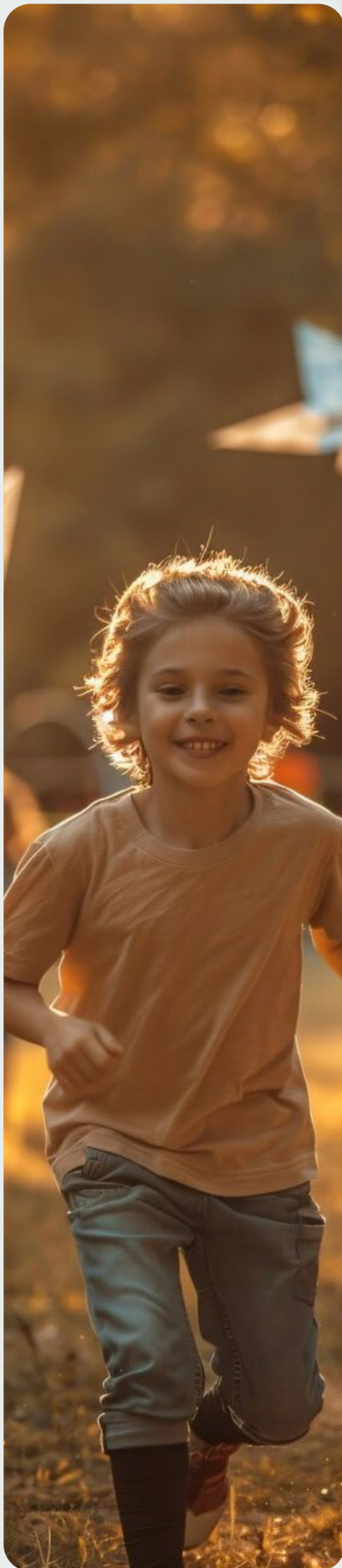
پیمان نامه حقوق کودک

یک کنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می کند. دولت هایی که این معاهده را امضا کرده اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می شود.

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا) این سند را تصویب کرده اند یا به آن ملحق شده اند. ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که آن را تصویب نکرده است. به این ترتیب مقبول ترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد. (ماده ۱، پیمان نامه جهانی حقوق کودک: ۱۹۸۹)

استانداردهای جهانی و نسبیت گرایی فرهنگی

استانداردهای جهانی حقوق بشر در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (۱۹۹۳)، هنگامی که تعدادی از دولت ها (از جمله چین، اندونزی، مالزی و ایران) به مخالفت جدی با ایده حقوق بشر جهانی اعتراض کردند، مورد چالش قرار گرفتند. تنش های ایجاد شده بر سر رویکردهای «جهانی» و «نسبی» است که در طراحی استانداردها و راهبردهای مقابله با سوءاستفاده از توانایی کودکان برای کار و غلبه بر آنها مورد



استفاده قرار می‌گیرد. (مقدمه، پیمان نامه جهانی حقوق کودک: ۱۹۸۹)

ازدواج و برده‌داری کودک

بعضی از محققان، روابط برده‌داری و شبه برده‌داری را با بسیاری از ازدواج‌های کودکی تشبیه می‌کنند. ازدواج کودک به عنوان برده‌داری مستقیماً با کنوانسیون حقوق کودک مطابقت ندارد. (ماده ۷، کنوانسیون حقوق کودک: ۱۹۸۹)

کودکان

بر اساس ماده یک این پیمان به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کم‌تری را تعیین کرده باشد.

این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده بوده و همچنین پس از حدود ۱۱ سال دو پروتکل اختیاری به آن الحاق شده است که چهار اصول پایه‌ای آن را جهت می‌دهد:

- الف) هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
 - ب) زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید مصالح عالی‌ه آنان در راس قرار گیرد.
 - ج) کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.
 - د) کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.
- (ماده ۱، پیمان نامه جهانی حقوق کودک: ۱۹۸۹)

حقوق مندرج در کنوانسیون

در کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل آن بسیاری از حقوق کودک مشخص گردیده است، از این حقوق می‌توان به حق ثبت ولادت، ثبت نام و ثبت تابعیت، حق بر همبستگی خانوادگی، حق بر سلامت، حق بر آموزش، حق مصونیت از سو استفاده و استثمار جنسی و کاری و... اشاره داشت. با این حال باید در نظر داشت که تمام این حقوق در حول اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک در گردش‌اند و باید به وسیله این اصول شناخته شوند: این چهار اصل عمومی عبارتند از منع تبعیض (ماده ۲)، مصالح عالی‌ه (ماده ۳)، حق بر حیات، بقا و رشد (ماده ۶) و حق بر شنیده شدن (ماده ۱۲). (مقدمه، کنوانسیون حقوق کودک: ۱۹۸۹)

پروتکل‌های اختیاری

در ۲۵ مه ۲۰۰۰ الحاق دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. یکی «پروتکل الحاقی درباره خرید و فروش کودکان، روسپی‌گری کودکان و هرزه‌نگاری کودکان» که این اقدامات را در کشورهای عضو ممنوع می‌سازد. اهمیت این پروتکل در آن است که برای اولین بار در حقوق بین الملل به تعریف مفاهیم فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودک، دست زده است.

و دیگری «پروتکل الحاقی درباره به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه» که خدمت سربازی اجباری افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع می‌کند و اعضا تعهد می‌کنند از هر اقدام ممکن برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه‌های مسلح استفاده کنند.





Convention on the Rights of the Child

پیمان نامه حقوق کودک

کمیته حقوق کودک (انگلیسی: Committee (on the Rights of the Child) (CRC)

یک عضو از کارشناسان مستقل است که از سوی دولت‌هایی که این کنوانسیون را تصویب می‌کنند، نظارت و گزارش مربوط به اجرای کنوانسیون حقوق کودک را به سازمان ملل متحد ارائه می‌دهد.

این کمیته در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۹۱ ایجاد شد؛ که شامل ۱۸ عضو از کشورهای مختلف و سیستم‌های حقوقی است که از «موقعیت اخلاقی بالا» و متخصصین در زمینه حقوق بشر برخوردار هستند.

هرچند اعضای توسط کشورهای عضو کنوانسیون انتخاب می‌شوند ولی آنها در این کمیته به صورت شخصی عمل می‌کنند. آنها دولت‌های خود کشورها یا هر سازمان دیگری که ممکن است متعلق به آنها باشند، نمایندگی نمی‌کنند. اعضای این کمیته به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و اگر نامزد شوند، مجدداً انتخاب خواهند شد.

کمیته حقوق کودک ملل متحد نهادی برای بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از پیمان است که از اتباع کشورهای عضو با توجه به پراکندگی جغرافیایی و نظام‌های حقوقی اصلی انتخاب می‌شوند. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارش‌های رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون، ارائه پیشنهادها یا توصیه‌های کلی بر اساس بررسی گزارش‌ها درخواست مشاوره و مساعدت فنی از صندوق کودکان ملل متحد، سازمان‌های تخصصی ملل متحد و دیگر نهادهای دارای صلاحیت است.

کرد، شامل اقدام‌های لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

- ▲ الف - تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.
- ▲ ب - بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.
- ▲ ج - پیشگیری و معالجه بیماری‌های مسری، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها.
- ▲ د - ایجاد شرایط مناسب برای تأمین خدمات و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.
- ▲ حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی گره خورده است. علاوه بر این حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار دارد نیز از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می‌شود. به این ترتیب حق بر سلامتی را می‌توان حلقه ارتباط نسل‌های مختلف حقوق بشر قلمداد نمود. (ماده ۱۲، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶)

نتیجه‌گیری

کودکان همواره از اعضای مهم جامعه بشری در طول تاریخ بوده‌اند که حقوق و نیازهای اساسی آنان همواره از طریق‌های مختلف مورد تهدید و نقض قرار گرفته است، پدیده‌ایی همچون کودکان کار، بهره‌کشی از کودکان، استفاده ابزاری از آنان و هزاران پدیده و آسیب‌های اجتماعی مختلف دیگر ناشی از نقض گسترده حقوق آنان وعدم حمایت از حقوق کودکان در طول سالیان سال بوده است.

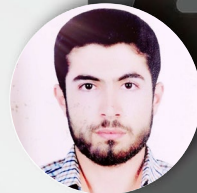
در سال‌های نه‌چندان گذشته جامعه بشری و در راس آن سازمان ملل متحد سعی کرده است با ایجاد کنوانسیون‌ها و پیمان‌نامه‌های جهانی دولت‌ها را ملزم به رعایت و حمایت از حقوق و نیازهای اساسی کودکان کند و با ایجاد قوانین و مقررات داخلی همسو با کنوانسیون و پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک موجب رشد، پیشرفت و تعالی روز افزون کودکان شود.

به امید جامعه‌ای شاد و سالم برای کودکان.



از هویت‌سازی تا حکمرانی با سبک صحیح مدیریت قضایی

موضوع: مدیریت قضایی



صالح عباسی

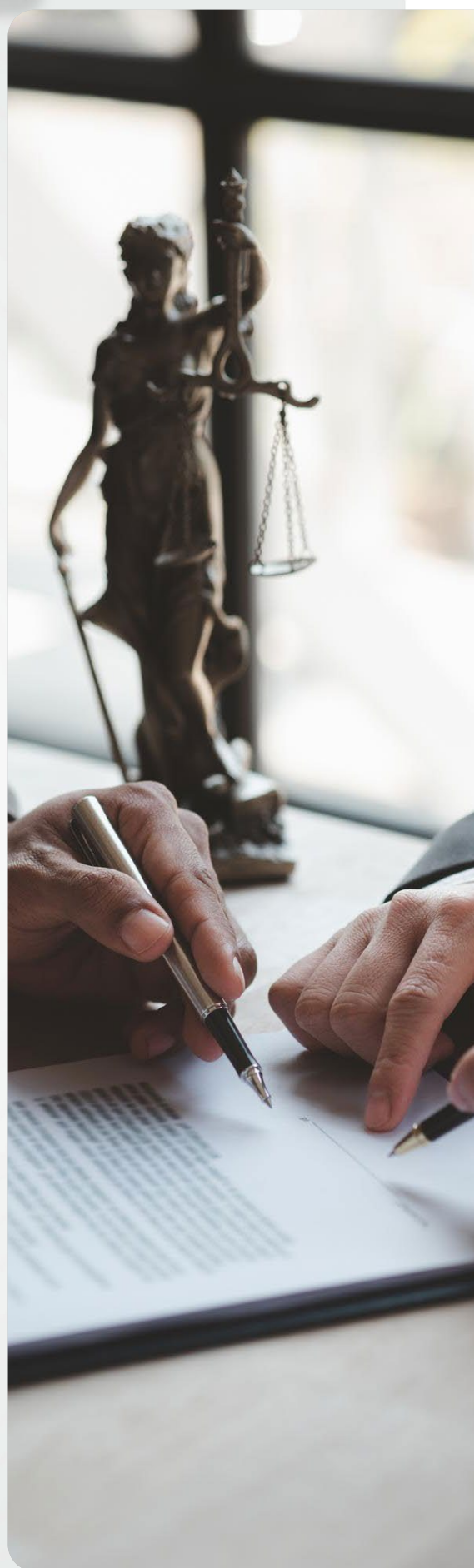
کارشناسی ارشد رشته مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی دانشگاه علوم قضائی

سبک مدیریت قضائی یکی از مؤلفه‌هایی است که امروزه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و به ضرورتی نسبتاً اجتناب‌ناپذیر در سیاست‌گذاری قضائی کشور تبدیل گردیده است. از طرفی نظام قضائی ایران، همواره در تعامل (تأثیر پذیری و تأثیرگذاری) با محیط پیرامونی خودش است که قطعاً به تبع تحولات بیرونی و درونی باید متحول شود. تردیدی نیست که افزایش پیچیدگی سازمانی و محیطی، به ویژه شرایط متغیر جهانی، منطقه‌ای و داخلی کشور در حوزه‌های فن‌آوری، هوش مصنوعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی که حیات، سلامت و رشد افراد و سازمان‌ها را باخطر مواجه می‌سازد، نظام قضائی و سازمان‌های تابعه آن را به شدت و به طور بنیادی با چالش‌های گوناگون و بعضاً خلأ راهبردی و مدیریتی مواجه خواهد ساخت. در صورتی که با داشتن نگرش و دیدگاه مدیریتی صحیح در سطوح مختلف کلان و خرد قضائی، نه تنها عبور از همه این مسائل قطعیت بلکه استفاده از فرصت‌های آن هم امری بدیهی تلقی می‌شود. فرصت‌هایی هم چون ترویج هویت قضائی و نقش فعال در حکمرانی قضائی کشور که در ادامه به تبیین این دو مقوله ارتباط آنها با سبک صحیح مدیریت قضائی اشاره می‌شود. «مدیریت قضایی» را می‌توان عاملی دانست که موجب حفظ هویت قاضی و الگوهای رفتاری وی می‌شود. به بیانی دیگر قاضی با داشتن نگاه و توقع حداقلی و تلاش و تعهد حداکثری، روحیه خود را به هیچ وجه از دست نمی‌دهد و همواره به عنوان الگویی از قاضی سرآمد و اخلاق مدار و با هویت، در برابر نقشه و توطئه افراد و گروه‌هایی که به دنبال تخریب شخصیتی قاضی و به نوعی هویت سوزی مقام قضائی هستند، اقدام به هویت‌سازی و ترویج هویت قاضی برگرفته از مبانی و اصول مکتب ایرانی - اسلامی می‌نماید که این امر برخواسته از سبک صحیح مدیریت قضائی در حد اعلای خود می‌باشد. حکمرانی خوب نیز مفهومی است که اخیراً در علوم سیاسی و مدیریت توسعه مطرح شده است. این مفهوم کنار مفاهیم و اصطلاحاتی مانند مردم سالاری، حقوق مدنی، مشارکت مردمی، حقوق بشر و توسعه اجتماعی پدیدار شده است و در دهه اخیر، با اصلاح بخش عمومی پیوند خورده است و در نظم مدیریت عمومی جامعه به عنوان یک مفهوم و الگوی جدیدی در نظر گرفته شده که بر نقش مدیران دولتی و حکومتی در فراهم آوردن خدمات با کیفیت بالا تأکید دارد (زنگنه و یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۲۹) در این راستا دستگاه قضائی به دلیل جایگاهش در تحقق، حفظ و ترویج حقوق بشر و هم چنین به دلیل داشتن بیشترین امکان نقض حقوق شهروندی، اهمیت ویژه‌ای در حکمرانی دارد. (نعمتی و می‌رسپاسی، ۱۴۰۰: ۲۵) یافته‌های تحقیقات متعددی نشان داده که سبک مدیریت صحیح قضائی قضات با حکمرانی خوب رابطه تنگاتنگی داشته (گرایی و ذاکری، ۱۳۹۵: ۱۰۹) و از طرفی توانمندسازی قضات در تمامی ابعاد مدنظر مدیریتی، بر حکمرانی خوب قضائی تأثیرگذار است (رحمتی فر، ۱۳۹۱: ۵۴) قضائی که از بینش مدیریتی لازم برخوردارند در زمانی که مسائل مختلف سازمانی مطرح می‌شود کل سیستم حقوقی و قوه قضائیه را به همراه تمامی پیچیدگی‌هایی که دارد مطمئن نظر قرار می‌دهند. آنها قادرند انواع مختلفی از اطلاعات را از منابع گوناگون مورد دقت و

منابع:

۱. رحمتی فر، سمانه، ۱۳۹۱، الکترونیک شدن دستگاه قضائی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۳.
۲. گرایی، محسن و ذاکری، محمد، ۱۳۹۵، بررسی نقش میانجی توانمندسازی در رابطه بین رهبری تحول آفرین و حکمرانی خوب، نشریه خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، شماره ۲۳.
۳. مجد زنگنه، مهسا، یوسفی، محمد رضا و ابوالفضل جعفر قلی خانی، ۱۴۰۰، بررسی مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب در نظام قضائی، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۵۰.
۴. ناصری دولت آبادی، مهدی و مصطفی صوری، ۱۳۹۶، ویژگی‌های یک قاضی خوب؛ اصول اخلاق قضائی و رفتار حرفه‌ای، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۱.
۵. نعمتی، مانا و می‌رسپاسی، ناصر و دانش فرد، کرم الله، ۱۴۰۰، طراحی الگوی اخلاق حرفه‌ای مدیران با رویکرد حکمرانی خوب در قوه قضائیه، تعالی حقوق، سال هفتم، شماره ۲.

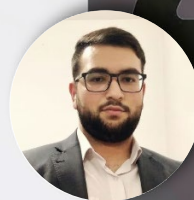
توجه قراردهند، استدلالات را ارزیابی و جنبه‌های مرتبط با یک موضوع را تحلیل نمایند (ناصری دولت آبادی، ۱۳۹۶: ۳۱). همچنین با توجه به نقش مهم قاضی در اجرای سیاست‌های کلان قضائی کشور و همچنین نقش فعال و کلیدی او در اجرای روش‌ها و راهبردهای سند تحول قضائی، بیش از پیش نسبت به مقوله سبک صحیح مدیریت قضائی، حساس و دغدغه‌مند باشیم، چرا که رویکرد مدیریتی قضائی منجر به توانمندسازی و عملکرد عالی قاضی در آخرین و مهم‌ترین حلقه از زنجیره حکمرانی قضائی کشور می‌شود. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توانیم بگوئیم مدیریت قضائی که مفهومی اصلاحگر، مثبت‌نگر، عینیت‌گرا، سازمان‌گرا، واقع‌گرا، غایت‌گرا، کل‌گرا و فرهنگ‌مدار است، در صورت بسط و گسترش مفهومی خود در نظام قضائی کشور، قابلیت آن را دارد تا به عنوان یک مفهوم پویا و مکمل، برای تمام قضات در عرصه‌های گوناگون مصونیت بخش باشد و ضریب پیشگیری از تخلف و فساد قضائی را افزایش دهد. قابل توجه این که قاضی با تقویت و تثبیت مهارت‌های مدیریتی به صورت فعالانه می‌تواند در ردیف قاضی در تراز گام دوم انقلاب اسلامی قرار گیرد. به عبارتی دیگر لازمه قاضی در تراز گام دوم انقلاب اسلامی شدن، سبک مدیریتی است که با بینش معرفتی حاصل از هویت ایرانی - اسلامی حاصل می‌گردد.



بخش قضا و هنر

داستان کوتاه حقوقی نفس حیاتی - مبحث ارث

موضوع: داستان کوتاه.



علیرضا دهقانی

فارغ التحصیل رشته حقوق
دانشگاه قم

مراجع

۱- قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸، بازبینی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۱۲.

وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir

هر علمی، جذابیت‌ها، پیچیدگی‌ها و نکات ظریف خاص خود را دارد. به عنوان مثال در علم پزشکی، اگر یک پزشک در تجویز دارو اشتباه کند، ممکن است منجر به فوت بیمار شود.

رشته حقوق هم از جمله علوم است که نکات ظریف و پیچیده خاص خود را دارد و همین پیچیدگی‌ها است که این رشته را زیبا می‌کند.

رشته حقوق جزء رشته‌هایی است که به طور مستقیم با جان و مال و ناموس مردم در ارتباط است و گاه یک نکته خاص و بسیار ظریف می‌تواند سرنوشت یک انسان را دگرگون کند.

حقوق مدنی از شاخه‌های مهم علم حقوق است که حساسیت‌های خاص خود را دارد. به عنوان مثال، اثبات مالکیت یک زمین، می‌تواند شخصی را ثروتمند و شخص دیگری را فقیر کند.

در میان مباحث حقوق مدنی، مبحث ارث یکی از مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و البته زیباترین مباحث حقوق مدنی می‌باشد.

در این اثر علمی، نویسنده قصد دارد با اقتباس از یک رویداد واقعی، گوشه‌ای از زیبایی‌های رشته حقوق را به نمایش بگذارد.

شرح موقع:

مهندس بهروزی ۳۵ ساله، جزء انبوه‌سازهای موفق استان تهران است که سابقه ساختن ده‌ها برج بزرگ در شهر تهران را دارد. برج‌هایی که مهندس بهروزی بنا می‌کند، به قدری ارزنده و زیبا است که اقشار ثروتمند برای خرید آن‌ها لحظه‌شماری می‌کنند.

او ساخت پروژه‌ای را در بالاشهر تهران شروع کرده که تکمیل آن ۳ سال زمان می‌برد.

۲ سال از شروع این پروژه گذشته بود که سمانه خانم، همسر مهندس بهروزی به او خبر داد که باردار شده است. این خبر، مهندس را بسیار خوشحال کرد؛ چرا که آن‌ها بیش از ده سال بود که صاحب فرزند نمی‌شدند و خواهران مهندس بهروزی چندین بار پیشنهاد طلاق دادن سمانه را به او داده بودند، اما مهندس بهروزی واقعا عاشق همسر خود بود.

او تصمیم گرفت که بهترین واحد این برج را برای خانواده خودش طراحی کند تا پس از متولد شدن پسرش آقا ایلیا، در این برج زندگی کنند.

همه چیز باب میل این مهندس جوان پیش می‌رفت؛ پروژه‌اش در بهترین موقعیت تهران در حال ساخت بود، فرزندی که چندین سال چشم انتظارش بود ۲ ماه دیگر متولد می‌شد و خانواده‌ای گرم و صمیمی داشت.

در یکی از روزهای زمستان، مهندس بهروزی برای حساب و کتاب با شرکت سنگ



ساختمانی به اصفهان سفر کرده بود. در مسیر بازگشت از اصفهان، به دلیل لغزنده بودن جاده و سرعت بالای خودرو، ماشین از کنترل او خارج شد و ایشان تصادف کردند.

مهندس را به بیمارستان منتقل کردند و پزشک گفت که ضربه محکمی به سر وی وارد شده و او به کما رفته است.

سطح هوشیاری مهندس بهروزی روز به روز پایین تر می آمد و در نهایت پس از بیست روز ایشان فوت شدند.

پروژه او تقریباً تکمیل شده بود و تنها دو ماه تا تولد فرزندش باقی مانده بود. ولی متأسفانه همه چیز با مرگ مهندس به هم ریخت.

در این روزها، سمانه خانم اصلاً حال و روز خوشی نداشت اما برای حفظ جان فرزندش، باید از خودش مراقبت می کرد. بعد از مراسم چهلیم مهندس بهروزی، وکیل سابق او آقای دارابی، باید تکلیف ارث و میراث ایشان را تعیین می کردند. مطابق قواعد ارث، از ترکه متوفی یک هشتم به همسر متوفی یعنی سمانه خانم به عنوان فرض بر می رسد^۱ و مابقی ترکه برای پسر متوفی یعنی ایلیا کنار گذاشته می شود^۲ که چند روز دیگر متولد می شود.

سمانه خانم به دلیل اینکه تا سالها باردار نمی شد، با دو خواهر و یک برادر مهندس بهروزی اختلاف داشت و ارتباط خوبی نداشت.

پس از گذشت چند روز، در نهایت سمانه خانم برای زایمان

۱. ماده ۹۰۱ قانون مدنی: ثمن، فريضه زوجه یا زوجهها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد.

۲. ماده ۹۰۷ قانون مدنی: اگر متوفی ایوین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد، ترکه به طریق ذیل تقسیم می شود: اگر فرزند منحصر به یکی باشد، خواه پسر خواه دختر تمام ترکه به او می رسد. اگر اولاد متعدّد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر، ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می شود. اگر اولاد متعدّد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می برد.

به بیمارستان رفت. برادر و خواهران مهندس بهروزی، پشت در اتاق عمل منتظر یادگار برادر خود بودند که پزشک با چهره ای ناراحت از اتاق عمل بیرون آمد و اعلام کرد که متأسفانه بچه فوت شده است.

یک ماه پس از این اتفاق، برادر و خواهران مهندس بهروزی به همراه سمانه خانم (همسر مهندس) به دفتر جناب دارابی (وکیل سابق ایشان) مراجعه کردند و از او خواستند که برای ماترک، با توجه به وضعیت جدید، تعیین تکلیف کند.

آقای دارابی اعلام کرد که یک چهارم از ترکه برای زوجه متوفی^۳ یعنی سمانه خانم است و مابقی ترکه در طبقه دوم^۴ میان یک برادر و دو خواهر مهندس بهروزی با رعایت قاعده ذکور دو برابر اناث تقسیم می شود.^۵

سمانه خانم از جای خود بلند شد و با عصبانیت گفت: من این نوع تقسیم را قبول ندارم و تمامی ماترک حق من است!

در نهایت، بین همسر مهندس بهروزی و برادر و خواهران او اختلاف ایجاد شد و پرونده در شعبه حقوقی دادگاه عمومی به خواسته تقسیم ترکه مطرح شد.

۳. ماده ۹۰۰ قانون مدنی: فرض دو وارث ربع ترکه است: ۱- شوهر در صورت فوت زن با داشتن اولاد

۲- زوجه یا زوجهها در صورت فوت شوهر بدون اولاد

۴. ماده ۹۱۶ قانون مدنی: هرگاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به وارث طبقه ثانیه می رسد.

۵. ماده ۹۲۰ قانون مدنی: اگر وارث میت چند برادر و خواهر ایوینی یا چند برادر و خواهر آبی باشند حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.





قاضی پرونده، در ابتدا حرف آقای دارابی را تایید و اعلام کرد که یک چهارم از ترکه برای زوجه متوفی به عنوان فرض بر و مابقی ترکه برای یک برادر و دو خواهر متوفی در طبقه دوم با رعایت قاعده ذکور دو برابر اناث به عنوان قرابت بر تقسیم می شود.

سمانه خانم مدعی شد که فرزندش ایلیا، پس از تولد، چندین ثانیه زنده بوده و پس از آن فوت شده است (شرط استقرار سهم الارث حمل، زنده متولد شدن اوست).^۶

قاضی پرونده، از پزشکی که ایلیا را به دنیا آورده، درخواست کرد تا به عنوان مطلع در دادگاه حضور پیدا کند.

جلسه دوم دادرسی، با حضور خانم دکتر قاسمی پزشکی که ایلیا را به دنیا آورده برگزار شد. دکتر قاسمی گفت: ایلیا پس از تولد حرکتی نداشته و گریه ای هم نکرده که نشان از زنده متولد شدن او باشد؛ اما مطمئن نیستم که آیا پس از به دنیا آمدن نفس کشیده است یا خیر. در این جلسه دادرسی هم قاضی پرونده نتوانست به حقیقت برسد و چیزی ثابت نشد.

وکیل سمانه خانم، از قاضی پرونده درخواست صدور مجوز نبش قبر ایلیا را کرد تا با بررسی بدن او، پزشکی قانونی اعلام کند که ایلیا پس از تولد، حداقل یک نفس کشیده است یا خیر.

قاضی پرونده به راحتی با صدور مجوز نبش قبر موافقت نکرد؛ اما در نهایت برای کشف حقیقت، چاره ای جز صدور مجوز نبش قبر ایلیا پیدا نکرد. (یکی از موارد صدور مجوز نبش قبر، اثبات یک حق می باشد).^۷

نبش قبر صورت گرفت و آقای دکتر ناظمی، پزشک مسئول از سمت پزشکی قانونی، مقداری از ریه ایلیا را برش زد و مجدداً ایلیا را به خاک سپردند.

آقای دکتر ناظمی ریه برش خورده را به قسمت آسیب شناسی پزشکی قانونی می برد و آن را زیر میکروسکوپ قرار می دهد.

دکتر ناظمی پس از انجام بررسی های لازم نظر خود را به صورت مکتوب به دادگاه ارسال می کند.

در ابتدای جلسه سوم دادرسی، قاضی پرونده نظر پزشکی قانونی را اعلام می کند

۶. ماده ۸۷۵ قانون مدنی: شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.

۷. موارد مجاز نبش قبر - مکارم شیرازی

af-%d8%b1%d8%a7%d8%aa%d9%85%d9%/273428/http://makarem.ir/ahkam/fa/home/istifta
%d8%85%d9%-b1%d8%a8%d8%82%d9%-b4%d8%a8%d8%86%d9%-b2%d8%a7%d8%aa%ac%d9%
86%d9%a7%d8%85%d9%84%d9%b3

نتیجه گیری:

این داستان، تنها یک مورد از پرونده های مطروحه در دادگاه ها است و روزانه هزاران پرونده حتی پیچیده تر از داستانی که بررسی کردیم، در دادگاه ها مطرح می شود.

کشف حقیقت و برقراری عدالت،

۸. ماده ۹۰۶ قانون مدنی: اگر برای متوفی، اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشند، هر یک از ابوين در صورت انفراد تمام ارث را می برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می برد، لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است.



صبر و حوصله بسیار زیادی می‌خواهد. به همین خاطر است که امام علی(ع) می‌فرمایند: قاضی نباید در مراجعه شاکیان خسته شود. در یافتن دلیل، اصرار او باید از همه بیشتر باشد و در شب‌هات، از همه با احتیاط‌تر عمل کند.^۹

گاه یک نکته ظریف، می‌تواند سرنوشت انسان‌های زیادی را عوض کند، لذا قضات باید در بررسی‌های خود، با حوصله، دقیق و صبور باشند.

۹. نامه ۵۳ نهج البلاغه (نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر)





زهرا قدیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق عمومی، دانشگاه آزاد
اسلامی واحد شیراز

مراجع

۱- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، بازیابی شده در تاریخ
۱۴۰۲/۳/۱۷، وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، rc.majlis.ir

تحلیل حقوقی سریال پوست شیر

(قتل به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن)

موضوع: تحلیل سریال

«پوست شیر» سریال پلیسی - معمایی بود که قابل دفاع و مخاطب‌پذیر طراحی و اجرا شد و قصد داریم به موضوعات حقوقی این سریال اشاره کنیم؛ خرده داستان‌هایی که نقش مهمی در شکل‌گیری داستان اصلی داشتند. ضعف ساختاری بسیاری از تولیدات پلیسی در سال‌های اخیر باعث شده بود در ابتدای امر این سریال نیز با چوب سریال‌های بی‌محتوا یا ساده‌انگارانه رانده شود اما تقریباً بعد از قسمت سوم، مشخص شد با سریالی خوش ریتم، جذاب و قابل توجه مواجه هستیم. لیکن ضمن تحسین و تایید جذابیت‌های این سریال، لازم است برخی نکات و ایرادات حقوقی متوجه این اثر را بررسی و درباره آنها با نظر داشت به قوانین قضایی کشور نکاتی مطرح کنیم.

در قسمت آخر سریال، در صحنه‌ای، نعیم به رضا پروانه می‌گوید، حکم قصاصش بابت قتل نریمان صادر شده و پرونده در دیوان هست و از رضا می‌خواهد برای رضایت گرفتن از اولیای دم کمکش کند. رضا هم قول می‌دهد اگر رضایت گرفتن از اولیای دم نریمان، ۱۰۰۰ در داشته باشد، همه ۱۰۰۰ در را می‌زند تا رضایت اولیای دم را برای نعیم بگیرد و بعد با فروش خانه‌اش و تهیه پول اقدام به اخذ رضایت برای نعیم می‌کند. این در حالی است که در داستان فیلم نریمان به دختر نعیم تجاوز کرده و حتی فیلم تجاوز هم موجود است.

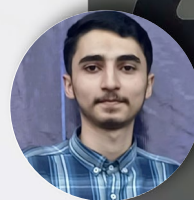


▲ **نکته حقوقی اول:** نریمان به ساحل (دختر نعیم) تجاوز کرده است و بند «ت» ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد در صورت وقوع جرم تجاوز، شخص متجاوز به اعدام محکوم می‌شود. از طرف دیگر بند «الف» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به صراحت عنوان می‌کند در صورتی که مقتول مرتکب جرائم حدی - که مستوجب سلب حیات (اعدام) باشد - شود، قاتل این فرد اعدام نمی‌شود. با توجه به اینکه اگر نعیم، نریمان را نمی‌کشت، دادگاه به دلیل تجاوز نریمان را اعدام می‌کرد و از آنجا که نریمان مرتکب تجاوز، از نوع جرائم حدی شده و مستوجب اعدام است، لذا قاتل او (نعیم) اعدام نخواهد شد و نیازی به رضایت هم ندارد.

▲ **نکته حقوقی دوم:** در پایان سریال، نعیم بابت قتل منصور که مشخص شد قاتل دخترش ساحل بوده است، به سمت قصاص می‌رود. بند «پ» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، به صراحت در این باره تعیین تکلیف کرده است: «در صورتی که مقتول مستحق قصاص باشد و اولیای دم، اقدام به قتل او کنند، قاتل قصاص نخواهد شد.» البته موضوع مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که آیا در قانون برای نعیم با وجود این ۲ فقره قتل، هیچگونه مجازاتی در نظر گرفته نمی‌شود؟ پاسخ: تبصره یک ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: اقدام درباره بندهای «الف»، «ب» و «پ» این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود و ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) میزان مجازات نعیم که بدون حکم دادگاه اقدام به قتل نریمان و منصور کرده را مشخص می‌کند. ماده ۶۱۲: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌کند.

بخش مصاحبه و گزارش

گزارش نشست نقد رأی شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر مازندران با موضوع اهدای جنین



پارسا بزنجان

دانشجوی کارشناسی علوم
قضایی دانشگاه علوم
قضایی تهران

موضوع: نشست نقد رأی

چکیده:

زوجی نابارور با یک فرزند معلول، از دادگاه تقاضای موافقت با اهدای جنین می‌کنند و دادگاه تجدیدنظر بر خلاف دادگاه نخستین، از ماده ۲ ق. ن. ا. ج، منافاتی میان ناباروری پس از یک بار فرزندآوری و حکم ماده مذکور ندیده و موافقت نموده. بحث نشست، درباره استناداتی است که در رأی به موازین بین المللی شده است.

▶ قاضی مستشار شعبه تجدیدنظر: دکتر حشمت رستمی درونکلا

▶ ناقد اول: دکتر مهدی هادی، رئیس پژوهشگاه قوه قضائیه

▶ ناقد دوم: دکتر محمدعبدالصالح شاهنوش، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی

عناوین اختصاری:

▶ ق. ن. ا. ج: قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور

▶ ق. م: قانون مدنی

▶ ق. ا: قانون اساسی

▶ ق. آ. د. م: قانون آیین دادرسی مدنی



فایل متن رأی در کانال تلگرام انجمن علمی دانشگاه علوم قضایی

قاضی:

هر امر جدیدی در ابتدا با مشکلاتی روبرو خواهد بود. ذهنیت جامعه حقوقی ما درباره حقوق بشر، در ابتدا صرفاً ناظر به حقوق کیفری (مسائلی چون منع شکنجه و بازداشت غیرقانونی) بود؛ ما کوشیدیم در تمام موضوعات، مسائل حقوق بشر هم مطرح شود؛ حتی در موت فرضی.

در این پرونده، درخواست اهدای جنین شده و گواهی پزشکی هم حاکی از ناتوانی زوجین در باروری بود. دادگاه بدوی به استناد بند الف ماده ۲ ق. ن. ا. ج، درخواست زوجین را نپذیرفته بود؛ چون برداشتی که از آن داشت، بلاوجه بودن صدور مجوز اهداء در صورت فرزند داشتن زوجین بود. اما ما چنین برداشت کردیم که قانون گذار بنا نداشته که فرزند نداشتن زوجین را شرط کند؛ بلکه عدم باروری را شرط

کرده (که گواهی پزشکی هم حاکی از این بود).

همچنین کوشیدیم به موازین حقوق بین الملل هم استناد کنیم و این را در راستای نیل به اهداف ماده ۹ ق. م دانستیم و معتقدیم عدم امکان استناد به کنوانسیون‌های پذیرفته شده مصوب در داخل کشور است که نیاز به توجیه و اثبات دارد؛ نه اعتقاد به امکان استناد به این‌ها.

معمولاً در دعاوی صرفاً به یک حق توجه می‌شود؛ ما در این دعوی می‌بینیم حقوق دیگری پنهان مانده‌اند؛ مثلاً حق بر سلامت، که به اعتقاد ما با عدم پذیرش درخواست اهدای جنین زوجین، حق سلامت آن‌ها به خطر افتاده بود. حق بر سلامت و اهدای جنین، بهانه‌ای بود که ما در این رأی، تعهد دولت‌ها را مطرح کنیم و لزوم ایجاد تغییر در نظام قضایی مان را بیان داریم. در این مورد، این زوج برای تغییر وضعیت عاطفی زندگی‌شان چنین درخواستی کردند. حال، با تعهدی که دولت ما به تأمین حق سلامت داده، همه قوای سه گانه موظف خواهند بود. اگر قاضی مخالفت کند، سلامتی این دو شهروند به خطر می‌افتد؛ زیرا آن‌ها دچار بحران روانی بودند و این تصمیم، باعث تشدید وضعیت آنان می‌گردد.

سپس فراتر رفتیم و از حق حیات گفتیم که مهم‌ترین حق بشری است. زمانی که زن و شوهر درگیر مسائل عاطفی و روانی ناشی از ناتوانی در فرزندآوری می‌شوند، تجربه نشان داده خودکشی و سکت و افسردگی آن‌ها بسیار محتمل خواهد بود؛ یعنی مخالفت قاضی با اهدای جنین، امکان به خطر افتادن حق حیات آن‌ها را ایجاد خواهد کرد. استناد به برخی اسناد در این رأی و آرای مشابه، از آن جهت بود که به مخاطب یادآور شویم موازین حقوق بشر، به هم پیوسته‌اند و نادیده گرفتن یکی، نادیده گرفته شدن دیگری را به دنبال دارد. در کشور ما سیاست بر افزایش جمعیت بوده و تاسیس سازوکار اهدای جنین و رأی اینجانب هم در همین راستا بوده.

حق دیگری هم که در این رأی به آن اشاره کردیم، حق توسعه پایدار است که یک حق جمعی و غیرآشکار است و یکی از ارکان آن، افزایش جمعیت.

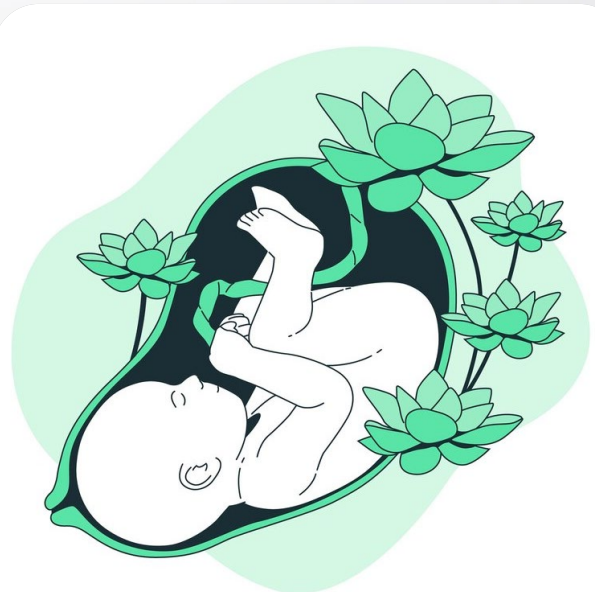
دکتر هادی:

پیشگام شدن قاضی محترم در استناد به موازین بین المللی، و حقی که به جامعه حقوقی دارند، حقیقتاً انکارپذیر نیست؛ چرا که زمانی این کار را کردند که در بین قضات، امر مرسوم نبود. اما زمانی برای ما در پژوهشگاه قوه قضائیه نگرانی ایجاد شد که نحوه استناد و ورود به موازین بین المللی در بین قضات، قدری از حالت متعارف خارج شد.

علی رغم محسناتی که این استنادات دارند، ملاحظه‌ای وجود دارد و آن، خطاهای بسیار برخی قضاتی است که تازه به این حوزه ورود می‌کنند. از این جهت بر آن شدیم که چهارچوبی تعیین شود برای استناد به موازین حقوق بین الملل با توجه به ظرائفی که وجود دارد؛ یعنی وجود مقررات پیچیده، معاهدات و ترجمه نادرستی که از آن‌ها می‌شود، یا این که در کنار معاهده، عرف و اصول کلی و قواعد آمره را داریم که هر کدام پیچیدگی‌های خاصی دارند، موجب می‌شود که هر کس که ورود کاملی در حقوق بین الملل نداشته باشد نتواند به راحتی به آن‌ها استناد کند. علی رغم فوایدی که این استنادات می‌توانند داشته باشند، باید توجه داشت که این یک نقطه عطف تاریخی است که اگر این حوزه کمی رها شود، احتمال صدور آراء زیادی که موجب تعهداتی برای ما بشود وجود دارد. مشکلاتی بسیار بیشتر از استناد به حقوق داخلی، در استناد به معاهدات بین المللی هست و یک قاضی با چند ماه یا چند سال مطالعه دانشگاهی حقوق بین الملل نمی‌تواند به سادگی به این موازین استناد کند.

در این رأی، قاضی محترم بنا بر برداشت خویش از ماده ۲ ق. ن. ا. ج حکم به تجویز اهدا داد؛ اما پس از یک اشاره کوتاه به قانون داخلی، ایشان وارد مباحث بین المللی می‌شوند؛ به این شکل که گفته‌اند نپذیرفتن درخواست زوجین، امکان ایراد آسیب روانی و شاید جسمی و نیز حق حیات را در پی دارد؛ لذا حق سلامت و نیز فراتر از آن، حق توسعه هم اقتضا می‌کنند که درخواستشان پذیرفته شود.

سوال اول در این باره این است که آیا حکم صریح ماده ۲ قانون یاد شده و برداشت ایشان از آن، و بنابراین پاسخگویی ماده به موضوع درخواست، راهی برای ورود به موازین بین المللی باز می‌گذارد؟ یعنی ایشان چگونه چنین برداشت



کردند که در حقوق داخلی خلأ قانونی وجود دارد و باید به معاهدات موضوع ماده ۹ ق. م استناد کرد؟

دوم این که بر فرض این که بتوان پذیرفت قاضی دادگاه تجدیدنظر، چه از جهت تفصیل و چه از جهت سکوت قانون، می تواند به اصول یاد شده در ماده ۳ قانون آ. د. م و اصل ۱۶۷ ق. ا رجوع کند؛ سوال اصلی این است که ورود ایشان به موازین بین المللی ورود درستی بوده یا خیر؟

در این رأی به برخی معاهدات استناد شده و برخی اسنادی که الزام آور نیستند (مثل اعلامیه های بین المللی) و نیز به قواعد آمره و عرف و تعهدات عام الشمول؛ که خود این جای سوال دارد که وقتی قاضی استناد می کند به یک منبع بین المللی (عرف، کنوانسیون و اصول کلی به عنوان منابع اصلی)، آیا باید مشخص کند که به کدام منبع و با چه ضابطه ای دارد استناد می کند؟

از طرف دیگر اشاره شد که اصول ۷۷ و ۱۲۵ ق. ا و ماده ۹ ق. م را هم در حقوق داخلی داریم و لذا استناد به معاهده ای که دولت به آن پیوسته، اجمالاً منعی ندارد؛ یعنی راجع به معاهدات فی الجمله مشکلی نداریم.

راجع به عرف، ابتدا باید معلوم شود که با توجه به اصول ۷۷ و ۱۲۵ ق. ا، ماده ۹ ق. م و سکوت قوانین یاد شده درباره عرف، و حکم مواد ۱۹۴ قانون دریایی ایران و ۹ قانون مجازات اسلامی، آیا قاضی می تواند در همه موارد به عرف استناد کند؟

اگر بخواهیم به اصول کلی استناد کنیم (که راجع به اصول حقوقی در نقاط اشتراک، ماده ۳ قانون آ. د. م بر خلاف اصل ۱۶۷ ق. ا این اجازه را داده)، خوب است هنگام استناد، مجرای خود برای ورود به آن اصول را ذکر کنیم.

قاضی پرونده ابتدا از معاهدات شروع کردند. اول از حق سلامت گفتند و استناد کردند به اساسنامه WHO یا میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. این استناد یک ایراد ماهوی و اساسی دارد و آن این که آیا قاضی دادگاه ایران می تواند به کنوانسیون میثاق و یا مقدمه اساسنامه WHO استناد کند؟ از نظر اینجانب خیر؛ یعنی نسبت به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قاضی ایرانی امکان استناد مستقیم بدون رعایت ملاحظات را ندارد.

نکته نهفته این است که وقتی یک معاهده را مستند رأی قرار می دهیم، یک زمان معاهده ما میثاق اول (حقوق مدنی و سیاسی یا ICCPR) است؛ یک زمان میثاق دوم است. استناد قاضی در نوع دوم است که اشکال فنی حقوقی دارد. در میثاق

اول، در تعهداتی مثل حق حیات، تعهد کشور به اجرای آن، یک تعهد مطلق است (هر کشوری در میثاق های حقوق بشری سه تعهد دارد: ۱- تعهد به احترام به میثاق ۲- تعهد به حمایت و حفاظت ۳- تعهد به اجرای عینی تعهدات). در نوع سوم، معاهدات ما دو قسم می شوند: در خصوص معاهداتی که تعهد نسل اولی دارند، تعهد نوع سوم دولت ها در آن ها مطلق است و کشورها در قبال اجرای آن مسئولیت دارند. اما آنچه در این رأی از آن غفلت شده این است که در معاهدات راجع به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مثلاً حق سلامت)، تعهد کشور به صورت تدریجی است- یعنی بر اساس حداکثر امکانات موجود هر کشور- و نه مطلق؛ چون تعهد مشخصی تعیین نشده و موضوع، مستقیماً به محاکم مرتبط نمی شود؛ بلکه دولت ها باید به تدریج به تعهد خود عمل کنند و نمی توان مستقیماً دولتی را از جهت عدم رعایت مؤاخذه کرد؛ زیرا هر دولتی برای اجرای آن برنامه و روند خاصی دارد. در میثاق اول اصلاً صحبتی از اجرای تعهد میثاق نمی بینیم. در بند ۱ ماده ۲ میثاق دوم آمده که کشورها متعهد به انجام اقدامات مناسب شده اند با حداکثر امکانات موجود برای رسیدن تدریجی به اهداف مقصود. نمونه دوم: در ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک با ظرافت بسیار (یعنی به طوری که فهم آن با



مورد دیگر، صحبت از کرامت ذاتی انسان است. بر فرض که کرامت انسان ذاتی باشد و آیات «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و «إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» را هم نداشته باشیم؛ این مورد هم ارتباطی با مسئله دعوا برقرار نمی‌کند. اگر یک قاضی به علل متعدد قانونی و پزشکی به زوجی مجوز اهدای جنین ندهد، آیا این به منزله نادیده گرفتن کرامت ذاتی انسان است؟

و یا مورد دیگری که بر آن استناد شده: حق بر حق داشتن. فارغ از هرگونه بحث فلسفی درباره این حق، عدم ارتباط خواسته دعوا با این حق و سایر حقوق مورد استدلال، منجر به مغالطه گردیده است؛ یعنی عدم ارتباط مقدمات با نتیجه.

قاضی:

زمانی که نگاه قاضی به دعاوی، نگاه پرونده‌ای باشد، در این صورت انسان و سرانجام او پس از صدور رأی برای وی اهمیت نخواهد داشت. هنگامی که نگاه ما به سلامتی، نگاه خشک تفسیر قوانین باشد، نه تنها به رأی حقوق بشری، بلکه حتی به قلم زدن درباره سلامتی هم نیازی نیست. از سوی دیگر، نمی‌توان در هیچ رأیی قائل به بیان توضیحات اضافه از سوی قاضی شد؛ زیرا رأی خوب رأیی است که جامع همه اصول و مواد باشد و امروزه یکی از انتقادات جامعه حقوقی، کوتاه بودن برخی از آراء است که

یکی از علل آن، آفت آمارگرایی در دستگاه قضایی است. در دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر آراء حتی چندده صفحه‌ای مشاهده می‌شوند. در این بحث، سؤال اصلی قبول داشتن یا نداشتن حقوق بشری است. اکثر کنوانسیون‌هایی که ما پذیرفته‌ایم، بعد از انقلاب بوده‌اند. بعد از انقلاب، دولت ایران می‌توانست از کمیته حقوق بشر (رکن ناظر اجرایی میثاق) خارج شود؛ اما علاوه بر ماندن، هر ساله به آن گزارش هم ارائه می‌کند. نگاه خشک پرونده‌ای یعنی نگرش کالاهای که قانون‌گذار ما تا سال ۱۳۸۲ نسبت به کودکان داشت؛ یعنی در ماده ۱۱۶۹ ق. م. آمده بود که کودک بعد از ۷ سال الزماً باید تحویل پدر شود. در اثر پذیرش کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۸۲، این ماده اصلاح شد. ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان می‌دارد که کشورها باید تعهدات مربوطه را عملیاتی کنند و این تعهدات،

مراجعه مکرر به متن اصلی، و نه حتی مطالعه چندین باره ترجمه متن حاصل خواهد شد) تعهدات کشور را دو قسمت می‌کند. می‌گوید باید اقدامات تقنینی، اداری و قضایی را بردارید برای اجرای حقوقی که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده. این تعهد مطلق است. عبارت دوم آن در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با تعهد قبلی متفاوت است: باید اقدامات لازم را مطابق حداکثر امکانات موجود خود انجام دهید. مرکز ثقل بحث ما همین است که وقتی قاضی ایرانی دارد به حق سلامت استناد می‌کند یا حق توسعه و دیگر حقوق - بر خلاف حق حیات - باید ببیند آیا آن مفهوم، جزء حقوق اولیه است - که تعهد کشور در آن یک تعهد مطلق است - و یا جزء تعهدات قسمت سوم (تعهد به اجرای عینی). اگر خود کنوانسیون ذکر کند یک تعهد، تدریجی است، قاضی نباید در یک پرونده، به یک فرایند مشخص شده توسط دولت ایراد بگیرد و قائل به عدم رعایت حق مربوطه شهروند شود.

دکتر شاهنوش:

رأی پیش رو یک رأیی است که دارای ضعف‌های متعدد است. ضعف آن نه از جهت قابلیت استناد به اسناد بین المللی - که در این جا مفروغ عنه است - بلکه از جهت نبود هیچ‌گونه ارتباطی میان اجزاء رأی و سؤال اصلی آن می‌باشد. به عنوان مثال، فرضاً امکان استناد به حق بر سلامت وجود داشته و حتی این استناد الزامی باشد،

سؤال پرونده ارتباطی با این حق ندارد. فرض کنید مردی ۷۰ ساله طالب فرزند باشد و طبق گواهی پزشک، توانایی باروری هم دارد. همسر وی ۵۵ سال سن دارد و مرد به علت وجود مشکلاتی (هزینه‌ها و...) تمایل به ازدواج با زن دیگری ندارد و از دادگاه تقاضای صدور مجوز برقراری ارتباط با یک خانم دیگر صرفاً برای فرزنددار شدن و به استناد حق بر سلامت می‌کند. استنادات رأی مذکور به همین اندازه سست‌اند؛ یعنی هفت استدلال بعدی رأی بر خلاف اولین استدلال که ناظر بر ماده ۲ ق. ن. ا. ج است و وضعیت روشنی دارد، واقعاً ارتباطی با خواسته ندارند.

مسئله بعدی آن که چند مورد از استدلالات رأی اساساً تفاوتی با یکدیگر ندارند و تکرار موارد ذکر شده‌اند. اگر حق بر سلامت در این مورد ثابت باشد، با حکم یک ماده هم ثابت می‌شود؛ نیازی به استناد به مقررات مختلف ندارد.



بر سلامت، اگر قاضی قصد استناد به آن را داشته باشد، باید احتیاط کند که آیا این تعهد مربوط به دادگاه هم هست یا ابتدائاً مربوط به کشور است؟ آیا دولت بعد از این تعهد، فرایندی را اجرا و آیین نامه‌ای تصویب کرده که قاضی بخواهد به آن استناد کند؟

مورد دیگر این که پذیرش ارتباط حق بر سلامت با اهدای جنین بسیار دشوار است؛ یعنی این که بگوییم نپذیرفتن درخواست اهدای جنین یک زوج، احتمال وارد شدن آسیب به آن‌ها را در پی دارد (چون پزشکی قانونی هم اشاره‌ای به ورود آسیب در صورت عدم پذیرش دادگاه نکرده، این صرفاً یک احتمال است). فارغ از آن و به فرض پذیرش این نظر، دو ایراد دیگر هم وجود دارد:

▶ هر کنوانسیون را نمی‌توان مستند رأی قرار داد. در تقسیم بندی معاهدات، می‌بینیم ما به یک تعداد میثاق ملحق شده‌ایم و بر اساس میثاق‌ها، تعهد داریم؛ اما در هیچ کدام از موارد ذکر شده، ارتباط مستقیمی به عنوان مستند رأی با مسئله آن نیست. حتی استناد به معاهداتی که ما به آن‌ها ملحق شده‌ایم هم به سادگی ممکن نیست. در حالی که در رأی به برخی معاهداتی که ما به آن‌ها ملحق نشده‌ایم هم اشاره شده.

▶ اشاره به اسناد متعدد، از جهت آگاهی بخشی به مخاطب اشکالی ندارد؛ اما باید توجه داشت که تکلیف اولیه هر قاضی در وهله اول، فصل خصومت است؛ یعنی باید دید استناداتی که می‌کنیم برای فصل خصومت است یا افزایش آگاهی اجتماعی که بحث دیگری است. در این جا درخواست فصل خصومتی که شده، با رجوع به ماده ۲ ق. ن. ا. ج پاسخ داده می‌شد.

دکتر شاهنوش:

تمام صحبت اینجانب این است که هر آنچه در متن رأی می‌آید باید با سؤال رأی مرتبط باشد، و الا فسادآمیز است. اساساً لزوم مستند بودن رأی قاضی برای آن است که بتوان آن را ارزیابی کرد. استدلال‌ها باید با نتیجه‌ای که قاضی می‌گیرد و بر طرفین تحمیل می‌شود مرتبط باشند تا رأی، شفاف و قابل ارزیابی باشد؛ وگرنه هر قاضی از هر استدلالی می‌تواند هر نتیجه‌ای بگیرد و هر رأیی موجه خواهد بود و در هیچ تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی نمی‌توان به استدلال‌های غلط او ایرادی وارد کرد.

▶ در این جا سؤال پرونده در قوانین داخلی پاسخ روشنی دارد؛ دیگر ورود به سایر موازین وجهتی ندارد. به طور کلی در دل این گونه بی‌انضباطی‌های استدلالی، خطاهای بزرگی می‌توانند نهفته باشند که با هیچ روشی هم قابل کشف نباشند. این استناد بی‌رویه، این امکان را دارد که در پی خود در دعوی دیگر استدلال‌های غیرمرتبطی را بیاورد که زبان بارترین نتایج را حاصل کنند علیه حقوق کودک، حقوق زن یا هر گروه دیگری.

تشریفات نمی‌باشند و ما هم پذیرفتیم و قوه مجریه در اجرا و قوه قضائیه ما هم در نظارت بر اجرا موظفاند. مراد از اشاره به موازین حقوق بین الملل در این رأی، استناد نبوده؛ بلکه یادآوری این به قاضی یا وکیل خواننده رأی بوده که ما به



تعدادی معاهده و پیمان ملحق شده‌ایم. معاهدات پذیرفته شده هم در حکم قانون‌اند و تفاوتی با قوانین داخلی ندارند. استناد به مقررات مختلف از این جهت است که اگر یکی مورد پذیرش مرجع قضایی قرار نگیرد، به ادله دیگر توجه شود. یک حقی که مغفول مانده، حق داشتن فرزند است که هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بشر، یک حق است.

دکتر هادی:

آن ملاحظه‌ای که که پیش‌تر گفته شد راجع به اجرای تعهدات تدریجی دولت توسط قاضی وجود دارد این است که آیا معاهداتی که یک کشور به آن‌ها ملحق می‌شود، در داخل و به ویژه در دادگاه‌ها خوداجرا هستند یا خیر؟ به اعتقاد اینجانب، معاهداتی که از این دست (میثاق دوم) و نیز تعهداتی که ناظر بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند، متعهد این‌ها مستقیماً دولت است، نه دستگاه قضایی. نمی‌توان یک حکم کلی برای همه معاهدات صادر کرد و همه آن‌ها را مستقیماً در دادگاه قابل اجرا دانست. برخی از معاهدات حتی نسل اولی نیز در دادگاه خوداجرا نیستند؛ مثلاً در کنوانسیون حقوق کودک، کمیته در تفسیر عمومی که ذیل ماده ۳ منتشر کرد، تصریح کرد که تعهدات این ماده مستقیماً در دادگاه‌ها قابل اجراست. این یعنی همه مواد آن، این خصوصیت را ندارند. درباره تعهداتی چون حق

سخن نهایی قاضی:

تعدادی از تکرارهای موجود در رأی، به اشتباه و تعدادی دیگر از جهت تأکید بر یک سری موضوعات مهم بودند و توضیحات رأی، از جهت آموزش و تذکر به قاضی دادگاه بدوی - که یکی از وظایف قضات دادگاه‌های تجدیدنظر است - نیز بوده‌اند. استنادات اینجانب همواره به معاهداتی بوده که دولت ایران پذیرفته؛ اما در ادامه این استنادها، برای تبیین موضوع و تقویت استدلال، اشاره‌ای هم به سایر معاهدات می‌شد؛ ضمن این که برخی قواعد، آمره‌اند و ما همواره ملزم به رعایت تعهدات عام الشمول و قواعد آمره هستیم.

▲ ذکر حق سلامت از جهت استناد نبوده است. در سال ۱۳۹۹ که این رأی به نگارش درآمد، نارضایتی‌هایی در زمینه سلامت شهروندان ایجاد شده بود و در این رأی، تعریف WHO از حق سلامت آمد که آراء دیگری را نیز در پی داشت. طبق این تعریف، صرف ناراحتی فرد از نظر روانی، نشانگر عدم سلامت آن فرد است؛ زوجین متقاضی هم یک فرزند معلول داشتند و نمی‌توان در خطر بودن سلامت آن‌ها را انکار کرد و از نظر اینجانب، توجه به دغدغه‌های اصحاب دعوا وظیفه قاضی می‌باشد. حقوق، علاوه بر ایجاد نظم در جامعه، برای حل مشکل افراد جامعه نیز هست و باید بتواند آن‌ها را حل کند. معاون امور بین الملل قوه قضائیه در آذرماه سال پیش، در بخشنامه‌ای استناد به کنوانسیون‌ها را با شرایط خاصی توصیه نمودند و آخرین اقدامی هم که قوه قضائیه انجام داد، تصویب دو دوره آموزشی برای قضات با موضوع «چگونگی صدور آراء حقوق بشری» بود.

جمع بندی:

در این نشست، رأی مورد نظر از جهات مختلفی چون امکان استناد به موازین بین المللی، اعتبار مستندات رأی، ارتباط استدلال‌های رأی با خواسته و لزوم یا عدم لزوم استناد به موازین مختلف، مورد نقد و بررسی حقوقی قرار گرفت و قاضی محترم صادرکننده رأی و ناقدان گرامی، به بیان نقطه نظرات خود پرداختند.





مصاحبه با دکتر فرید محسنی ریاست محترم دانشگاه علوم قضایی، با موضوع رشته جدید تربیت قاضی

در این قسمت از نشریه قضانامه، در پاسخ به پرسش‌های زیاد داوطلبان ورود به رشته علوم قضایی، این مصاحبه در رابطه با رشته جدید ارشد ناپیوسته علوم قضایی توسط اعضای انجمن علمی دانشگاه از دکتر محسنی ریاست دانشگاه علوم قضایی انجام گرفته بود، توسط خبرنگار نشریه فصلنامه قضانامه آقای مهدی سالار، تدوین و مطابق با شرایط جدید امسال، به روز رسانی گردید و برخی سوالات پرتکرار جدید نیز با آن ضمیمه شد تا در دسترس خوانندگان محترم قرار داده شود.

با سلام خدمت دکتر فرید محسنی، ریاست محترم دانشگاه علوم قضایی از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزاریم.

❑ سوال) مصاحبه متقاضیان تحصیل در دانشگاه علوم قضایی به چه نحو خواهد بود و چند مرحله دارد، طبق مراحل قبلی مصاحبه عقیدتی و روانشناسی و طبق گفته‌های قبلی‌تان علمی خواهد بود در این باره نیز توضیح دهید و اینکه در علمی از مواد امتحانی حقوق خصوصی سوال می‌شود یا اینکه فرقی نمی‌کند و توجه می‌شود به آن فردی که مثلاً جزا خوانده است؟

▶ دانشگاه علوم قضایی مرکز تخصصی علمی است و به نوعی ما پیمانکار هستیم برای قوه قضاییه.

نمی‌تواند پرونده بخواند و مواردی از این قبیل که در آیین‌نامه ذکر شده است ولی در کل سلامت جسم و روان خیلی مهم است و روی آن تاکید داریم.

❑ سوال) آیا افرادی که در رشته‌های غیر بورسیه علوم قضایی فارغ التحصیل می‌شوند نسبت به دانشگاه‌های دیگر امتیازی دارند یا نه تفاوتی با دانشگاه‌های دیگر ندارد و اینکه آیا به دانشجویان غیر بورسیه خوابگاه تعلق می‌گیرد یا خیر؟

▶ در مورد سوال اول باید پاسخ دهیم که رسماً خیر امتیازی محسوب نمی‌شود چون قوه قضائیه نسبت به کسانی مسئولیت دارد که آنها را به صورت بورسیه پذیرفته و نسبت به آنها تعهدی دارد که از ابتدا مبلغی به عنوان بورس به آنها پرداخت می‌نماید در مورد افرادی که دانشگاه علوم قضایی درس خوانده‌اند ولی بورس نیستند قوه قضائیه نسبت به اینها توجه دارد که اگر صلاحیت‌های لازم را داشته باشند در جذب عمومی توجه دارد به این افراد ولی هیچکدام تعهد اور نیست ولی بالاخره در سنجش به سوابق تحصیلی و اینکه در کدام دانشگاه بوده‌اند امتیاز محسوب می‌شود.

▶ در مورد اینکه به غیر بورسیه‌ها خوابگاه تعلق می‌گیرد یا خیر باید توجه داشته باشیم که دانشگاه علوم قضایی در امکانات خیلی محدودیت دارد ما در این مدت خیلی تلاش کردیم و زمین دانشگاه را در دشت بهشت در مجاورت زندان اوین موفق شدیم که به رای دادگاه بگیریم و سند تک برقی آن را گرفتیم که البته مشکلات حقوقی دیگری نیز دارد از طریق وزارت مسکن پیگیری می‌شود و اینکه خارج از زمین شهری بوده و... که بعد از حل مشکلات اقدام کنیم برای ساخت و ساز آن لذا ما زمین ملکی نداریم برای خوابگاه و عمدتاً خوابگاه‌ها استیجاری است و با بودجه محدودی که دانشگاه داشته است خیلی با محدودیت مواجه بودیم حتی بعد از کرونا دانشجویان در جریان هستند که تمام تلاش‌ها را کردم که طبق مصوبه وزارت علوم آموزش حضوری را برقرار کنیم که در این امر جز دانشگاه‌های موفق بودیم و مستحضر هستید با توجه به افزایش قیمت‌ها و اینکه بودجه ما همان بودجه سال قبل بود و افزایشی نداشت بسیار کار سختی بود اجازه خوابگاه و مدیریت امر تغذیه که خودتان نیز اطلاع دارید، فرض کنید بودجه‌ای که سی هزار تومان برای هر دانشجو قرار داده بودند برای غذا ناگهان چند برابر شده بود ولی بودجه دانشگاه چند برابر نشده بود، ما به لطف خدا و همکاری که جمعا محقق شد دانشگاه را دایر کردیم، درست است در کمیت و کیفیت غذا محدودیت داشتیم ولی دانشجویان هم همکاری کردند، دانشجویان ما از دانشجویانی هستند که شرایط را واقعا درک می‌کنند و بنده از آنها قدردانی می‌کنم و می‌دانم در شرایط سخت مدیریت شد و کلاس‌ها دایر شد و خوابگاه اجاره شد و با بهترین وضعی که می‌شد اداره شود به لطف خدا انجام دادیم با این شرایط ما تعهدی در قبال دانشجویان غیر بورس نداریم دقت بکنید اگر از شهرستان می‌خواهید دانشگاه علوم قضایی را برای رشته غیر بورس انتخاب کنید ما تعهدی در قبال خوابگاه نداریم و تعهد ما در قبال دانشجویان بورس است که می‌خواهد قاضی شود و قوه قضائیه باید به آنها خوابگاه دهد و امکانات

قوه قضائیه هر سال اعلام می‌کند ما این تعداد نیاز داریم انقدر دانشجو تربیت کنید امسال در این رشته‌ها دانشجو بگیرید و این گونه دانشجو بگیرید. همانطور که امسال گفته دویست نفر دانشجو بگیرید برای رشته علوم قضایی ولی چون مستخدم قوه قضائیه می‌شوند باید شرایط قوه قضائیه را داشته باشند لذا به شرایط احراز امر قضا گزینش می‌شوند. لذا گزینش را دانشگاه برای قوه قضائیه انجام می‌دهد در مورد شرایط گزینش هر چه جلوتر می‌رویم عمیق‌تر می‌شود به لحاظ علمی، اعتقادی، اخلاقی و سلامت روان که سعی شده تست‌ها دقیق‌تر باشد که آیا این شخص از سلامت اخلاقی و جسمی لازم برخوردار است یا خیر. شغل قضا لازمه‌اش این است که فرد یک آرامش روانی داشته باشد و تأمل بالا داشته باشد، تندخو نباشد، شخصیت هیجانی نداشته باشد، ما افرادی داشتیم که بسیار توأمند بودند از نظر علمی ولی روانشناس گفته این فرد انسان احساسی شدید است یا فرد بشدت عصبی است خب این فرد در آینده می‌خواهد قاضی شود اگر این خلقیات را داشته باشد نمی‌تواند قاضی موفق شود لذا گزینش ردش کرده بخاطر نظر صریح روانشناس. حال بعد از احراز صلاحیت اخلاقی و اعتقادی و... صلاحیت علمی نیز احراز می‌شود و افراد مختلفی از نظر صلاحیت علمی مصاحبه می‌کنند و نمره می‌دهند و در نهایت نمرات جمع می‌شوند. در مورد اینکه مفاد مصاحبه علمی چه خواهد بود اعلام شد ولی در مصاحبه علمی نیز همان دروس که سازمان سنجش در کنکور آورده است مکلف به رعایت همان هستیم یعنی دروس حقوق خصوصی ولی بدون اینکه تعهد محسوب شود اگر به طریقی توان افراد را در زمینه‌های دیگر علمی احراز کنیم تأثیر می‌دهیم در بخش توانایی علمی خصوصاً امسال ک مشکل نیز پیش آمده است برای مساعدت افراد سعی می‌کنیم که این توانایی را به طریقی تأثیر بدهیم.

❑ سوال) در مصاحبه علمی ارشد علوم قضایی از چه دورسی سؤال پرسیده می‌شود؟

▶ بر اساس گرایشی که در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کرده‌اند و مواد امتحانی گرایش خود مصاحبه‌ی علمی می‌دهند. مثلاً گرایش حقوق عمومی، دروس حقوق اساسی، حقوق اداری و... را در مصاحبه‌ی علمی خواهند داشت که اطلاعاتی آن در وبسایت دانشگاه قرار خواهد گرفت.

❑ سوال) معاینات پزشکی ضوابطش چه است؟ مثلاً فرد عنوان می‌کند من مشکل کوچکی در پایم دارم یا بینایی من نمره‌اش هشت است این ضوابطش را فرد از کجا می‌تواند متوجه شود و اینکه اگر فرد چنین مشکلاتی داشته باشد دیگر به فکر امر قضا از طریق دانشگاه علوم قضایی نباشد؟

▶ همه‌ی مشاغل برای خود ضوابطی دارند در مورد شغل قضاوت سلامت جسم و روان جز شرایط لازم است که در آیین‌نامه مربوطه شرایطاش مشخص شده است مثلاً در مورد بینایی گفته است اگر جمع نمره چشم طرف از ده بیشتر بود این فرد نمی‌تواند قاضی شود چون فرد باید پرونده بخواند اگر توانایی نداشته باشد و چشم‌اش یاری نکند

فردی نمره چشماش پانزده بود و برگه‌هایی را نمی‌توانست بخواند حال این فرد چگونه می‌خواهد پرونده بخواند و آن نیز با این سن کم، علاقه شخصی کافی نیست بلکه قوه قضاییه شخصی را می‌خواهد که سی سال قاضی شود در شرایط مختلف لذا اگر این فرد بتواند مشکل را حل کند می‌تواند شرکت کند ولی اگر قابل رفع نیست مثلاً بیماری روانی یا صرع شدید که پزشکان نیز می‌گویند قابل رفع نیست این فرد نمی‌تواند شرکت کند یا مثلاً فردی نمره کمی آورده انشالله سال بعد نمره بیشتری می‌آورد و قبول می‌شود.

❑ سوال) سوء سابقه کیفری اقوام درجه یک بستگان؟ در گزینش فرد تأثیری دارد؟ چه پدر مادر و چه بستگان؟

این امری مصداقی است. شخصی است و نوعی نیست یعنی باید احراز شود این فرد حسن شهرت دارد یا نه، ممکن است سو سابقه به گونه‌ای بوده که مهم نبوده است مثلاً چک بوده یا مثلاً موردی داشتیم که پدر ادم ربایی کرده بود و آن یکی قتل کرده بود و چهار پنج نفر این‌گونه بودند و فرد می‌گفت اقوام من چنین هستند به من چه ارتباطی دارد، قاچاقچی مواد مخدر بود و محکومیت سنگین داشت و یکی از عموهای او بود و این فرد خوب در آینده می‌خواهد قاضی شود و اگر دیگران مطلع شوند که قاضی جمهوری اسلامی پدرش محکومیت سنگین مواد مخدر دارد و عمویش آدم ربا... و چهار پنج نفر از نزدیکانش بودند و یکی از برادرانش نیز متواری بود و خانواده‌اش مشکلات این چنینی داشتند، حال افرادی که بخواهند به او مراجعه کنند اگر از این مسائل آگاهی پیدا کنند مسائل حاشیه‌ای پیش می‌آید و این موارد در شورا به صورت مصداقی بررسی می‌شود و سعی می‌شود حق کسی تضییع نشود و اگر مورد چیز مهمی نباشد منعی خواهد داشت.

❑ سوال) متقاضیان دارای سهمیه ایثارگری دارای امتیاز هستند؟

ایثارگران طبق امتیازات خاص خودشان در سنجش و کنکور دارای سهمیه هستند و از آن طریق ورود پیدا می‌کنند و طبق امتیازات سازمان سنجش از امتیازات خود بهره‌مند می‌شوند

آقای دکتر محسنی از وقتی که در اختیار نشریه قضانامه قرار دادید، سپاسگزاریم..

سوالات تکمیلی سردبیر نشریه قضانامه از واحد آموزش دانشگاه علوم قضایی

❑ سوال) ظرفیت استعداد درخشان دانشگاه علوم قضایی، امسال چند نفر است؟

ظرفیت، در بخش استعدادهای درخشان، قابل ملاحظه است و ظرفیت

بدهد، فلذا. می‌دانم که دانشگاه علوم قضایی مورد استقبال است و افرادی بوده‌اند مراجعه کرده‌اند به دانشگاه که من فرزندم می‌خواهم در این فضا درس بخواند چون محیط سالمی است... ولی فضای ما محدود است اما در تلاش هستیم که جای فاخر و با معماری فاخر که بشود بدان افتخار کرد برای دانشگاه علوم قضایی بسازیم که ظرف سه سال زیر ساختهای آن آماده شده است و اگر توفیقی شود در آن زمان هم ظرفیت‌ها را اضافه می‌کنیم، هم خوابگاه‌ها را توسعه می‌دهیم که بتوانیم میزبان خوبی برای دانشجویان عزیز حتی کسانی که آزاد و غیر بورس هستند باشیم

❑ سوال) دانشجویانی که اهل تسنن هستند می‌توانند در دانشگاه علوم قضایی بورسیه شوند؟

محدودیتی ندارند و برادران اهل تسنن می‌توانند در علوم قضایی قبول شوند، اگر که مراحل علمی و گزینشی را مثل دانشجویان دیگر طی بکنند می‌توانند در دانشگاه پذیرش شوند و در گذشته نیز دانشجویان اهل تسنن داشتیم، و اهل تسنن نیز قاضی می‌خواهند و منع قانونی نیز وجود ندارد، الان دانشجوی اهل تسنن نیز داشته‌ایم نمی‌دانم فارغ التحصیل شده‌اند یا خیر حتی در کلاس بنده نیز حضور داشتند و کسانی که رد شده‌اند به دلائل دیگری بوده نه به دلیل مذهب‌شان.

❑ سوال) آیا در سال آتی برای بانوان پذیرش خواهیم داشت؟ و در صورتی که پاسخ منفی است، علت آن چیست؟

در سوالات قبلی من پاسخ این را داده‌ام به نوعی ما پیمانکار محسوب می‌شویم برای قوه قضاییه، قوه قضاییه باید بگوید من چه نوع ساختمانی می‌خواهم آقای مهندس برای من چنین ساختمانی بساز، قوه قضاییه باید به من بگوید این موادی که به شما دادم برای من جوجه کباب بده یا غذای دیگر دانشگاه فی البداهه تصمیم نمی‌گیرد که چه تعداد مرد و چه تعداد زن پذیرش کند، قوه قضاییه اگر نیاز داشته باشد می‌گوید فلان تعداد دانشجوی دختر بگیرد ما در بعضی سالها دانشجوی خانوم داشتیم که دانشجوی خوبی هم بودند معمولاً ولی الان قوه قضاییه چنین چیزی از ما نخواست است چون از جذب عمومی نیروی مورد نیاز خود را جذب کرده است و برای سال آینده چنین چیزی را به ما اعلام نکرده است که دانشجوی و ما مجوزی نداریم در این باره و ما براساس مجوزها اقدام می‌کنیم، اینکه در سال‌های بیافتد بستگی به اعلام قوه قضاییه دارد که امکانات و خوابگاه و... سنجش می‌کند و نیاز آینده چه دخترهای خود در شهرستان‌ها و... را می‌سنجد و هر چه نیاز داشته باشد به ما ابلاغ می‌کند و ما طبق آن اقدام می‌کنیم.

❑ سوال) دانشجویی که یکبار رد می‌شود مجدد حق انتخاب رشته را دارد و یا اینکه فرد که یکبار رد شده است امیدی به قبولی نداشته باشد؟

منعی ندارد و می‌تواند شرکت کند مگر اینکه مسائل گزینشی داشته باشد که قابل رفع نباشد مثلاً بیماری دارید یا ضعف بینایی دارد مثلاً

به اندازه‌ی کافی داریم و کسانی که شرایط استعدادهای درخشان را داشته باشند وارد مراحل جذب و گزینش می‌شوند.

❑ سوال) معیار قبولی قبولشدگان رتبه است یا مصاحبه و گزینش؟

▶ در انتها، گزینش و مصاحبه ملاک است. رتبه، ورودی داوطلب است. ممکن است رتبه‌ی خوبی داشته باشد و در فرآیند مصاحبه و گزینش رد شود. حتی اگر در مصاحبه هم قوی باشد، ممکن است در مرحله گزینش رد شود.



نشریه قضائیه

شماره چهارم / تابستان ۱۴۰۳



پل های ارتباطی



ANJOMAN_UJS



MOHAMADHOSEINAMINI1378@GMAIL.COM



09372146330